

ستبران ۲

(۱۳۳)

نشریه سراسری سندیکای صنعت برق ایران
تابستان ۹۹، دوره جدید، شماره دو (۱۳۳ از سری متوالی)
قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

نگاه ویژه: بحران قراردادهای نگران آینده قراردادهای صنعت برق

مصطفی رجبی مشهدی، معاون برنامه ریزی و امور اقتصادی شرکت توانیر
نسخه نجات
علی بخشی، رییس هیات مدیره سندیکای صنعت برق ایران



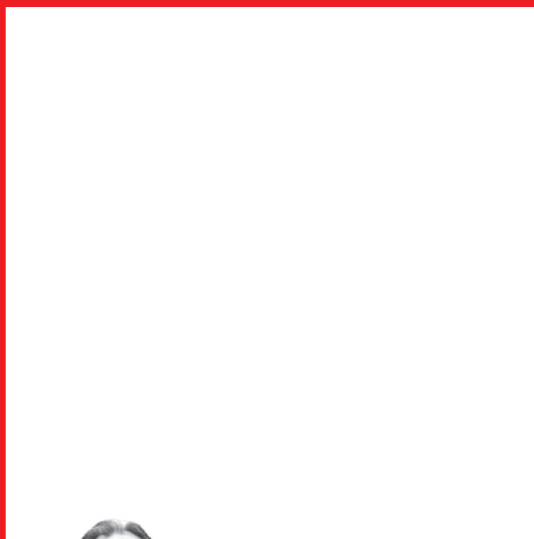
بورس کالا ابزار جدیدی تحت عنوان اوراق «خرید هین کالایی» طراحی کرده که دستورالعمل آن در هیات مدیره سازمان بورس به تصویب رسیده است و به زودی برای اجرا به بورس کالا ابلاغ خواهد شد. یکی از کالاهایی که به احتمال زیاد با این روش عرضه خواهد شد، مس است که در صنعت برق هم کاربرد فراوانی دارد...

• در گفت و گو با جواد فلاح
مدیر مطالعات اقتصادی و سنجش ریسک بورس کالای ایران



مشکل صنایع مادر با صنایع تکمیلی مربوط به دیروز و امروز نیست و از گذشته‌ها وجود داشته است. ما طی سال‌های اخیر در اتاق بازرگانی ایران اقدامات مختلفی برای رفع چالش‌های صنایع پایین دستی و تولیدکنندگان انجام داده‌ایم و کماکان در تلاش هستیم که ...

• در گفت و گو با ابوالفضل روغنی گلپایگانی
رییس کمیسیون صنایع اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران



با تشدید تحریم‌ها، عدم پرداخت یکساله مطالبات از سوی وزارت نیرو، عدم تخصیص ارز بانک مرکزی، عدم همکاری کارفرمایان و بانک‌ها در تامین سرمایه در گردش و مشکلات ناشی از شیوع ویروس کرونا، ورود مواد اولیه با مشکلات جدی روبرو شده است و نمی‌توان برای آن برنامه‌ریزی حتی چند ماهه کرد...

• در گفت و گو با جمشید بردبار
عضو هیات مدیره سندیکای صنعت برق ایران

سی

شاید وقت آن رسیده که دولت در عمل به وظایف حاکمیتی‌اش با اصلاح نظام عرضه مواد اولیه واحدهای تولیدی از طریق صنایع بالادستی که عمدتاً در مالکیت و کنترل مستقیم آن و یا نهادهای عمومی بوده و به دلیل بهره‌مندی از یارانه‌های آشکار و پنهان متعدد، دارای قدرت نقدینگی و سودآوری‌های زیادی هستند، از صنایع ساخت محور حمایت کند...

• در یادداشتی از علیرضا کلاهی
نایب رییس کمیسیون صنایع و معادن اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

ن

د

ب

گ



HVDC-TESTER

PHT 5/20/32 - 100/400 S

مدل هوشمند

Best quality

Easy to use

Easy carrying



مهرراج
طرح یاران

High Voltage Engineering



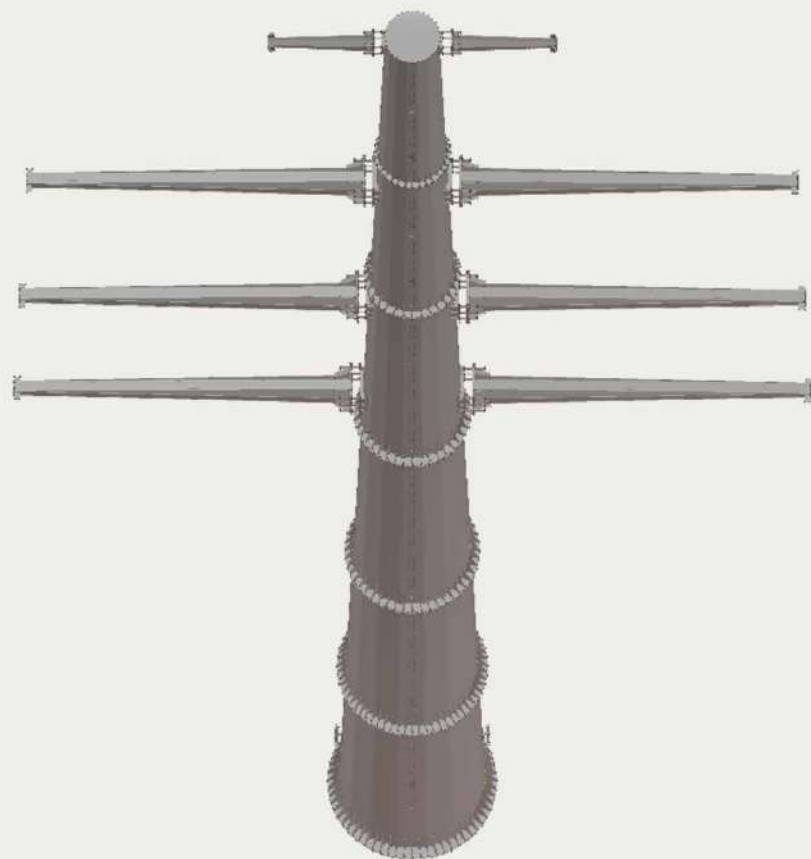
پژوهشگاه نیرو

E.P.I.L. ✓
Energy & Power Industries Laboratories Co., Ltd.
شرکت آزمایشگاه‌های صنایع انرژی

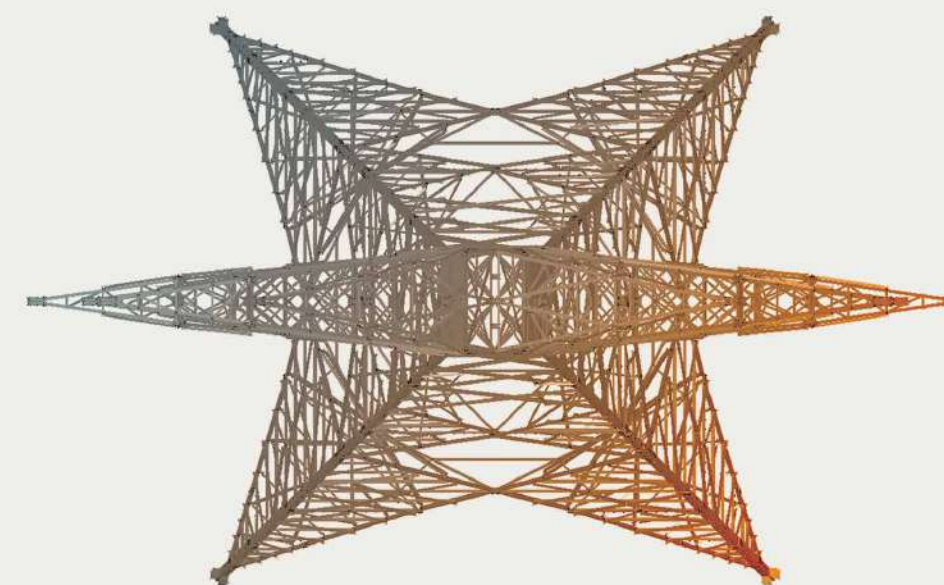


اهم ویژگیهای دستگاه HVDC-TESTER SMART

- استفاده از تراشه قدرتمند ARM به عنوان پردازنده مرکزی
- بکارگیری نرم افزار حرفه ای و هوشمند جهت کنترل
- استفاده از تبلت و پروتکل wifi
- انجام تستهای دقیق با درصد خطای بسیار پایین
- انجام تست اتوماتیک
- عدم نویز پذیری در محیطهای صنعتی
- ثبت نتایج تست شبکه به همراه زمان و مکان جغرافیایی
- طراحی بهینه جهت استفاده و حمل آسان
- ایمنی و حفاظت بالا



This is a tower.



This is a tower.

The above images are the result of 40 years of experience in designing, manufacturing and executing transmission and telecom towers. Yasan Company is one of the most successful companies in the Middle East with a production capacity of one hundred thousand tons per year and exportation of forty thousand tons of various types of transmission towers and telecom towers in the recent years.

تصاویر فوق حاصل ۴۰ سال تجربه در طراحی، ساخت و اجرای برجهای خطوط انتقال نیرو و مخابراتی می باشد. شرکت یاسان با ظرفیت تولید بیش از یکصد هزار تن در سال و صادرات چهار هزار تن انواع دکل های انتقال نیرو و مخابراتی در سال های اخیر یکی از موفق ترین شرکت های خاورمیانه می باشد.



وندور توانیر

خدمات تست و بازرسی
بظور همزمان
برای سازندگان تجهیزات ذیل
(حتی آزمون اتصال کوتاه)

جهت ورود به

- تابلو و پست کمپکت
- کابل
- یراق آلات و کابل خودنگهدار
- انواع کلید مینیاتوری، دژنکتور، سکسیونر
- انواع ترانس قدرت، ترانس جریان، ولتاژ
- انواع کنتور
- سایر تجهیزات برقی



E.P.I.L.

شرکت آزمایشگاه‌های صنایع انرژی



تاییدیه بازرسی توانیر

www.eepil.com

شرکت خدمات توانیر، اتصال و ترمیم و بازرسی توانیر
توانیر

تاریخ: ۱۳۹۳/۰۱/۰۱
شماره: ۰۰۱/۰۰۱/۰۰۱
نوع: تست

پست: تهران

موضوع: تست و بازرسی توانیر

با سلام و احترام،
مقتضی به نامه شماره ۹۲۰۲/۲۸۵۵ مورخ ۹۲/۱۰/۱۷ به اطلاع میرساند که با توجه به پروانه بازرسی آن شرکت به شماره ۱۹۷-۲ مورخ ۹۲/۱/۱۶ از سازمان ملی استاندارد ایران، نام آن شرکت در لیست پائرسان مورد تأیید توانیر قرار گرفته است. (تاییدیه: ۹۲۲-۵۱۷۷)

معاون کل دفتر امور خدمات توانیر

تلفن: ۲۲۲۲۲۲۲۲

آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۳، طبقه ۳، واحد ۱۲

دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر، خیابان بزرگمهر، نیش فریمان، بن بست بوجاری صفت، پلاک ۲، طبقه ۳، واحد ۱۲ کد پستی: ۱۴۱۶۸۵۴۵۲۳ تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۷۱ فکس: ۰۲۱-۶۶۱۷۴۲۸۳

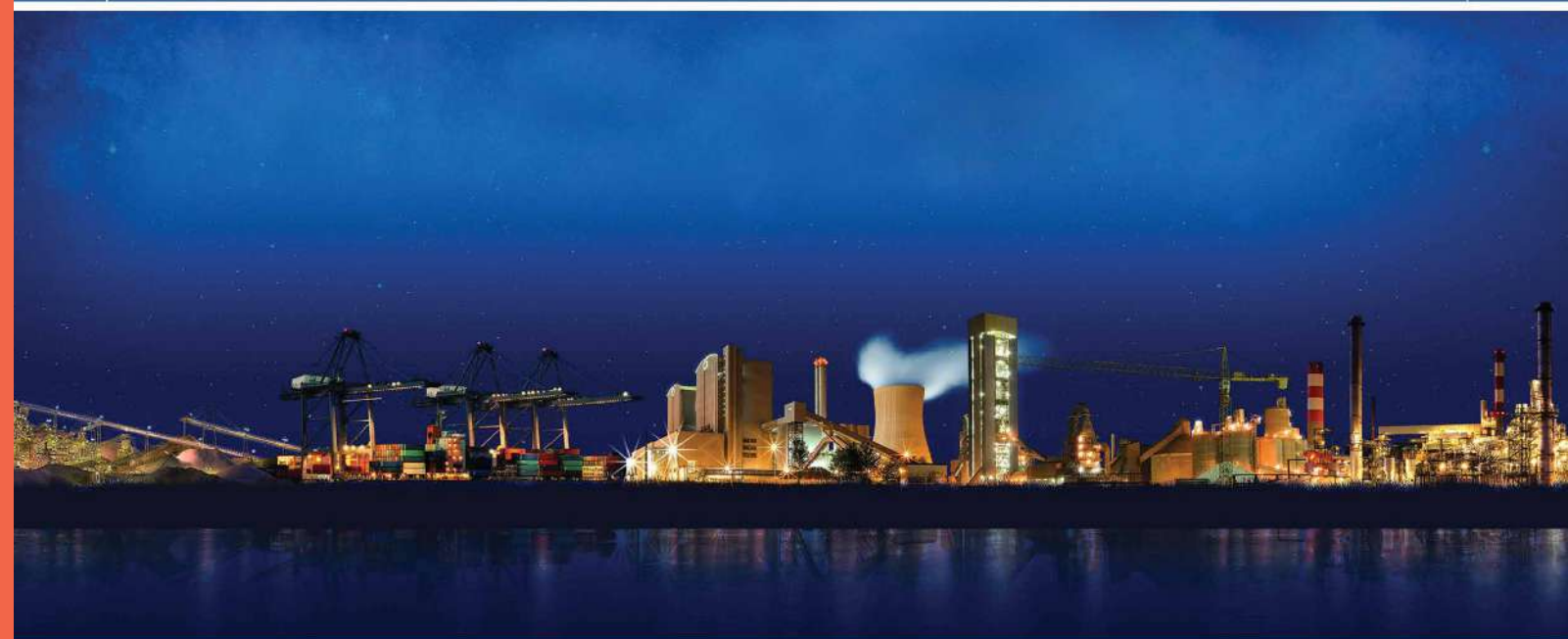


شریک قابل اطمینان مشتری
با ارائه راهکارهای جامع
و قیمت رقابتی

www.mapnaom.com
info@mapnaom.com



شرکت اندیشه‌های فرانگر برسام



ABB

Alcatel-Lucent

SEL SCHWEITZER
ENGINEERING
LABORATORIES

Loop
Telecom

BGS

Barsam Global Systems Co.

Tel: +98(21)44 82 26 14-15

Fax: +98(21) 44 83 76 61

ZIP Code: 147 87 86 317

NO.324 Unit 5 North Jannat

Abad Blvd. Tehran IRAN

Web: www.bgsco.net

TeleSCADA

- طراحی، تامین و اجرای سیستمهای مخابرات فیبر نوری و سیستمهای اپتیک (Access Mux & SDH)
- طراحی، تامین و اجرای سیستمهای مخابراتی PLC آنالوگ و دیجیتال
- طراحی، تامین و اجرای سیستمهای اسکادا (RTU) و مراکز دیسپاچینگ
- تامین و تولید تجهیزات پسیو فیبر نوری و تابلوهای مخابراتی و تابلوهای LV
- ارائه خدمات تعمیر و نگهداری سیستمهای مخابراتی و دیسپاچینگ



RTU

AZARTU®

Remote Terminal Unit
Up to 90 Digital and Analoge I/O
MODBUS, DNP3, IEC60870-5-101, 103, 104
Powerful ARM Microcontrollers
Softwares: Config - Test - Monitor

دفتر مرکزی:

تهران، خیابان شهید بهشتی، خیابان احمد قصیر، کوچه ششم، پلاک ۲۲
تلفن: ۰۲۱ - ۸۸۷۵۷۶۹۱ - ۸۸۵۴۰۲۰۸
فکس: ۰۲۱ - ۸۸۷۳۲۱۵۸

Head Office: No. 22, 6th St., Ahmad Qasir Ave.,
Beheshti Ave., TEHRAN - 1514644711 - IRAN.
Tel: +98 21 88540208
Fax: +98 21 88732158
www.azarkelid.com | contact@azarkelid.com

Azar Kelid
Engineering of
Electrical Inds.



FTU

Feader Terminal Unit
Up to 24 Digital and Analoge I/O
MODBUS, DNP3, IEC60870-5-101, 103, 104
User Friendly HMI
Embedded Power Meter
Softwares: Config - Test - Monitor

قریب ربع قرن فعالیت مستمر شرکت پیمابرق (از سال ۱۳۷۰) گواهی است بر توانایی و ظرفیت‌های عظیم این مجموعه در اجرای طرح‌های EPC عمرانی در صنایع برق، مخابرات و ساختمان که با یاری پروردگار و اتکاء به نیروی انسانی مجرب و گنجینه‌ای از سوابق و تجربیات ارزشمند فنی و اجرایی حاصل گردیده است.

مأموریت ما، در پیمابرق تحویل به موقع و با کیفیت پروژه‌های عمرانی در صنایع مادر و جلب رضایت کارفرمایان و مدیران طرح‌ها می‌باشد و در این راستا با تجدید نظر در نظام حاکمیتی شرکتی و معماری داخلی سازمان توانسته‌ایم ضمن بروزرسانی بانک دانش و تجربه نسبت به خلق ایده‌های جدید و نوآورانه و کسب بالاترین استاندارد اجرایی اقدام نماییم.


سندیکای صنعت برق ایران
Iran Electrical Industry Syndicate


انجمن صادرکنندگان خدمات فنی و مهندسی ایران



پیمابرق
(سهامی خاص)

طراحی، مهندسی، تأمین کالا و احداث نیروگاه‌ها
خطوط انتقال، پست‌ها، شبکه‌های فیبر نوری و توزیع نیرو



Peyma Bargh Co.

EPC Contractor
in power & energy sector

www.peymabargh.com
info@peymabargh.com

Peyma Bargh provides integrated electrical power services for customers. Our broad range of energy infrastructure service solutions allows us to engineer, commission, test and manage a variety of electrical projects.

The full spectrum of electrical services also include installation, wiring, maintenance, repairs, Peyma Bargh values the opportunity to safety and efficiently bring electrical services to our clients. We will work to find the right service to meet our clients' project's needs. Our diverse team of engineers, technologist electricians, project managers, industry experts and their 28 years of combined experience allow our clients and us to stand by the work we create together. Operating honestly and ethically is quite simply how we do business. We maintain open communication with all clients and pride ourselves on our customer-oriented approach to our work.



نشانی: تهران- خیابان شریعتی- پایین تراز پل صدر- شماره ۱۶۵۷- طبقه سوم
تلفن: ۵۲ - ۹۳۵۳ ۲۲۶۱ (۰۲۱)
نمابر: ۹۳۵۳ ۲۲۶۱ (۰۲۱)



شرکت پارس سوئیچ
(سهامی عام)

PARS SWITCH CO.

Manufacturer of Medium & High Voltage
Circuit Breakers and Disconnecting Switches

سازنده کلید و سکسیونر فشار متوسط و قوی



LTB 72.5 kV



VP4E 36kV

PDS 245 kV



سکسیونر گازی تابلویی مدل LBS -P
دستی / موتوری 24 kV



VP4E 24kV

تلفن فروش: ۰۲۴-۳۳۷۹۰۷۱۲-۱۶
فکس: ۰۲۴-۳۳۷۹۰۷۱۱

sales@parsswitch.com
www.parsswitch.com



صنایع برق زنگان پارس

سازنده تابله‌های فشار متوسط کشویی و فیکس

و تابله‌های حفاظت و کنترل

تلفن: ۰۲۴-۳۲۲۲۱۹۵۴-۵
فکس: ۰۲۴-۳۲۲۲۱۹۹۰
www.zanganpars.com
info@zanganpars.com

تابله کیوسکی شرکت زنگان پارس



SEMNAN TRANSMISSION STRUCTURES AND EQUIPMENTS
تجهیزات و سازه‌های انتقال سمنان



SEMNAN TRANSMISSION STRUCTURES AND EQUIPMENTS



تولید کننده:

- دکل های انتقال نیرو (مشبک، تلسکوپی)
- دکل های فولادی مخابراتی
- اسکلت فلزی تجهیزات صنایع نفت و گاز
- اسکلت فلزی ساختمان های فولادی
- سینی و نردبان فلزی کابل



۰۲۱-۲۲۰۱۶۱۰۷

۰۲۳-۳۳۶۵۳۷۳۸



۰۲۱-۲۲۶۵۵۰۵۷

۰۲۳-۳۳۶۵۳۷۳۹



INFO@SEMNANTSE.IR



WWW.SEMNANTSE.IR

فعالیت گروه پارسیان در بهمن ماه سال ۱۳۷۱ با تأسیس شرکت توسعه پست‌های فشارقوی پارسیان بعنوان اولین شرکت پیشگام ایرانی با هدف بومی سازی مهندسی و زمینه سازی برای انتقال دانش فنی و استفاده تجهیزات ساخت داخل، بعنوان پیمانکار عمومی در زمینه نیروگاه‌ها، پست های فشارقوی، حمل و نقل درون شهری، قطارهای سریع السیر و پروژه های خطوط انتقال انرژی، مخابرات، اسکادا و اتوماسیون، حفاظت و کنترل نیومتریگ پست های فشارقوی با بیشترین سابقه در رشته انتقال و توزیع نیرو، دیسپاچینگ و مخابرات در صنعت برق می‌باشد.

گروه پارسیان در زمینه های پروژه های انتقال نیرو، اولین و بزرگترین صادر کننده خدمات فنی-مهندسی و به عنوان اولین تولید کننده کلیدخانه های گازی فشار قوی (GIS) در کشور است که پروژه های متعددی در کشور سوریه، امارات متحده عربی، بنگلادش، افغانستان، بنین، یمن و نیجر را انجام داده یا در دست اجرا دارد و در سه دوره عنوان صادر کننده نمونه خدمات فنی و مهندسی را که افتخاری برای این مجموعه بوده را به دست آورده است.



WWW.ELKOPARS.COM

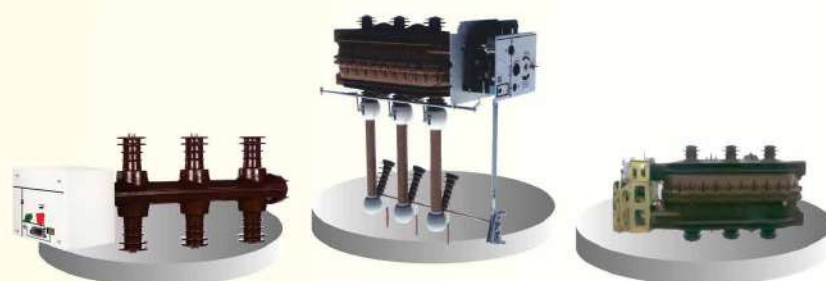
WWW.ELKOPARS.COM



دژنکتور گازی SF6 در دو نوع عرضی و طولی
(با قابلیت خروج از راست و چپ)
در سطوح ولتاژی 36 Kv/24 Kv



تابلوهای RMU/GIS
با خروجی دژنکتوری و سکسیونر فیوز دار
در سطوح ولتاژی 36 Kv/24 Kv



انواع سکسیونرهای گازی قابل قطع زیر بار و فیوز دار
در سطوح ولتاژی 36 Kv/24 Kv



انواع دژنکتورهای خلا در دو نوع فیکس و کشویی
در سطوح ولتاژی 36 Kv/24 Kv



سکسیونر گازی هوایی (سرتیری)
در دو نوع دستی و موتور دار
در سطوح ولتاژی 36 Kv/24 Kv

PARSIAN GROUP is a group of companies which are well known as general contractors in the field of power plant, transmission and distribution of electric energy, supplying & execution of gas insulated substation and electrical and control panels, communication & scada systems, DCS of power plant, substation, industrial systems (oil, gas, petrochemical, cement, steel), electrical transport system & utility.

Our performance has been proven in than 300 EPC project in mentioned fields. Today Parsian is renowned for having an outstanding record of execution of AIS/GIS high voltage substations ranging from 63 to 400KV, Transmission lines, BOP of power plants, power supply of metro lines, railway electrification and a lot of other electrical projects in local and overseas.

Our business is not only restricted in Iran's market but also in countries Syria, UAE, Bangladesh, Afghanistan, Yemen, Benin and Niger.



شرکت پارسیان توسعه پست های فشارقوی (PSS):
پیمانکار عمومی (EPC) پروژه های انتقال برق و پست های فشارقوی در منطقه تأسیس شده است که علاوه بر پروژه های متعدد پست های ۴۰۰، ۲۳۰، ۱۳۲ و ۶۳ کیلوولت در داخل کشور، پروژه های متعددی در کشورهای سوریه، امارات متحده عربی، بنگلادش، افغانستان، بنین، یمن و نیجر را اجرا یا در دست اجرا دارد و سه دوره عنوان صادر کننده نمونه خدمات فنی - مهندسی را که افتخاری برای این گروه می باشد به دست آورده است.



شرکت پارسیان توسعه نیروگاه ها و صنایع پارسیان (PPD):
پیمانکار عمومی (EPC) در پروژه های تولید انرژی و صنایع نیروگاهی شامل نیروگاه های گازی، حرارتی، ژئوترمال، آبی، بادی، خورشیدی همچنین پیمانکار عمومی بخش یوتیلیتی صنایع فولاد، سیمان، نفت - گاز - پتروشیمی، مس و ...



شرکت توسعه ریل نیروی پارسیان (PRP):
پیمانکار عمومی (EPC) جهت برق رسانی صنایع در پروژه های نوسازی و ارتقاء سیستم موجود الکتریکی قطارهای برقی، در بخش حمل و نقل درون شهری، در قطارهای سریع السیر و برقی کردن خطوط راه آهن موجود، اتوبوس برقی، موتورل



شرکت پیمان خطوط گستر (PKG):
پیمانکار عمومی در پروژه های خطوط انتقال انرژی و سیستم های حفاظت و کنترل نیومتریگ و طراحی و اجرای سیستم های اتوماسیون و ابزار دقیق، طراحی و ساخت و اجرای پست های فشار قوی، طراحی و ساخت و اجرای سیستم های مخابراتی، طراحی و اجرای مراکز دیسپاچینگ و اسکادا با توافقنامه همکاری با شرکت های زیمنس، ABB، GE، NR، AREVA برای اجرای پروژه در ایران و خاورمیانه.

- دارای تایپ تست از ICMET & CESI
- دارای تاییدیه توانیر
- با همکاری تابلو سازان محترم
- دارای تاییدیه پژوهشگاه نیرو
- دارای ۲ سال گارانتی بدون قید و شرط

کارخانه: البرز، کرج، شهرک صنعتی
سیمین دشت، خیابان هفتم شرقی، پلاک ۱۲۰
۰۲۶ - ۳۶۶۷۰۶۳۵
https://t.me/Elko_pars
+98 993 18 44 204
info@elkopars.com

دفتر مرکزی: تهران، میدان آزادی، ابتدای
خیابان آزادی، خیابان میرقاسمی، تقاطع
خیابان افشاریان با دهقان، پلاک ۱
۰۲۱ - ۶۶۰۴۴۱۵۰ - ۶۶۰۲۷۸۴۸
۰۲۱ - ۶۶۰۴۳۵۶۵ - ۶۶۰۰۴۶۷۲
۰۲۱ - ۶۶۰۸۴۲۶۴

تهران، بزرگراه همت، شهرک گلستان، تقاطع بلوار امیرکبیر
و کاج، پلاک ۵، ساختمان کاج صندوق پستی: ۱۴۹۳۶۳۷۱۳۵
تلفن: ۰۲۱-۴۸۰۷۶۰۰۰ نمابر: ۰۲۱-۴۸۰۷۶۰۰۱
www.parsian.com
info@parsian.com
tendering@parsian.com



تنها واحد نمونه کیفی کشوری (ملی) در سال ۱۳۹۸
 منتخب سازمان ملی استاندارد ایران (در صنعت سیم و کابل)

بیش از یک ربع قرن تجربه برند در صنعت سیم و کابل

دارای تاییدیه سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری
 جهت کابل های سیستم اعلام حریق ساختمان
 (مقاوم در برابر آتش)

تولید برتر ← گارانتی معتبر ← همکاری مستمر

- برگزیده آزمایشگاه همکار نمونه استاندارد در سال ۹۲
- صادر کننده نمونه سیم و کابل از سال ۹۲ الی ۹۸
- مرکز تحقیق و توسعه (R&D) برتر کشور در سال ۹۵
- دارنده تاییدیه حضور در لیست سازندگان انواع سیم و کابل های برق، قدرت، ابزار دقیق، شرکت های ملی نفت و گاز و پتروشیمی ایران
- کسب رتبه نخست کیفی در تولید محصولات سیم و کابل از سازمان ملی استاندارد ایران از سال ۱۳۷۸ تا کنون (۱۱ دوره)
- کسب گواهینامه و تندیس حمایت از حقوق مصرف کنندگان در سال ۱۳۹۶، ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸
- کسب عنوان مدیر کنترل کیفیت برتر در سال ۹۷ از سازمان ملی استاندارد ایران از سال ۱۳۸۲ تا کنون (۹ دوره)
- کسب تندیس طلایی بر تندیس ترملی سال ۱۳۹۷
- کسب تندیس طلایی بر تندیس ترملی سال ۱۳۹۷

تولید کننده انواع سیم و کابل فشار ضعیف، متوسط و فشار قوی (10-63kV)

- در خطوط انتقال و توزیع برق
- صنایع نفت و گاز و پتروشیمی
- صنایع مخابراتی و ابزار دقیق
- صنایع برق و الکترونیک
- صنایع دریایی و راه آهن
- صنایع آب و سدها
- پروژه های نیروگاهی
- نیروگاههای خورشیدی (سولار)
- صنایع خودرو سازی
- صنایع واگن سازی و مترو
- صنعت ساختمان و برجها
- صنایع پزشکی و بیمارستانی

نشانی کارخانه: مشهد مقدس، شهرک صنعتی توس، فاز یک
تلفن: ۳۱۵۶ (۰۵۱) و تلفن: ۱ - ۱۴۰۰ ۳۵۴۱ (۰۵۱)
 نمایندگی های مشهد
 (۱) تلفن: ۲۵۸ ۵۵ (۰۵۱) / فکس: ۱۳۳ ۹۵ (۰۵۱)
 (۲) تلفن: ۲۹۶ ۰۸ (۰۵۱) / فکس: ۵۳۸ ۳۰ (۰۵۱)
 نمایندگی های تهران
 (۱) تلفن: ۸-۰۶۳۴۱۸۰۶ (۰۲۱) / فکس: ۸۰۹ ۳۴۱ ۶۶ (۰۲۱)
 (۲) تلفن: ۶۶۷۳۵۸۸۸ (۰۲۱) / فکس: ۶۶۷۳۶۱۹۰ (۰۲۱)
 (۳) تلفن: ۷۰۰ ۸۸ (۰۵۱) / فکس: ۴۶۳ ۴۳ (۰۵۱)
 (۴) تلفن: ۴۰۰ ۸۹۲ (۰۵۱) / فکس: ۶۷۱ ۷۱ (۰۵۱)
 (۵) تلفن: ۷۰۰ ۸۸ (۰۵۱) / فکس: ۴۶۳ ۴۳ (۰۵۱)
 (۶) تلفن: ۷۰۰ ۸۸ (۰۵۱) / فکس: ۴۶۳ ۴۳ (۰۵۱)
 (۷) تلفن: ۷۰۰ ۸۸ (۰۵۱) / فکس: ۴۶۳ ۴۳ (۰۵۱)
 (۸) تلفن: ۷۰۰ ۸۸ (۰۵۱) / فکس: ۴۶۳ ۴۳ (۰۵۱)
 (۹) تلفن: ۷۰۰ ۸۸ (۰۵۱) / فکس: ۴۶۳ ۴۳ (۰۵۱)



علم ما اندازه شناسی، کسب و کار ما درستی



آزمایشگاه کالیبراسیون سنجشگران میزان ابزار
(سما)

چرا ما را انتخاب کنید؟

۱. کارشناسان با صلاحیت و با تجربه.
۲. هزینه مؤثر.
۳. تحویل به موقع تجهیزات و گواهینامه ها.
۴. گواهینامه های کالیبراسیون کاربردی.
۵. سیستم پاسخگو و مشاوره های تخصصی در حوزه کالیبراسیون.

آزمایشگاه های کالیبراسیون

- الکتریک
- جرم و حجم
- دما
- شیمی
- رطوبت
- نیرو و گشتاور
- فشار
- ابعاد

خدمات ویژه کالیبراسیون الکتریک و الکترونیک

دستگاه های تست رله (VEBCO, Omicron, ISA)، تایم تستر (Circuit Breaker Test System)، های ولتاژ تستر، های پات، میگر، اینسولیشن تستر، میکرواهم متر، دراپ تستر، اسیلوسکوپ، تست تزریق جریان، پاور آنالایزر تک فاز و سه فاز، کنتور برق، کنتور مرجع، ارت تستر، Transformer Retio Tester، آمپر متر کلمپی، مالتی متر و ...



شرکت آزمایشگاه های صنایع انرژی



شرکت انتقال و توزیع نیروی برق ایران



پژوهشگاه نیرو



مرکز ملی نایب صلاحیت ایران



سندشگران صنعت برق ایران



CALL US NOW
021-44195703
021-44190767
09034721239



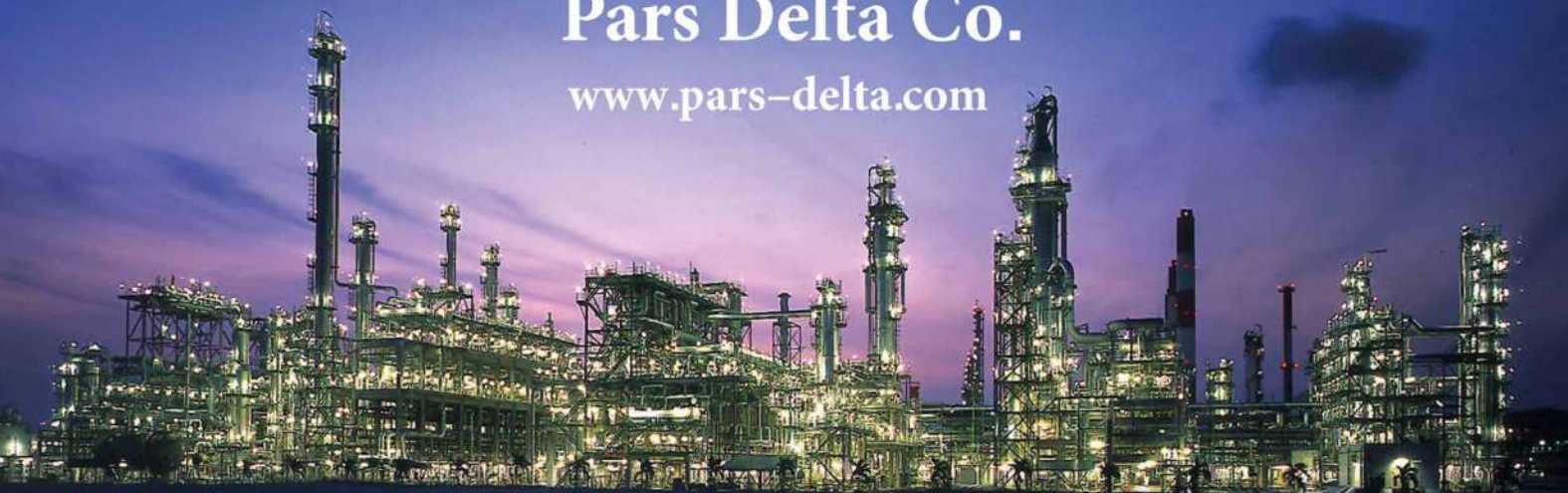
تهران، کیلومتر ۱۴ بزرگراه شهید لشگری (جاده مخصوص کرج)، بلوار ایران خودرو جنوبی، خیابان بعثت، پلاک ۶۱
Mobile : 09388000242
www.samalab.co
info@samalab.co



پارس دلتا

Pars Delta Co.

www.pars-delta.com



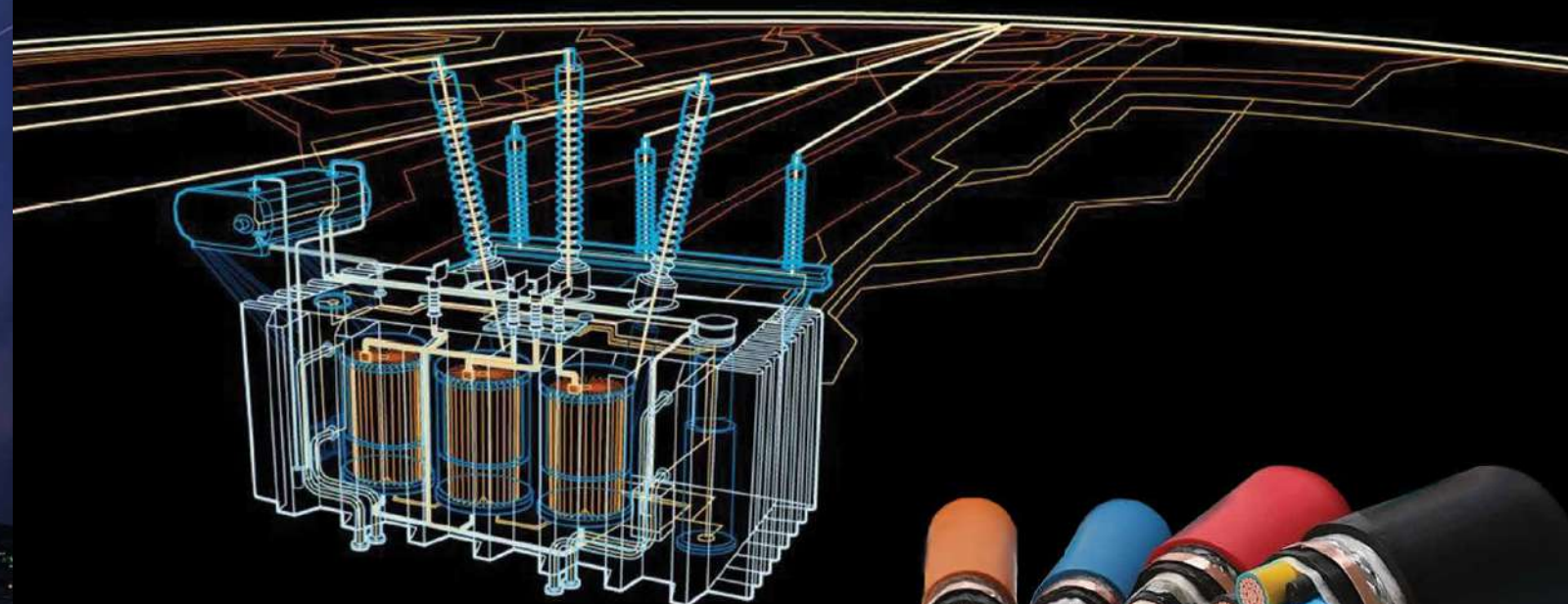
- تولید انواع تابلوهای برق و پست های کمپکت تحت دانش فنی ABB
- تامین تجهیزات فشار ضعیف، فشار متوسط، فشار قوی و اتوماسیون ABB
- نماینده رسمی ترانس های قدرت GBE ایتالیا در انواع روغنی و خشک
- نماینده رسمی سکسیونرهای سخت کار هوایی و تابلویی Isep



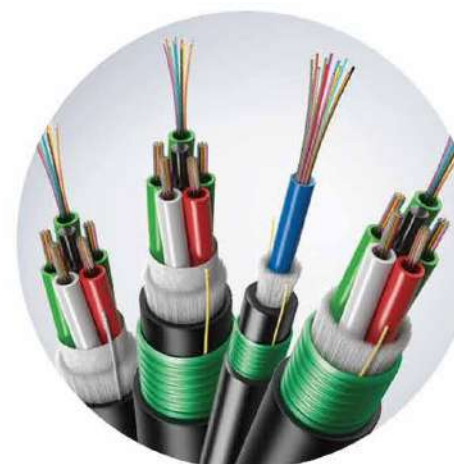
آدرس: تهران، بلوار مرداماد، خیابان آقازاده فرد (اطلسی)، پلاک ۲، طبقه ۳
تلفکس: ۰۲۱-۲۶۴۰۰۷۳۶-۸

RAMTEC
NIROO RAMSHIR
TRADING & ENGINEERING CO.

شرکت مهندسی و بازرگانی
نیرو رامشیر



کارخانجات کابلسازی ایران اولین و بزرگترین تولیدکننده انواع سیم و کابل در ایران



کابل فیبرنوری و مخابرات



کابل برق، کنترل و ابزار دقیق



کابل فشار قوی

سهامدار عمده مدیریتی و نماینده فروش کارخانجات کابلسازی ایران
تهران، میرداماد غربی، ساختمان باران پلاک ۴۰۸ طبقه سوم
تلفن: ۰۲۱۸۸۸۸۱۸۳۰
نمابر: ۰۲۱۸۸۷۹۸۴۲۱
ایمیل: info@ramtec-ir.com وب سایت: www.ramtec-ir.com

ستبران ۲

دومین شماره سراسری نشریه ستبران که تریبون بخش خصوصی صنعت برق کشور محسوب می‌شود، به دو چالش اساسی فعالان این صنعت در حوزه ساخت تجهیزات و پیمانکاری پرداخته است. هجمه مخرب مشکلات ناشی از تورم، رکود، افزایش قیمت ارز و کاهش ارزش پول ملی قراردادهای این صنعت را بیش از هر زمان دیگری دچار بلا تکلیفی کرده و شرکت‌ها را دچار هراسی بی‌سابقه از فسخ قراردادها و ضبط ضمانتنامه‌هایشان کرده است. در حالی که تحریم‌های بین‌المللی عملاً دست فعالان صنعت برق را برای مبادلات خارجی اعم از واردات و صادرات بسته، فضای داخلی کسب‌وکار هم به دلیل سوءمدیریت‌ها، سیاستگذاری‌های نامطلوب و بی‌ثباتی‌های مستمر، دچار نوعی تحریم خودخواسته است. حالا نه تنها پیمانکاران به دلیل ساختار ناکارآمد حقوقی و قراردادی صنعت برق با خطر توقف و فسخ مواجهند، بلکه سازندگان تجهیزات هم به دلیل عدم توانایی در تامین ارز و مواد اولیه مورد نیاز، در اجرای تعهدات خود با مخاطرات زیادی روبرو شده‌اند. صنعت برق این روزها با خیل عظیمی از مشکلات متعدد و زیانبار مواجه است و این مساله نه فقط بخش خصوصی بلکه کل صنعت را متاثر خواهد کرد و به فاصله‌ای نه چندان طولانی کشور از تضعیف زیرساخت‌های توسعه‌ای این صنعت آسیب جدی خواهد دید. چرا که برق در چرخه‌ای منظم و زنجیروار از تولید، انتقال و توزیع تامین می‌شود و ایجاد اختلال هریک از حلقه‌های این زنجیره در نهایت به پایداری برق کشور آسیب خواهد زد. ستبران ۲ بازخوانی این چالش‌ها و مرور راهکارهای پیش‌رو برای عبور از این بحران‌هاست.

ستبران ۲

اصلاحیه

در شماره اول سراسری نشریه ستبران و در بخش اعضا روی خط، مصاحبه ای از شرکت مفره سازی ایران با عنوان «زنجیره چالش ها از کسری بودجه تا جراتم بانکی بخش خصوصی» با نام جناب آقای رضا کیانی، قائم مقام محترم مدیرعامل این شرکت به نشر رسید. بدینوسیله روابط عمومی سندیکای صنعت برق ایران ضمن پوزش از اشتباه رخ داده و تصحیح نام مصاحبه شونده اعلام می دارد که گفتگوی منتشر شده در شماره گذشته نشریه ستبران، دیدگاه های جناب آقای محمدرضا راسخی نژاد، کارشناس محترم بازرگانی شرکت مفره سازی ایران بوده است.

تابستان ۱۳۹۹

نشریه سراسری سندیکای صنعت برق ایران
سال چهاردهم، شماره دو (شماره پیاپی ۱۲۳)

ستبران، ارگان سندیکای صنعت برق ایران، تلاش می کند به منظور معرفی پتانسیل های حقیقی بخش خصوصی صنعت برق، به ویژه در حوزه سازندگان، پیمانکاران، مشاوران و شرکت های مهندسی بازرگانی، تصویرروشنی از توانمندی های این بخش نشان دهد. به علاوه شناسایی و بررسی چالش ها و گلوگاه های صنعت با هدف طرح دیدگاه های مختلف و روشن کردن زوایای مختلف اقتصاد کلان و خرد کشور هم از جمله دیگر سیاست های این نشریه است.

صاحب امتیاز:

مدیر مسئول:

سردبیر:

شورای سیاست گذاری:

سندیکای صنعت برق ایران

غلامرضا ناصح

سپهر برزی مهر

علی بخشی، محمد بهزاد، ولی الله بیات، محمدصادق جنان صفت

عباس خالدينژاد، منصور سعیدی، سید علیرضا سیاسی راد، حمیدرضا صالحی

علیرضا کلاهی، حامد گرشاسبی، سعید مهدب ترابی، غلامرضا ناصح

دبیر تحریریه:

تحریریه:

طراح گرافیک:

سمیه کاظم زاده دهکردی

طیبه سادات میرحسینی، زینب حدادی، نفیسه زارع کهن، علیرضا حسینی

کوشا تنها

سایت:

توزیع:

امور آگهی ها:

امور اداری:

لیتوگرافی، چاپ و صحافی:

طیبه سادات میرحسینی

سپیده گرجی

بهارک باقرپور

نهضت زعفرانی

آیین چاپ تابان (شیرپاستوریزه، خیابان فتح پانزده، پلاک ۱۷، تلفن: ۰۲۱۶۸۰۸۸۲۰)

نشانی:

تلفکس:

فکس:

سازمان آگهی ها:

سایت:

ایمیل:

تهران، خیابان فاطمی غربی، خیابان سین دخت شمالی، پلاک ۱۵

۰۶-۰۹۳۰۹۵۷۶۶۵۷

۰۶۶۹۴۴۹۶۷

۰۶-۰۹۳۰۹۵۷۶۶۵۷

www.ieis.ir

setabran@ieis.ir

در این شماره می خوانید:

- ۱. اقتصاد صنعت برق
- ۲. د و م ی ن و ی س ا ز ن { د گ ی }
- ۳. یادداشت
- ۴. گفت و گوی اختصاصی
- ۵. یادداشت
- ۶. بحران قراردادهای
- ۷. یادداشت
- ۸. گفت و گوی اختصاصی
- ۹. بحران قراردادهای
- ۱۰. یادداشت
- ۱۱. بحران قراردادهای
- ۱۲. یادداشت
- ۱۳. بحران قراردادهای
- ۱۴. یادداشت
- ۱۵. بحران قراردادهای
- ۱۶. یادداشت
- ۱۷. بحران قراردادهای
- ۱۸. یادداشت
- ۱۹. بحران قراردادهای
- ۲۰. یادداشت
- ۲۱. بحران قراردادهای
- ۲۲. یادداشت
- ۲۳. بحران قراردادهای
- ۲۴. یادداشت
- ۲۵. بحران قراردادهای
- ۲۶. یادداشت
- ۲۷. بحران قراردادهای
- ۲۸. یادداشت
- ۲۹. بحران قراردادهای
- ۳۰. یادداشت
- ۳۱. بحران قراردادهای
- ۳۲. یادداشت
- ۳۳. بحران قراردادهای
- ۳۴. یادداشت
- ۳۵. بحران قراردادهای
- ۳۶. یادداشت
- ۳۷. بحران قراردادهای
- ۳۸. یادداشت
- ۳۹. بحران قراردادهای
- ۴۰. یادداشت
- ۴۱. بحران قراردادهای
- ۴۲. یادداشت
- ۴۳. بحران قراردادهای
- ۴۴. یادداشت
- ۴۵. بحران قراردادهای
- ۴۶. یادداشت
- ۴۷. بحران قراردادهای
- ۴۸. یادداشت
- ۴۹. بحران قراردادهای
- ۵۰. یادداشت
- ۵۱. بحران قراردادهای
- ۵۲. یادداشت
- ۵۳. بحران قراردادهای
- ۵۴. یادداشت
- ۵۵. بحران قراردادهای
- ۵۶. یادداشت
- ۵۷. بحران قراردادهای
- ۵۸. یادداشت
- ۵۹. بحران قراردادهای
- ۶۰. یادداشت
- ۶۱. بحران قراردادهای
- ۶۲. یادداشت
- ۶۳. بحران قراردادهای
- ۶۴. یادداشت
- ۶۵. بحران قراردادهای
- ۶۶. یادداشت
- ۶۷. بحران قراردادهای
- ۶۸. یادداشت
- ۶۹. بحران قراردادهای
- ۷۰. یادداشت
- ۷۱. بحران قراردادهای
- ۷۲. یادداشت
- ۷۳. بحران قراردادهای
- ۷۴. یادداشت
- ۷۵. بحران قراردادهای
- ۷۶. یادداشت
- ۷۷. بحران قراردادهای
- ۷۸. یادداشت
- ۷۹. بحران قراردادهای
- ۸۰. یادداشت
- ۸۱. بحران قراردادهای
- ۸۲. یادداشت
- ۸۳. بحران قراردادهای
- ۸۴. یادداشت
- ۸۵. بحران قراردادهای
- ۸۶. یادداشت
- ۸۷. بحران قراردادهای
- ۸۸. یادداشت
- ۸۹. بحران قراردادهای
- ۹۰. یادداشت
- ۹۱. بحران قراردادهای
- ۹۲. یادداشت
- ۹۳. بحران قراردادهای
- ۹۴. یادداشت
- ۹۵. بحران قراردادهای
- ۹۶. یادداشت
- ۹۷. بحران قراردادهای
- ۹۸. یادداشت
- ۹۹. بحران قراردادهای
- ۱۰۰. یادداشت

سازندگان و پیمانکاران؛

تکه های در حال سقوط پازل برق پایدار

سرمقاله

۴

اقتصاد صنعت برق

د و م ی ن و ی س ا ز ن { د گ ی }

یادداشت

توزیع مزیت رقابتی مواد اولیه از کانال صنایع بالادستی

یادداشت تحلیلی

رکود جهشی یا جهش در رکود

تصمیمات خلق الساعه

گام های لرزان سازندگان بر زمین لغزنده سیاست گذاری ها

روی خط نوسانات و و التهابات ارزی

گفت و گوی اختصاصی

حق صنایع پایین دستی را می گیریم

بورس شفاف؛ بسترونق و توسعه

یارانه صنایع بالادستی با عرضه کافی توزیع می شود

نگاه از بالا به پایین ممنوع! کمی مشتری مدار باشید

ترازوی ناتراز صنایع بالادستی و ساخت محور

جای خالی احساس مسئولیت نهادهای دولتی

کلاف درهم تنیده اقتصاد را گره گشایی نیست

صنعت برق در محاصره تحریم هاست

چالش های حقوقی - قراردادی

بحران قراردادهای

یادداشت

نسخه نجات

راهکارهای قراردادی در تله بی پولی

جبران ضرر با نرخ ۱۳۵۶

شیوع بیماری های واگیردار در قراردادها

گفت و گوی اختصاصی

نگران آینده قراردادهای صنعت برق

اجماع بخش خصوصی، شاه کلید حل بحران قراردادها

۴۴

۵۴



سازندگان و پیمانکاران؛ تکه های در حال سقوطِ پازل برق پایدار

شاید تا کمی پیش از یک دهه پیش کمتر کسی در صنعت برق چنین روزهای دشواری را برای این صنعت متصور بود. صنعت برقی که میزان صادرات خدمات فنی و مهندسی اش هر ساله در حال افزایش بود و از پس اجرای تمامی پروژه های این صنعت در داخل و خارج از کشور برمی آمد، نباید و نمی توانست سرنوشتی مثل امروز داشته باشد.

اما واقعیت تلخ صنعت پیشرو، خودکفا و توسعه یافته برق این است که پس از سال ها روند روبه رشد، در سرازیری سقوط با کاهش همه آمارهای ساخت و توسعه اش مواجه شده است. البته بدون تردید بخشی از این افول ناشی از عوامل کلان اقتصادی به ویژه ناکارآمدی ها در کنترل قیمت ها و همچنین تحریم های بین المللی است. اما روی دیگر این سکه به اقتصاد بیمار صنعت برق و ساختار نامناسب حقوقی و قراردادی آن برمی گردد.

در وجهی از این بحران، شرکت های سازنده به دلیل گستردگی تحریم ها و افزایش لجام گسیخته قیمت ارز و نهاده های تولید، قادر به تامین مواد اولیه مورد نیاز خود نیستند و در روی دیگر سکه قراردادها و پروژه های زیرساختی این صنعت به دلیل کسری بودجه ناشی از اقتصاد ناتراز برق و همچنین ناکارآمدی نظام حقوقی اش، متوقف می شوند. نکته اینجاست که هزینه همه این عوامل که به شکل غریبی از کنترل مدیران بنگاه های اقتصادی خارج هستند و در بسیاری از مواد غیرقابل پیش بینی هم به نظر می رسند، به بخش خصوصی تحمیل می شود، بدون آنکه مفری برای جبران این خسارات وجود داشته باشد.

امروز از صنعت برق با همه پتانسیل ها و توانمندی هایش، پیکره ای نحیف و آسیب پذیر باقی مانده که علاوه بر رکودی مستمر و مخرب، با کسری بودجه چند ده هزار میلیارد تومانی مواجه است. عدم توفیق وزارت نیرو در اخذ مطالباتش از دولت و سازمان هدفمندی بابت مابه التفاوت قیمت تمام شده و تکلیفی برق و اجرای قانون هدفمندی، یک حفره عمیق مالی در صنعت برق ایجاد کرده که عملا پرشدنش ناممکن به نظر می رسد.

این مشکلات در سایه تحریم های گسترده و ظالمانه غرب و البته افزایش بی سابقه قیمت ارز به یک سونامی ویرانگر در صنعت برق بدل شده است. تعداد قابل توجهی از پروژه های زیرساختی متوقف شده اند و بسیاری از شرکت های سازنده و پیمانکار بلا تکلیف مانده اند.

شیوع کرونا هم که در هیاهوی چالش های پرتعداد کنونی به مشکلات دامن زده و عملا امکان هراقدام جدیدی را از دولت و بخش خصوصی سلب کرده است. در این میان البته وزارت نیرو با اعلام تنفس سه ماهه تلاش کرد جهت چاره اندیشی برای این بحران ها، فرصتی تعیین کند اما تا امروز که به تدریج این تنفس سه ماهه هم به پایان می رسد همچنان اقدام موثری به منظور اولویت بندی، تعیین تکلیف و خاتمه یا از سرگیری پروژه ها صورت نگرفته است.

زنجیره این مشکلات همه فعالان صنعت برق را از شرکت های خرد و کوچک تا

شرکت های بزرگ، گرفتار کرده و عملا اصلی ترین فشارها را به این شرکت ها وارد می کند. آن هم در شرایطی که آنها هیچ سهمی در نوسانات نرخ ارز و تحریم ها و تأثیرات ژرف آنها بر قراردادهایشان ندارند.

فعالان بخش خصوصی صنعت برق، چه در تامین مواد اولیه و چه در حوزه قراردادهای بلا تکلیف این صنعت، بار مشکلاتی را بردوش می کشند که نقشی در ایجاد آن نداشته اند. در آن سوی ماجرا اما وزارت نیرو و شرکت توانیر همچنان با همان روند سابق، اقدام نکردن را بهترین راهکار پیش رویش می بینند.

این در حالیست که تعیین تکلیف قراردادهای، در حوزه خرید تجهیزات و خدمات فنی و مهندسی، یکی از عمده ترین نگرانی های فعالان بخش خصوصی را برطرف می کند. حداقل در این صورت آنها اطمینان خواهند یافت که در میانه مشکلات متعددشان، با مساله فسخ قرارداد و ضبط ضمانت نامه و قرار گرفتن در لیست سیاه بانک ها و شرکت های کارفرمایی مواجه نمی شوند.

به علاوه خارج کردن قراردادهای صنعت برق از این برزخ بلا تکلیفی حداقل این آرامش خاطر را به بخش خصوصی خواهد داد که وزارت نیرو علیرغم همه بدعهدی هایش در خصوص موضوعاتی مانند پرداخت مطالبات، جبران خسارات ناشی از نوسانات قیمت ها و پیاده سازی قرارداد تیپ، در این روزهای سخت کنارشان ایستاده تا بخشی از همدلی ها و مشارکت های بخش خصوصی را در سال های گذشته جبران کند.

در این شرایط که از یک سوشرکت های سازنده به دلیل انحصار صنایع بالادستی نظیر مس، فولاد و آلومینیوم و همچنین عدم تخصیص ارز، برای تامین مواد اولیه اش با چالش های جدی مواجه است و قادر به انجام تعهداتش نیست و از سوی دیگر تعهدات شرکت های پیمانکار هم به دلیل بی ثباتی و افزایش قیمت ها قابل اجرایی شدن نیست، عدم همراهی وزارت نیرو و نهادهای نظارتی با بخش خصوصی به معنای پایان کار آنها خواهد بود.

امروز و در این برهه حساس تاریخی، دولت، وزارت نیرو، مجلس شورای اسلامی، نهادهای نظارتی و بخش خصوصی فرصتی برای دست روی دست گذاشتن ندارند. هر روزی که برای حل این مشکلات از دست می رود، به معنای از دست رفتن ظرفیت تولید و اشتغال در صنعت برق کشور است. مساله اینجاست که نباید به سقوط شرکت های فعال صنعت برق به چشم ورشکستگی یک بنگاه اقتصادی معمولی نگاه کرد. هر شرکت سازنده، پیمانکار، مشاور و تامین کننده صنعت برق تکه ای از پازل برق پایدار کشور است. سقوط این شرکت ها پازل عرضه برق پایدار و بدون خاموشی را به مشترکین ناقص می کند. فرصت هایی که برای نجات این شرکت ها از دست می رود، قابل جبران و بازگشت نیستند و اگر امروز برای مطالبات، تعیین تکلیف قراردادها و حل مساله تامین مواد اولیه فعالان این صنعت چاره ای اندیشیده نشود، به طور قطع فردا دولت نه برای نجات شرکت ها بلکه برای خاموشی های گسترده غیرقابل مدیریت، باید فکری بکند. ■

د و م ی

ن

و ی

رکود، کمبود نقدینگی، تحریم و نوسانات ناگهانی و بی سابقه نرخ ارز، نفس فعالان صنعت برق را گرفته است. حالا اما در میانه همین اقتصاد بیمار و پرچالش کشور، سازندگان با یک مساله تازه به نام تامین مواد اولیه مواجهند. البته این مشکل بیش از هر چیز ناشی از تحریم های گسترده و نوسانات نرخ ارز است اما واقعیت این است که شاید اگر ساختار اقتصادی مناسبی بر کشور و صنعت برق حاکم بود، سازندگان برای تامین مواد اولیه تا این حد با مشکل مواجه نبودند. در اقتصادی که یک سویش صنایع پرمصرف بالادستی، مواد اولیه را با قیمتی پایین تر از نرخ جهانی صادر می کنند و در سوی دیگرش سازندگان داخلی از تامین همان فلزات برای ساخت محصولاتی با ارزش افزوده بالا عاجزند و یا ناچارند این فلزات را بسیار گران تر از نرخ جهانی از تولیدکنندگان داخلی خریداری کنند، بدون شک ورود به حوزه ساخت تجهیزات یک اشتباه بزرگ است. با این حال اما سازندگان صنعت برق پای صنعت و رسالتشان مانده اند و برای حفظ این ظرفیت بی نظیر که ایران را از وابستگی تمام عیار به خارجی ها رها کرد و به یکی از قدرت های منطقه در حوزه ساخت تجهیزات و تولید خدمات بدل کرد، می جنگند. اگرچه در این مبارزه نابرابر، باید دولت با سیاست گذاری های تولیدمحور از این ظرفیت ها محافظت کند. این پرونده (دومینوی سازندگی) مروری بر چالش های سازندگان صنعت برق برای تامین مواد اولیه و راهکارهای پیش رو برای بهبود این شرایط بفرنج است:

س ا ز ن {

د

ی گ ی



علیرضا کلاهی

نایب رئیس کمیسیون صنایع و معادن اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

مواد اولیه

از کانال صنایع بالادستی

توزیع

مزیت

رقابتی

اقتصاد ایران این روزها به دلیل نوسانات غیرقابل پیش بینی و بی سابقه قیمت ارز، گرفتاری هایی گسترده تراز گذشته دارد. این مساله در شرایطی که یک ویروس به سادگی و در طول چند ماه تمام معادلات اقتصادی را در همه کشورهای دنیا از جمله ایران، به هم ریخته، به ابعاد این بحران اقتصادی دامن زده است.

البته کسب وکارهای کشورمان پیش از نوسانات افسارگسیخته قیمت ها و شیوع کرونا هم به دلیل ناکارآمدی های مدیریتی، بخشی نگری ها و سیاستگذاری های غیرمنسجم، روزگار سختی را می گذرانند، اما وضعیتی که امروز گرفتار آن شده اند، بدون شک ابعاد زیانبار بسیار گسترده تری دارد. در این میان صنایع پایین دستی ساخت محور علاوه بر مواجهه نابرابر با افزایش قیمت ها، برای تامین مواد اولیه خود هم با چالش های متعددی مواجهند. این دست از صنایع در طول سال های اخیر علیرغم اهمیت فراوان در زنجیره تامین صنعت کشور و سهم قابل توجه شان در اشتغال، به واسطه سیاست های تجاری و مالی حاکم بر اقتصاد کشور و فشارهای ناشی از تحریم های داخلی و خارجی، در تنگناهای شدیدی بوده اند. حالا یک بحران اپیدمیک نیز به آن افزوده تا آنها علاوه بر کاهش توان تولیدی با اختلالات جدی در جریان نقدینگی هم مواجه شوند.

این دو عامل در کنار پیشینه پرمخاطره این صنایع در بیش از یک دهه گذشته، ممکن است موجی غیرقابل کنترل از ورشکستگی ها و فروپاشی ها و به دنبال آن هجمه ای از بیکاری نیروی شاغل در این کسب وکارها را به دنبال داشته باشد. در این شرایط حمایت از صنایع پایین دستی ساخت محور

نیازمند تغییر سیاست های کلان دولت در صنایع بالادستی است. نگاهی به زنجیره تامین صنایع ساخت محور به درستی نشان می دهد که محصولات پتروشیمی و فلزات اساسی از جمله مس، فولاد و آلومینیوم به عنوان مواد خام، سهم عمده ای در هزینه نهاده های این صنایع دارند و هر تغییر در شرایط عرضه این فلزات مستقیماً در ارزش افزوده آنها تاثیرگذار است. بازار غیررقابتی فلزات اساسی و سلطه این صنایع بر بازار، عملاً در بسیاری از موارد به عرضه نابرابر و یکجانبه محصولات آنها در بازار منجر شده و هزینه تامین مواد اولیه را برای صنایع پایین دستی افزایش می دهد. بنابراین به جرات می توان گفت که بازار مواد اولیه به ویژه فلزات اساسی نقایصی جدی در تخصیص بهینه منابع در اقتصاد ملی کشور دارد.

در مورد بهره مندی صنایع بالادستی از منابع ملی، سیاستگذاری های یک سو به بی توجهی به خام فروشی گسترده آنها و زیانی که از این محل به صنایع ساخت محور با ارزش افزوده بالا وارد می شود، بسیار گفته شده اما امروز که شیوع کرونا عملاً بسیاری از صنایع را در سراسیمی سقوط و ورشکستگی قرار داده، شاید وقت آن باشد که دولت به جای حمایت های سطحی دهان پرکن، با یک سیاست عقلایی از این صنایع حمایت کند.

تامین مواد اولیه فلزی و محصولات پتروشیمی برای صنایع ساخت محور عمدتاً از مسیر بورس و عمدتاً به صورت نقدی صورت می گیرد. در بسیاری از این صنایع، به ویژه گروه صنایع زیرساختی که دولت عملاً کارفرمای این بخش هم محسوب می شود. آنها علیرغم تولید با پرداخت های نقدی و کوتاه مدت، برای دریافت مطالباتش در یک بازار انحصاری یک سو به باید ماه ها و یا حتی چندین سال منتظر بماند. تامین نقدینگی کسب وکارها در این مسیر از طریق اخذ تسهیلات گران قیمت بانکی صورت می گیرد. لذا ایجاد دوره بازپرداخت شش ماهه در کنار امکان پرداخت در قالب اعتبار اسنادی. ریالی، نه تنها به حل بخش قابل توجهی از مشکل کسری نقدینگی این دست از صنایع منجر می شود بلکه شفافیت اقتصادی در گردش نقدینگی صنایع مادر و پایین دستی را هم به دنبال خواهد داشت.

یکی دیگر از اقدامات حمایتی دولت از صنایع ساخت محور با تمرکز سرمایه های صنایع بالادستی در تولید و ممانعت از جریان نقدینگی این شرکت ها به سپرده گذاری در بانک ها امکان پذیر خواهد شد. نجات صنایع پایین دستی از بحران کنونی و نیز جایگزینی تولید محصول نهایی با خام فروشی، در گرو ایجاد سازوکاری جهت منع بانک ها از سپرده گذاری بلندمدت و جوه نقد این صنایع است.

در حقیقت دولت باید سیاستی اتخاذ کند که در صورت افتتاح سپرده برای این شرکت ها، بانک ها ملزم به رعایت سقف سود پرداختی اعلامی بانک مرکزی (۱۰ درصد) شوند و از پرداخت سود مضاعف با انعقاد قراردادهای جنبی (مانند سبدگردانی) جلوگیری کنند تا حداقل انگیزه سپرده گذاری این شرکت ها در بانک ها را کنترل و مدیریت کند. به علاوه لازم است سرمایه گذاری این شرکت ها در سایر فعالیت های اقتصادی سودآور مورد نظارت دقیق قرار گیرد.

حالا که شیوع کرونا دست همه صنایع را بسته و قرار است سیاستگذاری های دولت و حاکمیت در بستر جهش تولید انجام گیرد، وقت آن رسیده که مطابق با دستورالعمل ابلاغی بانک مرکزی ج.ا.ا در خصوص گشایش اعتبار اسنادی داخلی ریالی، خرید مواد اولیه مورد نیاز صنایع پایین دستی از این طریق امکان پذیر شود. به این ترتیب که حداقل ۱۰ درصد از مبلغ اعتبار به عنوان پیش پرداخت به صورت نقد به بانک پرداخت شود.

در این مسیر تقلیل مبلغ پیش پرداخت در مواردی که موضوع گشایش اعتبار، خرید محصولات پتروشیمی و یا فلزات رنگی به منظور تأمین مواد اولیه شرکت های تولیدی باشد، می تواند کمبود نقدینگی شرکت های تولیدی در صنعت برق را کاهش دهد.

به علاوه دولت می تواند شرایط ارائه اسناد خرید تضمینی شرکت های دولتی به بانک ها جهت وثیقه گشایش اعتبار اسنادی برای متقاضیانی که در صنایع پایین دستی صنایع پتروشیمی و فلزات فعالیت دارند، تسهیل کرده و در نهایت کارمزد گشایش اعتبار اسنادی در قبال ارائه این اسناد به عنوان وثیقه، به دلیل پایین بودن ریسک نکول هم کاهش یابد.

البته این پیشنهادات در طول سال های گذشته همواره تکرار شده اند، اما صدای بخش خصوصی در هیاهوی صنایع بزرگ بالادستی و نفوذ آنها در ساختارهای سیاستگذاری اقتصادی شنیده نشده است. حالا اما شیوع کرونا، تعطیلی صنایع، کاهش چشمگیر تولید و اختلال در تامین نقدینگی مساله ای نیست که بخش خصوصی به تنهایی بتواند آسیب های آن را جبران کند.

لذا شاید وقت آن رسیده که دولت در عمل به وظایف حاکمیتی اش با اصلاح نظام عرضه مواد اولیه واحدهای تولیدی از طریق صنایع بالادستی که عمدتاً در مالکیت و کنترل مستقیم آن و یا نهادهای عمومی بوده و به دلیل بهره مندی از یارانه های آشکار و پنهان متعدد، دارای قدرت نقدینگی و سودآوری های زیادی هستند، از صنایع ساخت محور حمایت کند.

تغییر پارادایم های زنجیره تامین صنایع ساخت محور و گسترش بازارهای داخلی صنایع مادر به جای خام فروشی، نه تنها به توسعه ای زود هنگام در صناعی با ارزش افزوده بالا منجر می شود بلکه با ایجاد یک سیکل مثبت و موثر، کاهش تورم را نیز به دنبال خواهد داشت.

این راهبردها علاوه بر حمایت و صیانت از تولید و اشتغال در صنایع پایین دستی و اقتصاد کلان کشور خواهد شد، از ورشکستگی صنایع پایین دستی و تسری آن به سایر بخش ها جلوگیری کرده، قیمت تمام شده زنجیره تامین صنایع مختلف را کاهش داده و به تبع آن توان رقابت پذیری برای توسعه صادرات کالاهای نهایی با ارزش افزوده بالا را افزایش می دهد. ■

تولیدکنندگان و بنگاه‌های اقتصادی سالهاست با چالش تامین مواد اولیه دست و پنجه نرم می‌کنند، چالشی که عمده آن از نوع نگاه صنایع بالادستی به صنایع پایین دستی ناشی می‌شود. اما امروز مشکل صنایع پایین دستی در تامین مواد اولیه با نوسانات نرخ ارز و فلزات شدت یافته و مسیر حرکت تولید را با بحران مواجه کرده است. این مسائل در حالی پیش آمده است که صنایع مادر با اینکه ظرفیت تامین مواد اولیه صنایع داخلی را دارند، همیشه صادرات را در اولویت قرار داده‌اند. در گفتگو با «ابوالفضل روغنی گلیپایگانی»، رئیس کمیسیون صنایع اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران به بررسی چالش‌های تامین مواد اولیه و اقداماتی که این اتاق برای رفع آنها انجام داده است، پرداخته ایم. مشروح گفتگو را در ادامه می‌خوانید:

.....

حق صنایع پایین دستی را می‌گیریم



ابوالفضل روغنی گلیپایگانی | رئیس کمیسیون صنایع اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران

صنایع پایین دستی در تامین مواد اولیه خود با چه چالش‌هایی مواجه هستند و ریشه این چالش‌ها کجاست؟

تامین مواد اولیه برای بنگاه‌های تولیدی از دو جنبه داخلی و خارجی با مشکل مواجه است. مشکل داخلی مربوط به صنایع مادر و توجه نکردن آنها به صنایع پایین دستی است. متاسفانه صنایع مس، آلومینیوم و... توجه کافی به صنایع تکمیلی ندارند و این رویکرد باعث شده همیشه صادرات و خام فروشی مواد اولیه در دستور کار باشد تا تامین مواد اولیه مورد نیاز صنایع داخلی. متاسفانه توانایی ارزش آفرینی و تولید ارزش افزوده توسط صنایع پایین دستی نادیده گرفته شده و صادرات جایگزین آن شده است.

در بُعد خارجی مسئله ارزآوری است که امروز شیوع ویروس کرونا و تاثیرات نامطلوب این اپیدمی بر سیستم حمل و نقل دنیا، نحوه خرید و فروش و انتقال پول مسائلی ایجاد کرده که قابل پیش‌بینی نبوده است. در این شرایط یکی از اولویت‌هایی که دولت باید بر آن پافشاری کند، بحث تامین مواد اولیه برای تولیدکنندگان است. قطعاً با اتخاذ سیاست‌های مناسب و برنامه‌ریزی‌های درست، سودی که از طریق صادرات به دست می‌آید، از طریق فروش مواد اولیه به صنایع داخلی نیز حاصل خواهد شد. آمار بانک مرکزی نشان می‌دهد که بیشتر موارد فرار ارزی مربوط به شرکت‌های تعاونی و در بخش‌های دولتی بوده است، بخش خصوصی فرار ارزی نداشته و یا عدد ناچیزی بوده است لذا بانک مرکزی باید نسبت به تهیه و تامین ارز برای خرید مواد اولیه جدی‌تر عمل کند در غیر این صورت با بحران عدم تامین مواد اولیه در صنایع کشور مواجه خواهیم شد و این مسئله ممکن است خیل عظیم بیکاری را در پی داشته باشد و معضلات اجتماعی ایجاد کند.

با توجه به اینکه تولید در کشور طی شش ماه دوم سال، جهشی است و شرایط بهتری دارد، باید بتوانیم نرخ ارز را به ثبات برسانیم که این امر منوط به از بین بردن تحریم‌های داخلی است، تحریم‌های داخلی برای تولیدکنندگان و بنگاه‌های تولیدی آزاردهنده بوده و شرایط تولید و توسعه را دچار پسرفت کرده است. مهمترین راهکار رفع یا کاهش تعارض بین صنایع بالادستی و پایین دستی، تعریف استراتژی دقیق و تعیین تکلیف در این خصوص است تا بتوان بر مبنای این استراتژی بین شرکت‌ها آرایش و تقسیم‌بندی خاصی ایجاد کرد. امروز بالغ بر ۸۸ درصد اشتغال کشور در شرکت‌های کوچک و متوسط است و حدود ۷۰ درصد ارزش افزوده کشور در شرکت‌های بزرگ به وجود می‌آید، یعنی این شرکت‌ها با اشتغال کمتر، ارزش افزوده بسیار بالاتری دارند که عمده‌تا شرکت‌های دولتی و عمومی هستند و این پارادوکسی است که یک روز باید حل شود. صنایع پایین دستی ما در حالی که می‌توانند هم اشتغال بیشتر و هم ارزش افزوده ایجاد کنند، مورد کم‌لطفی و بی‌مهری صنایع بالادستی قرار گرفته‌اند و این بی‌مهری به خصوص در حوزه فلزات رنگین چالش‌های زیادی ایجاد کرده است.

مشکل صنایع مادر با صنایع تکمیلی مربوط به دیروز و امروز نیست و از گذشته‌ها وجود داشته است. ما طی سال‌های اخیر در اتاق بازرگانی ایران اقدامات مختلفی برای رفع چالش‌های صنایع پایین دستی و تولیدکنندگان انجام داده‌ایم و کماکان در تلاش هستیم که با کار کارشناسی، برنامه‌ریزی و پیگیری مستمر بتوانیم مشکلات را از بین برده و شرایط بهتری برای فعالیت این صنایع فراهم کنیم. اتاق ایران در پیگیری این موضوع بسیار جدی است و جلسات متعددی با شرکت‌های بزرگ برگزار کرده است و تا گرفتن حق صنایع پایین دست مقاومت می‌کند. خوشبختانه کارهای خوبی صورت گرفته و ما به نتیجه اقدامات خوش بین هستیم. البته اخیراً در وزارت صنعت، معدن و تجارت نیز تصمیماتی گرفته شده است تا بر مبنای این تصمیمات، توجه صنایع مادر به صنایع پایین دستی بیشتر و همکاری و تعامل بین آنها تقویت شود. امیدواریم با همراهی دولت و بخش خصوصی و همچنین همکاری بین صنایع بالادستی و پایین دستی، مشکلات به حداقل رسیده و روند تولید و توسعه سرعت بیشتری بگیرد. ■

به نظر شما برای رفع مشکلات بین صنایع بالادستی و پایین دستی چه راهکارهایی باید در نظر گرفته شود؟

اتاق بازرگانی ایران و به ویژه کمیسیون صنایع اتاق تاکنون برای حل مشکلات صنایع تکمیلی چه اقداماتی انجام داده‌اند؟ آیا شما به نتیجه بخش بودن این اقدامات خوش بین هستید؟



محمدصادق چنان صفت | روزنامه نگار



سازمان کوک اقتصاد



وقتی ساز حتی یک نوازنده در یک گروه بزرگ در یک ارکستر ورزیده و به شدت تمرین کرده با همکاریانش و با رهبر ارکستر جور نشده باشد، برآیند آن به ویران شدن آن گروه در جریان کار منجر می شود. به میزان افراد ناسازگاری که در جور کردن ساز خود با دیگران ناتوان هستند، رهبر ارکستر در تنگنا قرار می گیرد و بنابراین دیگر نباید به ادامه کار آن امیدوار بود. اقتصاد یک کشور را می توان به یک ارکستر تشبیه کرد که گاهی در جریان فعالیت خود اگر با یک نوازنده ناساز همراه باشد، می تواند او را تغییر دهد یا سازش را کوک کند. در اقتصاد ایران اما به دلیل اینکه فرماندهانش به ویژه در سال تازه می خواهند نزد نهادهای قدرت روسفید باشند، به شکل رییس یک جزیره عمل می کنند و به همین خاطر راه را برای ناسازگار کردن کل اقتصاد هموار کرده اند. این روزها اقتصاد ایران با سازهای ناکوک رو به رو شده است و گوش ها را آزار می دهد. اگر بخواهیم به سرچشمه بد آواز شدن صدای اقتصاد ایران برسیم بدون تردید به تشدید تحریم های اقتصاد ایران و ناتوانی اقتصاد در جایگزین کردن درآمد از دست رفته صادرات نفت می رسیم.

اقتصاد ایران یک ساختار قوام یافته چندین دهه ای داشت و تعادل های خود را نیز بر اساس آن ساختار پیدا کرده بود. به این معنی که چندین دهه بود ایران درآمد هنگفتی از صادرات نفت خام به دست می آورد و سازمان برنامه و بودجه نیز بر اساس این میزان درآمد، آن را به مصارف از پیش تعیین شده ای تخصیص می داد.

بخشی از این منابع ارزی با قیمت های گوناگون ریالی به واردات اختصاص می یافت. بر اساس آمارهای در دسترس به طور میانگین سالانه ۴۰ تا ۵۰ میلیارد دلار از درآمدهای ارزی برای واردات اختصاص می یافت. اما با کاهش و حذف درآمدهای صادرات نفت خام و نیز کاهش صادرات سایر کالاها و خدمات در نیم سال نخست امسال و چشم انداز نه چندان روشن برای ادامه سال در به دست آوردن درآمد ارزی، این تخصیص کاهش یافته است. بانک مرکزی ایران نیز توانسته است سوار بر موج شده و به بهانه حفظ ارزش پول ملی تقاضای هرگونه ارز را سرکوب کند. این وضعیت راه را برای تقاضای موثر ارز مسدود کرده است.

به دلیل افزایش قیمت خرید مواد اولیه از سوی بانک مرکزی و همچنین مشکلات ناشی از ناهماهنگی سازمان بورس با صنایع بالادستی و عدم تأمین ارز مورد نیاز بنگاه ها در نظارت و تخصیص درست مواد اولیه، در برخی از صنایع، تولیدکنندگان واقعی مجبورند مواد اولیه مورد نیاز را با قیمت های بسیار بالا تأمین کنند.

حالا تولید در تنگنای مواد اولیه گرفتار شده است و آن بخش از تولیدات صنعتی که برای تولیدات خود در داخل یا خارج از کشور هنوز مشتری دارند، نمی توانند برای خرید مواد اولیه وارداتی ارز تهیه کنند. از سوی دیگر برخی از تولید کنندگان که مواد اولیه آنها در داخل کشور تهیه می شود، با درد سر تازه ای مواجه شده اند. به این معنی که تولید کنندگان فرآورده های پتروشیمی، فولاد، مس و سایر فلزات آهنی با توجه به افزایش شتابان نرخ تبدیل ارز به پول ایران ترجیح می دهند تولیدات خود را به جای اینکه در بازار داخلی عرضه کنند آن را به صادرات اختصاص دهند. مجادله ای که از دو سال پیش در این بخش شروع شده بود اکنون به دلیل افزایش نرخ ارز در اوج قرار دارد. تلاش های تولید کنندگان صنایع پایین دستی این محصولات دست کم در باره فولاد به نتیجه نرسید و تولید کنندگان فولاد توانستند از تله قیمت گذاری دستوری خلاص شوند. با توجه به نیاز شدید دولت به ارز برای خرید کالاهای اساسی به نظر می رسد عرضه فرآورده های پتروشیمی و فلزات اساسی در بازار داخل منتفی است.

یکی از دلایل دیگر در تنگنای ایجاد شده برای خرید مواد اولیه حتی در صورتی که تولیدکننده بتواند ارز مورد نیاز را از بازار نیمایی یا بازار آزاد تهیه کند، مشکل مهمتر افزایش شدید نیاز شرکت ها به نقدینگی است. نرخ هر دلار آمریکا در نیم سال نخست امسال بیشتر از دو برابر شده است، بنابراین تولید برای خرید ارز نیاز به سرمایه در گردش بالایی دارد که با وجود تنگنای مالی تأمین آن از بازار های گوناگون، سخت به نظر می رسد و دست و پای تولیدکنندگان را بسته است.

واقعیت دیگری که تولید را برای خرید مواد اولیه در تنگنا قرار می دهد این است که دولت با همه نیروی خود سد راه قیمت گذاری بر اساس نرخ جدید ارز برای تولیدات صنعتی می شود و می گوید باید کالاها در چارچوب اراده دولت عرضه شود. این نیز بر پیچیدگی های تولید اضافه کرده است و تولیدکنندگان را در موقعیت دشواری قرار داده است.

سد و بند دیگری که تولید را در منگنه قرار داده این است که اگر از سدهای پیشین عبور کند، یعنی ارز مورد نیازش را برای واردات تأمین کند، بتواند از سدهای خارجی به دلیل عدم عضویت در FATF عبور کند و رضایت دولت را بگیرد و از سد قیمت های دستوری هم بگذرد، به سد اصلی می رسد که کاهش قدرت خرید مصرف کننده است. **در وضعیتی که قدرت خرید مصرف کنندگان به دلیل ترس از دست دادن پس انداز برای سخت ترین روزها و نیز تورم شتابان کاهش یافته است، خرید مواد اولیه با قیمت های بالا ترس آور است.**

در پایان باید به مقوله سیاست خارجی ایران نیز نگاهی کرد. واقعیت این است که در ایران انتظاراتی شکل گرفته که تا امروز هم ادامه دارد و آن انتظار شکست «دونالد ترامپ» و پیروزی «جو بایدن» است. انتظار این است که اگر این اتفاق رخ دهد تحریم های ایران از سوی دولت دموکرات کمترین نرخ ارزهای معتبر به دلیل صادرات نفت خام افزایش و بنابراین خرید مواد اولیه نیز ارزان تر باشد. ■



جواد فلاح | مدیر مطالعات اقتصادی و سنجش ریسک بورس کالای ایران

بورس شفاف؛ بستر رونق و توسعه

رونق تولید و افزایش صادرات غیرنفتی همیشه در اولویت سیاست‌های اقتصادی کشور قرار داشته‌اند، اولویت‌هایی که تحقق آنها منوط به تامین مواد اولیه برای تولیدکنندگان و بنگاه‌های اقتصادی است. اما امروز تامین مواد اولیه مورد نیاز صنایع پایین‌دستی کشور یکی از بزرگترین چالش‌های حوزه تولید است. با «جواد فلاح»؛ مدیر مطالعات اقتصادی و سنجش ریسک بورس کالای ایران درخصوص اقدامات بورس کالا درباره عرضه مواد اولیه در بورس کالا و تسهیل تامین مواد اولیه گفتگو کرده‌ایم. مشروح مصاحبه را در ادامه می‌خوانید:

با توجه به اینکه بورس کالا اصلی‌ترین کانال تامین مواد اولیه برای صنایع ساخت محور محسوب می‌شود، مهمترین اقدامات حمایتی بورس کالا برای حفظ توان ساخت داخل و تسهیل تامین مواد اولیه آنها چه بوده است؟

خرید دین کالایی و سلف موازی به عنوان راهکارهایی برای تامین مالی در بورس کالا مد نظر قرار گرفته‌اند، لطفا توضیحاتی در این خصوص بفرمایید؟

بورس کالای ایران دفتر معاملاتی است که عرضه‌کننده و متقاضی در دو طرف معامله قرار دارند. هدف بورس کالا ایجاد ابزارهای متناسب مورد نیاز صنعت است تا با این ابزارها بتوان نوسانات عرضه و قیمت را مدیریت کرده و منابع مالی فروشنندگان و خریداران را تامین کرد. ایجاد بستر کشف نرخ شفاف مبتنی بر نظام عرضه و تقاضا، تضمین تعهدات طرفین معامله، تامین مالی و مدیریت ریسک سه بازو و کارکرد اصلی بورس کالا به شمار می‌روند.

بورس کالا در خصوص شفافیت عرضه و تقاضا با کمک وزارت صمت و از طریق سامانه بهین‌یاب، فعالیت سفته‌بازان را در بورس محدودتر کرده و به کسانی اجازه شرکت در معاملات بورس را می‌دهد که مصرف‌کننده کالا هستند. سامانه بهین‌یاب سامانه‌ای است که در اختیار وزارت صمت قرار دارد، این وزارت براساس اطلاعاتی که از متقاضیان خرید کالا دریافت می‌کند، سهمیه‌هایی را برای هر متقاضی تعیین می‌کند که طبق نظر وزارت صمت، این سهمیه معادل میزان تقاضای مصرفی آن تولیدکننده است.

در واقع بورس کالا در راستای شفاف کردن بازار همواره به دنبال محدود کردن سفته‌بازی بوده است. البته ایجاد محدودیت به معنای موفقیت صد درصدی این سیاست نیست چرا که ممکن است اطلاعات نامناسبی نیز داده شده باشد، اصناف از طریق وزارت صمت و همکاری تنگاتنگ با این وزارت می‌توانند در پالایش این اطلاعات به وزارت صمت کمک کنند. ما همیشه به ذی‌نفعان پیشنهاد می‌کنیم در کنار وزارت صمت به پالایش داده‌ها کمک کنند تا این داده‌ها با بیشترین میزان صحت تولید و در اختیار بورس کالا قرار بگیرد. بورس کالا هیچ نقشی در تولید اطلاعات ندارد و فقط مصرف‌کننده اطلاعاتی است که توسط وزارت صمت تولید می‌شود.

همانطور که گفته شد مدیریت ریسک یکی از رسالت‌های بورس کالا است. بورس کالا در تحقق این هدف ابزاری تحت عنوان «قراردادهای کشف پرمیموم» طراحی کرده است. در این قراردادها طرفین متعهد می‌شوند که در زمان مشخصی در آینده کالا را براساس قیمت نهایی (قیمت مبنا به علاوه مابه‌التفاوت توافق شده) معامله کنند. مکانیسم این قرارداد بگونه‌ای است که در ابتدای انجام توافق، طرفین باید قسمتی از ارزش حدودی معامله را نزد اتاق پایاپای به عنوان وجه الضمان تودیع کنند. در این قرارداد پرمیموم مبلغ یا درصدی است که جهت محاسبه قیمت نهایی به قیمت مبنا اضافه یا از قیمت مبنا کسر می‌شود و قیمت مبنا قیمتی است که در زمان تعیین شده در اطلاعیه عرضه، توسط مرجع مورد قبول بورس اعلام می‌شود. معامله نهایی زمانی بین طرفین منعقد می‌شود که در قرارداد کشف پرمیموم طرفین متعهد به انجام آن طبق ضوابط بورس شده‌اند. این معامله در زمان مشخص شده در قرارداد کشف پرمیموم براساس قیمت نهایی، توسط بورس میان طرفین قرارداد کشف پرمیموم به صورت قرارداد نقد، نسبه یا سلف منعقد می‌شود. قیمت نهایی در این قراردادها از فرمول توافق شده بین طرفین و پرمیموم کشف شده در تالار قابل محاسبه است. مزیت معامله برپایه کشف پرمیموم این است که تغییرات نرخ ارز در آینده پوشش داده شده و معامله تحت تاثیر تغییر نرخ ارز و نوسانات داخلی عرضه و تقاضا قرار نخواهد گرفت. در بسیاری از کشورهای دنیا معاملات با این روش انجام می‌شود، لذا توسعه آن در کشور ما هم می‌تواند ابزاری برای مدیریت ریسک تغییرات قیمت باشد.

در این روش دو طرف عرضه‌کننده و متقاضی درخصوص فرمول‌ها و قواعد معامله توافق می‌کنند. در واقع بورس کالا دست هر دو طرف را باز گذاشته است. البته با توجه به اینکه در بورس کالا پیشنهاد فروش توسط عرضه‌کننده به بازار داده می‌شود، این فرمول از طریق عرضه‌کننده به بازار ارائه خواهد شد لذا لازم است قبل از اینکه این فرمول به بورس پیشنهاد و اطلاعیه عرضه منتشر شود، عرضه‌کننده با خریداران و متقاضیان بالقوه رایزنی کرده و به توافق برسد. بورس کالا تلاش کرده است قاعده‌ای ایجاد کند که انعطاف‌پذیری لازم را برای استفاده همه صنایع داشته باشد. با توجه به اینکه کالاهای زیادی در بورس مورد معامله قرار می‌گیرند که شرایط عرضه و تقاضای خاص خود را دارند، نمی‌توان فقط یک فرمول را به بازار تحمیل کرد.

یکی دیگر از ابزارهای بورس کالا در بحث تامین مالی، اوراق سلف موازی استاندارد است که در صنایع مختلف این اوراق توسط عرضه‌کنندگان منتشر شده است. اوراق سلف استاندارد، ابزار تأمین مالی کوتاه مدتی است که بر مبنای قرارداد سلف منتشر می‌شود و بر اساس آن عرضه‌کننده مقدار معینی از دارایی پایه را مطابق مشخصات قرارداد سلف استاندارد در ازای بهای نقد به فروش می‌رساند تا در دوره تحویل به خریدار تسلیم کند. دارنده اوراق می‌تواند معادل دارایی پایه خریداری شده را طی قرارداد سلف موازی استاندارد به فروش رساند، یا در سررسید با شرایط از پیش تعیین شده تسویه نقدی کند و یا در دوره تحویل اقدام به دریافت فیزیکی دارایی کند. آخرین مورد عرضه توسط فولاد مبارکه اصفهان بود که در قالب این اوراق سه هزار میلیارد تومان از بازار سرمایه تامین مالی کرد. بقیه صنایع عرضه‌کننده در بورس کالای ایران نیز می‌توانند از طریق اوراق سلف استاندارد اقدام به تامین مالی کنند.

بورس کالا ابزار جدیدی تحت عنوان اوراق «خرید دین کالایی» طراحی کرده که دستورالعمل آن در هیات مدیره سازمان بورس به تصویب رسیده است و به زودی برای اجرا به بورس کالا ابلاغ خواهد شد. یکی از کالاهایی که به احتمال زیاد با این روش عرضه خواهد شد، مس است که در صنعت برق هم کاربرد فراوانی دارد. در این روش، تولیدکننده و عرضه‌کننده، کالای خود را روی تابلوی بورس به صورت نسبه می‌فروشند، خریداران نیز کسانی هستند که بتوانند برای معادل مبلغی که خرید می‌کنند، ضمانتنامه بانکی تودیع کرده، اعتبار اسنادی مدت‌دار گشایش و یا سهام توثیق کنند. در واقع متقاضیان با یکی از این سه روش، اقدام به خرید نسبه می‌کنند و به پشتوانه دینی که در معامله نسبه ایجاد می‌شود، اجازه انتشار اوراق خرید دین به عرضه‌کننده داده خواهد شد. عرضه‌کننده نیز اوراق را منتشر و به کسر قیمت فروخته و پول خود را دریافت می‌کند.

با اوراق خرید دین کالایی، تولیدکننده‌ها می‌توانند طلبی که دارند را به ورقه بهادار تبدیل کنند و آن را بفروشند. جذابیت این اوراق به گونه‌ای است که خریدار به دلیل مواجهه با مشکلات مربوط به تامین سرمایه در گردش به دنبال خرید نسبه مواد اولیه مصرفی است. فروشنده مواد اولیه نیز به دلیل نیاز به سرمایه در گردش، تمایلی به فروش نسبه ندارد. زیرا با مشکل مواجه می‌شود. اما با این راهکار فروشنده با انتشار اوراق خرید دین، پول را نقد دریافت می‌کند و خریدار به صورت نسبه مواد اولیه مصرفی را خریده است. با این اوراق امکان فروش نسبه برای مدت زمان بیشتری فراهم خواهد شد و خریداران با وثیقه امکان خرید نسبه را از روی تابلوی بورس پیدا می‌کنند.

بورس در حالتی می‌تواند عملکرد موفق‌تری داشته باشد که بتواند به مرجع کشف قیمت در کالاهای اساسی مانند فلزات تبدیل شود. لازمه مرجعیت قیمت شدن این است که کل عرضه و تقاضای آن کالا در بستر بورس انجام شود. این امر در صورتی محقق خواهد شد که با کمک دولت، اصناف و رسانه‌ها همه تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان واقعی به سمت بستر شفاف بورس سوق داده شوند تا کشف نرخ مبتنی بر نظام عرضه و تقاضای کل اقتصاد ایجاد شود.

در بورس اگر کشف نرخ منعکس‌کننده عرضه و تقاضای کل اقتصاد نباشد ممکن است قیمت، قیمت تسویه‌کننده کل بازار نباشد. هرچقدر که جلوی عرضه خارج از سیستم بورس گرفته شده و معامله‌ها به سمت بورس سوق داده شود، قیمت‌های بورس قابل اتکا خواهد بود. در این صورت فاصله گرفتن از قیمت‌های منصفانه خود را نشان خواهد داد و می‌توان مدعی شد که بازار دچار کمبود یا مازاد عرضه و تقاضا شده است. لذا زمانی که کل عرضه و تقاضای اقتصاد روی تابلو قرار بگیرد و کمبود و مازاد مشخص باشد می‌توان سیاستگذار را به این سمت سوق داد که سیاست تجاری خود را در حوزه صادرات و واردات مبتنی بر قیمت‌های کشف شده در بورس اعمال نماید. مثلاً اگر روی تابلو قیمت کالایی از قیمت‌های منطقی و جهانی که مبتنی بر نرخ ارز است، فاصله می‌گیرد و از آن قیمت بیشتر کشف می‌شود می‌توان سیاست تجاری اعمال کرد و تعرفه صادرات آن کالا را افزایش داد تا پاسخگوی نیاز داخل باشد یا اگر قیمت‌ها خیلی پایین‌تر از قیمت‌های جهانی روی تابلو کشف شد می‌توان تعرفه صادرات آن را در گمرک کاهش داد تا به صادرات و کاهش عرضه در بازار داخلی کمک کند. با اعمال این روش و تنظیم سیاست تجاری برپایه آن، می‌توان امیدوار بود که انحصار ساختاری درباره برخی کالاها به انحصار رفتاری منجر نشود. این امر در کشورهای توسعه یافته اتفاق افتاده است. شاید در کشوری کالایی توسط یک تولیدکننده تولید شود ولی قیمت آن متفاوت از قیمت جهانی نخواهد بود چون وضعیت صادرات و واردات و تعرفه‌های آنها طوری دیده شده است که اجازه اختلاف گرفتن قیمت‌های داخلی از قیمت‌های جهانی به آن انحصارگر ساختاری داده نمی‌شود. ما اگر بتوانیم بورس را به عنوان محل کشف نرخ مبتنی بر عرضه و تقاضای کل اقتصاد تعریف کنیم و تحقق ببخشیم، در آن صورت می‌توانیم سیاست‌های تجاری را مبتنی بر قیمت‌های کشف شده در بورس قرار دهیم و فاصله گرفتن از قیمت‌های جهانی را کنترل کنیم. ■

چندماهی هست که تلاطم های بی سابقه نرخ ارز و هم‌زمان شیوع ویروس کرونا، صنایع را دچار سردرگمی و عدم تعادل کرده است و موجب شده جریان تولید و توسعه در بنگاه‌های اقتصادی به‌کندی صورت گیرد و فشاری دوجندان بر واحدهای صنعتی وارد شود.

نرخ ارز و نوسانات آن یکی از مسائل مهم و تعیین کننده در هزینه تمام شده واحدهای صنعتی است. اثرات منفی و مثبت بسیاری بر بدنه اقتصادی کشور دارد و افزایش هزینه‌های تولید، کاهش حاشیه سود و کاهش توان رقابتی، کمبود سرمایه در گردش بنگاه‌ها، اختلال در سیستم خریدها و معاملات اقتصادی را دامن خواهد زد.

این روزها که حال اقتصاد کشور نامساعد است و از طرف دیگر ویروس عالم گیر هم مزید بر علت و بد حالی شده، اغلب واحدهای تولیدی و صنعتی با مشکل نقدینگی و سرمایه در گردش روبرو هستند و نوسانات نرخ ارز نیز آتش در خرمن صنعت انداخته و واحدهای تولیدی و صنعتی برای تهیه مواد اولیه و تجهیزات با چالش جدی مواجه هستند.

نتایج به دست آمده از پایشی که اتاق بازرگانی ایران درباره محیط کسب وکار در سال ۹۹ انجام داده، نشان می دهد که از ۴ سال گذشته تاکنون وضعیت کشور در شاخص های محیط کسب وکار، روزه روز بدتری شود و براساس این یافته ها مولفه های مختلفی در این شاخص ها اثرگذارند که مهم ترین آنها، جهش یک باره نرخ ارز بوده است. در واقع جهش یکباره نرخ ارز باعث شده تا جریان تولید و توسعه در بنگاه‌های اقتصادی به کندی صورت گیرد و هم‌زمان شیوع ویروس کرونا هم فشار مضاعفی به واحدهای صنعتی وارد کند. البته این همه ماجرا نیست که «تأمین مواد اولیه» هم برای بنگاه‌های اقتصادی و صنایع ساخت محور با این جهش های ناگهانی از یک سو و تحریم های ظالمانه از سوی دیگر با معضلاتی فراوان روبرو شده است و همان طور که رئیس اتاق ایران هم بارها هشدار داده، این مساله به تدریج به بزرگ ترین بحران حوزه تولید تبدیل شود. براساس پایش اتاق بازرگانی شاخص کل اقتصاد در خرداد امسال به ۴۱.۴۸ واحد رسید که نسبت به اردیبهشت ۱۰۷۶ واحد معادل ۳۰۵ درصد افت کرد و رشد قیمت خرید مواد اولیه مورد نیاز تولید برای سومین ماه متوالی یکی از عوامل افت این شاخص ذکر شد. به گواهی بسیاری از فعالان اقتصادی، تولید در اقتصاد ایران به شدت به واردات کالاهای سرمایه ای، واسطه ای و مواد اولیه وابسته است و با در نظر گرفتن چنین شرایطی، تضعیف ارزش پول ملی، افزایش هزینه‌های تولید، رکود و تعطیلی صنایع را در پی خواهد داشت. بابررسی شرایط فعلی به نظر می رسد وضعیت تولیدکنندگان حوزه صنعت نسبت به گذشته سخت تر شده است؛ چراکه در گذشته واردات قطعات ماشین آلات بدون انتقال ارز و با پرداخت پول به صراف انجام می شد، اما امکان این کار وجود ندارد و این درحالی است که مطابق برخی گزارش ها حتی بهترین کارخانه های صنعتی ایران هم بین ۲۰ تا ۵۰ درصد واردات دارند.

آن طور که علیرضا کلاهی نایب رییس کمیسیون صنایع و معادن اتاق بازرگانی ایران گفته است : سیاست ارزی کشور، تولید را با مانع مواجه کرده چرا که صنعتی وجود دارند که نیاز آنها به مواد اولیه وارداتی به میزان ۵ درصد است، اما چنانچه نتوانند این ۵ درصد را نیز تأمین کنند، کل تولید آنها متوقف می‌شود. در عین حال، بنگاه‌ها مواد اولیه خود را به نرخ ارز

بازار آزاد خریداری می‌کنند اما ارز حاصل از صادرات خود را باید به نرخ نیما عرضه کنند و این مساله انگیزه تولید و صادرات را کاهش داده است. به گفته اهالی صنایع تولیدی، افزایش نرخ ارز به شدت تولیدکنندگان را تحت فشار قرار داده و آن ها را مجبور کرده است تا مواد اولیه و ملزومات خود را با نرخ بالای ارز وارد کنند و این هزینه تولید و قیمت تمام شده محصول را بالا می‌برد. از طرفی تولید کننده با در نظر گرفتن توان مالی مردم و حفظ رقابت در بازار نمی‌تواند قیمت محصول را چندان افزایش دهد بنابراین یا باید وجدان و انصاف را زیر پا گذاشت و کالای کم کیفیت تولید کرد یا به انتظار ورشکستگی و خروج از دور شد. بررسی واحدهای صنعتی و تولیدی طی این سال ها نشان داده است که سهم مواد اولیه نسبت به دیگر هزینه های تولید برجسته بوده است و در مجموع هزینه مواد اولیه همواره رشد بیشتری داشته به طوری که در شرکت های بزرگ، سهم دستمزد مستقیم در هزینه تولید کاهش یافته و هزینه مواد اولیه به ویژه پس از تحریم ها و افزایش نرخ ارز به شدت افزایش یافته است، لذا مسئله تأمین مواد اولیه جزو مهم ترین مسایلی است که در این نابسامانی اقتصادی باید به آن توجه کرد.

با دسته بندی بخش‌ها و صنایع تولیدی کشور می‌توان به دو گروه رسید:

گروه نخست : صنایعی همچون صنایع مرتبط با حمل و نقل، محصولات شیمیایی و ... که برای تأمین مواد اولیه و واسطه خود وابستگی شدید به واردات آنها دارند.

گروه دوم : صنایعی که تولیدکننده و تأمین کننده مواد اولیه باقی صنایع هستند و حضور و بقای آن ها به چرخش چرخه تولید در کشور کمک قابل توجهی می کند.

وبا توجه به این دودسته است که باید سیاست هایی مبتنی بر هر دو اتخاذ کرد تا بستربرای تأمین مواد اولیه در هر دو گروه مهیا شود و در این موقعیت حساس موضوع تداوم فعالیت صنایع تولیدی به بحثی محوری تبدیل شود. به این ترتیب ضروری است صنایعی که برای تولید محصولات خود به سایر کشورها و روابط بین‌المللی وابسته هستند، با اتخاذ راهکارهایی نظیر تخصیص ارز و تسهیل قوانین از سوی دولت مورد حمایت قرار بگیرند. درهمین زمینه علیرضا کلاهی عضو کمیسیون صنایع و معادن اتاق بازرگانی تهران پیشنهاد داده است با فروش اعتباری مواد اولیه از سوی شرکت‌های بزرگ و حاکمیتی به بنگاه‌های کوچک و متوسط می‌توان بخش مهمی از مشکلات این بنگاه‌ها را برطرف کرد هر چند که معتقد است دولت باید این شرکت‌ها را به فروش اعتباری وادارد.

یا محمد مهدی فنایی، دیگر عضو کمیسیون صنعت اتاق بازرگانی گفته برای جهش تولید حذف «یارانه‌های نقدی و هدایت آن به چرخه تولید»، «کاهش تدریجی نرخ سود سپرده‌ها و تسهیلات» و نیز «ارتقای اعتماد میان مردم و دولت» می‌تواند راهگشا باشد.

حال که بالاخره وزیرصنعت تعیین شد و اما واگرهای مجلس جدید در این زمینه تمام، ضروری است دولت با توجه به بحث هایی که صنعتگران کارشناس ، مطرح می کنند معضلات موجود بر سر راه تأمین مواد اولیه را برطرف کند تادر سالی که قرار است «جهش تولید» داشته باشیم به «رکود در تولید» نرسیم و البته در این راه همراهی مجلس و سایر قوا با دولت خسته از تحریم ها و فشارهای بین المللی و مشکلات داخلی ضروری است.■



هوشنگ کودرزی | رئیس هیات مدیره سندیکای صنایع آلومینیوم ایران

یارانه صنایع بالادستی با عرضه کافی توزیع می شود

صنایع بالادستی یکی از اصلی ترین بنیان های توسعه صنعتی محسوب می شوند. مشکل اینجاست که رابطه اقتصادی بین این صنایع با حوزه های ساخت محور که فلزات، اصلی ترین پیشران تولید آن ها محسوب می شود، به درستی تعریف نشده است. تخصیص انرژی ارزان قیمت به صنایع بالادستی که عمدتاً بر پایه منابع ملی زمینی و زیرزمینی تولید می شوند و در نهایت محصولات خود را با قیمت جهانی به تولیدکنندگان داخلی عرضه می کنند، به یک توزیع نامناسب یارانه در سطح صنایع مختلف تبدیل شده است. مهندس هوشنگ کودرزی، رئیس هیات مدیره سندیکای صنایع آلومینیوم ایران هم این برای نکته صحنه می گذارد و معتقد است سیستم عرضه فلزات باید به نحوی تنظیم شود که هزینه تامین مواد اولیه برای صنایع پایین دستی کاهش یافته و قدرت رقابت آن ها در بازارهای صادراتی بیشتر شود و از این طریق یارانه صنایع بالادستی به درستی در همه لایه های صنعتی توزیع می شود.

او بر این باور است که برای جلوگیری از متضرر شدن اقتصاد کلان کشور، باید زمینه ای فراهم شود که از محل صادرات بعضی از فلزات که مازاد مصرف داخلی دارند ارز مورد نیاز فلزات دیگر که علاوه بر تامین نیازهای داخلی می توانند بعد از تبدیل به محصول، ارزش افزوده، اشتغال صادرات و ارزآوری بیشتری داشته باشند، تامین شده و از صادرات مواد اولیه نظیر شمش آلومینیوم با قیمتی پایین تر از نرخ جهانی جلوگیری شود. حاصل گفتگوی ما با مهندس کودرزی را در ادامه می خوانید:

مهمترین چالش صنایع بالادستی به ویژه در حوزه صنعت آلومینیوم چیست؟

تامین مواد اولیه مهمترین چالش فعالان صنعت آلومینیوم است. این مساله به ویژه امروز که با تحریم های گسترده مواجه هستیم، حادثه مهم شده است. فعالان این صنعت برای تامین ملزومات تولید خود از جمله قطعات یا نهاده های تولید که عمدتاً از مسیر واردات صورت می گیرد، دوره پیش روی خود دارند. اولین راه در شرایط معمول خرید مواد اولیه و ملزومات تولید از کشورهای خارجی است که در شرایط حاضر با شدت گرفتن سطح تحریم ها، چندان امکان پذیر به نظر نمی رسد و حتی در شرایطی که شرکتی بتواند از این طریق مواد اولیه مورد نیازش را تامین کند به طور قطعاً یا قادر به مبادله ارز نیست و یا ناگزیر به پرداخت هزینه بالاتری خواهد شد. به این ترتیب محصولات صنایع بالادستی داخلی نسبت به نوع مشابه خارجی قیمت بالاتری پیدا می کند که این مساله به زیان همه صنایع بهره بردار از این محصولات است.

دومین مسیر در وضعیت کنونی کشور، تخصیص ارز حاصل از صادرات به تامین مواد اولیه است. در شرایطی که تامین ارز و واردات مواد اولیه با مشکلات جدی و عدیده ای مواجه است، بسیاری از فعالان صنعت آلومینیوم ترجیح می دهند از طریق افزایش صادرات، ارز مورد نیاز برای تامین مواد اولیه حیاتی نظیر آلومینا را تامین کنند. البته نباید این نکته را فراموش کرد که تامین مواد اولیه از این مسیر هم هزینه های قابل توجهی را به آن ها تحمیل می کند، چرا که شرکت های ایرانی ناگزیرند مثلاً آلومینا را در مقابل عرضه شمش آلومینیوم و با یک نسبت مشخص و چندین درصد بالاتر از نرخ بازار بین المللی تهیه کنند، این هزینه اضافه را تحریم ها به آن ها تحمیل کرده است. وقتی صنایع بالادستی ناگزیر می شوند از این روش برای تامین مواد اولیه مورد نیازشان استفاده کنند، قاعدتاً میزان عرضه در بازارهای داخلی کاهش یافته و تعادل عرضه و تقاضا در این حوزه به هم می ریزد.

به هم ریختن تعادل بازار داخلی بسیاری از صنایع پایین دستی را دچار بحران می کند. آیا نمی توان برای حل این مساله چاره ای اندیشید؟

کاملاً درست است. امروز دقیقاً در همین بازار غیرمتعادل قیمت شمش آلومینیوم به عنوان یکی از فلزات اساسی مورد نیاز صنایع پایین دستی نسبت به بازارهای جهانی گران تر است. در یک بازار مناسب شمش آلومینیوم به طور متوسط براساس نرخ LME به اضافه ۱۰۰ دلار قیمت گذاری می شود. اما در بازار امروز کشور، عمدتاً شمش با بهای LME به علاوه ۲۰۰ دلار خرید و فروش می شود.

به نظر می رسد با وجود تحریم ها و عدم تخصیص ارز به صنایع، این شرایط اجتناب ناپذیر است. به هر حال باید این مساله را پذیرفت که اگر صنایع بالادستی نتوانند مواد اولیه مورد نیاز خود را تامین کنند، تبدیل به بنگاه های اقتصادی زیان ده خواهند شد و این مساله عوارض اقتصادی زیادی برای این شرکت ها و کل کشور در پی دارد.

البته برای جلوگیری از بروز این مشکل، در طول سال های گذشته توافقی بین سندیکای صنایع آلومینیوم و ستاد تنظیم بازار صورت گرفت که براساس آن مقرر شد ابتدا LME ضرب در ۱/۱ شده و ده درصد پرمیوم برای شرکت های بالادستی در نظر گرفته شود. به این ترتیب ده درصد قیمت پایه LME، به عنوان پرمیوم اولیه به صنایع بالادستی تخصیص داده می شود.

پیش از پاسخ دادن به این سوال لازم می دانم یادآوری کنم که صنایع بالادستی مواد خام یا شمش را با معیار LME فلت یا منفی صادر می کنند، در حالی که همان محصول را در بازارهای داخلی در بدترین حالت ممکن می توانند ده تا بیست درصد بالاتر از نرخ LME و براساس دلار نیمایی به فروش برسانند؛ بنابراین صادرات مواد اولیه حتی برای

علیرغم همه این دلایل، اما صادرات مواد خام به زیان اقتصاد و صنعت کشور است. آیا راهکاری برای مواجهه با این مساله وجود دارد؟

صنایع بالادستی هم مشمول زیان انباشته و غیرقابل جبران است. مشکل اینجاست که آن‌ها برای تامین ارز مورد نیازشان برای واردات مواد اولیه و یا قطعات، چاره‌ای جز صادرات ندارند.

در اینکه صنایع بالادستی آلومینیوم انرژی بر هستند، شکی نیست. چیزی در حدود ۲۲ درصد از قیمت تمام شده شمش آلومینیوم مربوط به نرخ انرژی است. اما شاید نتوان با اطمینان در مورد اینکه آیا انرژی عرضه شده به صنایع بالادستی نسبت به سایر کشورها بسیار ارزان تر است، قضاوت کرد. به نظر می‌رسد این مساله کاملاً قابل بحث است چرا که بسیاری از کشورهای صاحب صنایع فلزی بالادستی، انرژی را با نرخ مناسب‌تری نسبت به سایر بخش‌ها در اختیار این صنایع قرار می‌دهند. مساله مهم دیگری که باید به آن توجه شود این است که حتی اگر نرخ انرژی عرضه شده به صنایع بالادستی را ارزان قیمت‌تر از متوسط جهانی در نظر بگیریم، باز هم هزینه تولید آن‌ها به دلیل تعداد قابل توجه کارگران بسیار بالاست. واقعیت این است که هزینه کارگری در صنایع فلزی ایران نسبت به متوسط جهانی بسیار بالاتر است و این مساله علیرغم بار هزینه اضافی که به این صنایع تحمیل می‌کند، سطح بالایی از اشتغالزایی را هم در کشور ایجاد کرده است؛ لذا ضروری است که این دو موضوع یعنی انرژی بر بودن و تعداد بالای نیروی انسانی به موازات هم بررسی شوند. باور من این است که برای رفع این دوگانگی به جای قیمت‌گذاری و سیاستگذاری دستوری و الزام صنایع بالادستی برای فروش محصولاتشان با یک نرخ مشخص، عرضه را به نحوی افزایش دهیم که در توازن عرضه و تقاضا، صنایع پایین دستی هم از سوبسید عرضه شده به صنایع مادر بهره‌مند شده و از آن به عنوان یک مزیت رقابتی بهره ببرند.

وزارت صمت برای ایجاد این توازن باید نظرات کارشناسی و پیشنهادات بخش خصوصی را بپذیرد. به عنوان مثال دولت پس از مذاکرات گسترده صورت گرفته با سندیکای صنایع آلومینیوم به این مدل رسید که ۵۰ درصد ارز مورد نیاز صنایع آلومینیوم از محل سایر فلزات تامین شده و صنعتگران باید عهده دار تامین ۵۰ درصد باقیمانده شوند اما در کنار آن برنامه منسجمی را برای عرضه مستمر شمش در بازار به همراه یک ضمانت اجرایی تعریف کرد. به این ترتیب تولیدکنندگان شمش آلومینیوم مکلف شدند که حدود ۵۲۰۰ تن از این محصول را در تابلوی بازار بورس ارائه کنند. در این چارچوب قانونی، بازار به یک تعادل نسبی رسید و ما معتقدیم که اگر میزان عرضه کمی افزایش پیدا کرده و بازار را به طور کامل پوشش دهد، قطعاً شاهد افزایش ۵ تا ۱۰ درصدی قیمت بر اثر رقابت بین خریداران هم نخواهیم بود.

البته هنوز هم این مشکل به قوت خود باقی است که به دلیل قیمت‌گذاری آلومینیوم بر اساس LME به علاوه ۵ یا ۱۰ درصد، عملاً ۲۰۰ تا ۲۵۰ دلار به قیمت مواد اولیه صنایع پایین دستی افزوده می‌شود. این مساله، توان صنایع پایین دستی را برای خرید محدود کرده و قدرت رقابت آن‌ها را به ویژه در بازارهای بین‌المللی کاهش می‌دهد. چرا که تامین مواد اولیه با قیمت بالا، نقدینگی مورد نیاز آن‌ها را برای تامین سرمایه در گردش افزایش داده و از توان رقابت آن‌ها به شدت می‌کاهد. به عنوان مثال شرکتی که تا پیش از این با نقدینگی در اختیارش قادر به خرید هزار تن آلومینیوم بود، امروز ناگزیر است همان میزان نقدینگی را برای تامین نصف این مقدار هزینه کند.

صنایع فلزی از بخش

اعظم مزیت‌های رقابتی

در یستر اقتصاد ایران از

جمله انرژی ارزان و منابع

طبیعی برخوردارند. اما در

قیمت‌گذاری‌ها به شکلی رفتار

نمی‌کنند که محصولاتشان به

یک مزیت رقابتی برای صنایع

پایین دستی ساخت محور

تبدیل شود. چطور می‌توان

این پروسه را اصلاح کرد؟

ایجاد این توازن در عرضه و

تقاضا چطور امکان‌پذیر است؟

در شرایط کنونی که همه صنایع

به نحوی هزینه این التهاب

شدید در بازار را می‌پردازند،

تشکل‌های بخش خصوصی در

ایجاد هماهنگی و همدلی بین

این صنایع نقش کلیدی ایفا

می‌کنند. از دیدگاه شما ایجاد این

انسجام چگونه به بهبود شرایط

کمک می‌کند؟

با وجود همه این مباحث و

پذیرش این نکته که صنایع

بالادستی هم چالش‌های

متعدد دارند، آیا این مساله را

قابل پذیرش می‌دانید که سود

صنایع مادر بالاست و توزیع این

سود یا سوبسید به درستی انجام

نشده است؟

با این روند و به دلیل بالا بودن قیمت مواد اولیه، میزان تولید صنایع پایین دستی کاهش یافته و بازارهای صادراتی شان را از دست می‌دهند؛ بنابراین ما باید به دنبال برنامه‌ای باشیم که معیار اصلی آن توسعه صادرات صنایع پایین دستی باشد. در شرایطی که صنایع بالادستی، شمش را با LME فلت به خارج از کشور می‌فروشند، در حقیقت زمینه را برای توسعه صنایع پایین دستی کشورهای همسایه فراهم کرده‌اند. با همین ابزار امروز می‌بینیم که کشورهایی نظیر ترکیه بازارهای سنتی و معدود ما را در عراق و افغانستان اشغال کرده و مجال فعالیت را از شرکت‌های ایرانی گرفته‌اند؛ بنابراین باید برنامه‌ای برای صنایع بالادستی تدوین شود که مبنا و محور آن صیانت از پتانسیل و اشتغالزایی صنایع مادر و توسعه صادرات صنایع ساخت محور باشد.

بدون هیچ تردیدی هماهنگی بین تشکل‌ها، به ویژه در بین تشکل‌های مربوط به تولیدکنندگان فلزات و استفاده از امکانات طرفین در بهبود شرایط کنونی بسیار موثر خواهد بود. به نظر می‌رسد در صورت ایجاد این هماهنگی می‌توان به راهکارهای عملیاتی و موثری دست یافت. به عنوان مثال بعضی از فلزات مانند آهن، مس و روی بیشتر از نیاز داخلی کشور تولید و عمدتاً صادر می‌شوند. ارز حاصل از صادرات این محصولات، بر اساس دستورالعمل بانک مرکزی باید در سامانه نیما فروخته شود. از طرف دیگر ما در صناعی مانند آلومینیوم برای واردات مواد اولیه و قطعات یدکی نیاز به ارز داریم و از طرفی صادرات شمش آلومینیوم برای تامین ارز مورد نیاز شرکت‌ها به زیان کشور است. در حالی که فروش آن در داخل کشور با LME به علاوه ۱۰۰ دلار نه تنها منافع این صنایع، بلکه منافع ملی را در سایه تامین مواد اولیه صنایع پایین دستی، توسعه اقتصادی و افزایش اشتغال تامین می‌کند و توان صادرات و رقابتی شدن محصولات با ارزش افزوده و عمق ساخت بالا فراهم می‌کند؛ بنابراین اگر با هماهنگی تشکل‌ها و همکاری وزارت صمت، ارز مازاد صنایع فلزی به تامین مواد اولیه و قطعات یدکی صنایع بالادستی تخصیص داده شود، هم زمینه برای عرضه کافی فلزات پایه به صنایع پایین دستی فراهم می‌شود و هم زنجیره تامین به یک راهکار موثر فارغ از تصمیم‌گیری‌های سلیقه‌ای می‌رسد. چرا که تصمیمی که با مشورت، اطلاعات و تخصص تشکل‌ها اتخاذ می‌شود، برای پیشبرد اهداف کلان اقتصادی کشور موثرتر خواهد بد.

به نظر من پیش از پاسخ به این سوال باید معیار اندازه‌گیری مان را برای تعیین سود بالا و پایین مشخص کنیم. به طور کلی در دنیا سود را بر اساس نرخ بهره یا نرخ جایگزینی محاسبه می‌کنند. اگر نرخ بهره را در بانک‌های ایران که گاهی تا بالای ۲۰ درصد می‌رسد در نظر بگیریم و هزینه سرمایه‌گذاری در هریک از صنایع را هم محاسبه کنیم و این مساله را در نظر بگیریم که پولی که در یک صنعت هزینه شده، در صورت سپرده‌گذاری در بانک‌ها مشمول چه میزان سود می‌شد، آنوقت به این نتیجه می‌رسیم که سود صنایع حتی صنایع مادر بالا نیست.

به علاوه لزوماً نمی‌توان گفت که صنایع بالادستی سود بالاتری نسبت به پایین دستی‌ها دارند. گاهی برخی از صنایع پایین دستی مشمول سودهای بسیار بالایی می‌شوند و این صنایع به زحمت هزینه‌های خود را تامین می‌کنند. در نگاهی کلی می‌توان گفت که صنایع بالادستی سود مناسبی دارند نه بالا. اما به هر حال این منطق هم قابل قبول است که سوبسید تخصیص داده شده به صنایع بالادستی باید با یک مدل اقتصادی و سیاستگذاری صحیح بین صنایع ساخت محور پایین دستی توزیع شده و به افزایش قدرت رقابت‌پذیری آن‌ها در بازارهای صادراتی منجر شود.■

صنایع پایین دستی با ایجاد ارزش افزوده، اشتغال و به عنوان زنجیره تامین صنعت کشور از مهمترین ارکان حرکت اقتصادی و توسعه هستند. با توجه به شرایط تحریم، نوسانات قیمت نفت و ارز و ضرورت اشتغال زایی، صنایع تکمیلی می‌توانند نقش مهمی در تولید ناخالص داخلی و ارزآوری ایجاد کنند. تقویت صنایع تکمیلی می‌تواند علاوه بر ایجاد اشتغال و ارزش افزوده، در حضور آنها در بازارهای بین‌المللی نیز تأثیرگذار باشد. متأسفانه ظرفیت این صنایع مورد غفلت واقع شده است. انحصار و خام‌فروشی مواد اولیه توسط صنایع مادر، صنایع تکمیلی را با چالش‌هایی مواجه کرده است. در گفتگو با «سعید ترکمان»، رئیس هیات مدیره انجمن ملی صنایع پلیمر به بررسی برخی از این چالش‌ها پرداخته ایم.



سعید ترکمان | رئیس هیات مدیره انجمن ملی صنایع پلیمر

نگاه از بالا به پایین ممنوع! کمی مشتری‌مدار باشید

به نظر شما امروز صنایع پایین دستی با چه چالش‌هایی مواجه شده‌اند و ریشه این چالش‌ها کجاست؟

ریشه اصلی مشکلات صنایع پایین دستی مربوط به علاقه صنایع مادر به خام‌فروشی و ارزآوری حاصل از صادرات است. در حالی که صنایع تکمیلی ما در حوزه پلیمر در تهیه مواد اولیه دچار مشکل هستند و گاه با قیمتی بیشتر از آنچه صادر می‌شود، مواد اولیه مورد نیاز خود را تامین می‌کنند، پتروشیمی‌ها پشت ارزآوری حاصل از صادرات پنهان شده‌اند. امروز پتروشیمی بیش از ۶۰ میلیون تن تولید دارد که یک دهم آن یعنی ۶٫۵ میلیون تن، قابلیت استفاده در صنایع پایین دستی پلیمری را دارد. در حالی که میانگین قیمت صادراتی خام‌فروشی صنایع پتروشیمی در حوزه پلیمر ۸۰۰ دلار است، میانگین فروش صنایع پایین دستی به ازای هر تن، ۳ هزار دلار است. براین اساس پیش‌بینی می‌شود صنایع پایین دستی پتروشیمی امسال به صادرات دو و نیم میلیارد دلاری برسد. این صنعت با تحویل ۳٫۲ میلیون تن پتروشیمی، علاوه بر ایجاد اشتغال و تامین داخلی، پیشران توسعه صادرات نیز بوده است.

در حالی که امروز و در شرایط تحریم، صنایع پایین دست در اغلب حوزه‌ها از مواد اولیه محروم هستند، صنایع بالادستی مواد اولیه را با قیمتی کمتر به رقبای صادراتی ما می‌فروشند و این پاشنه آشیل صنایع ماست. صنایع مادر مواد اولیه صادر می‌کنند تا ارز به دست بیاورند اما این شعار امروز قابل پذیرش نیست. نباید به صنایع مادر اجازه دهیم خود را پشت این رویکرد پنهان کنند و برای صنایع پایین دستی محدودیت و مشکل ایجاد کنند. امروز شرایطی در کشور و منطقه حاکم است که زنجیره توزیع باید بازنگری و شفاف شود. صنایع مادر در حوزه صادرات به رقبای ما سوسید می‌دهند و چون تحریم هستیم و کالای تحریمی می‌فروشند، مواد اولیه را با تخفیف هم می‌فروشند.

تاکنون چه اقداماتی در راستای حل مشکلات صنایع پایین دستی و تسهیل تامین مواد اولیه برای این صنایع انجام شده است؟

پیگیری‌ها و اقدامات انجمن ملی صنایع پلیمر در تسهیل مسیر فعالیت صنایع پایین دستی تا چه موثر واقع شده است؟

بنابراین خلأی در داخل ایجاد شده که فعالیت را برای صنایع پایین دستی با مشکل مواجه کرده است. علیرغم شرایط تحریمی و ساختارهای اقتصادی، صنایع تکمیلی در اپیدمی کووید ۱۹ ثابت کردند که تنها نقطه قابل اتکای ایران هستند و توانستند با تولید ماسک و بسیاری از کالاهای پزشکی، نیازهای کشور را در این دوران تامین کنند. این مسئله نشان داد که حاکمیت باید به توان و ظرفیت این صنایع اهتمام ویژه‌ای داشته باشد.

صنایع مادر به دلیل قدرت سیاسی و اقتصادی که از گذشته دارند، مشتری‌مدارانه فکر نمی‌کنند، نگاه آنها به صنایع پایین دستی همیشه از بالا به پایین بوده است. البته متفرق بودن صنایع پایین دستی و عدم هماهنگی آنها با یکدیگر، مزید بر علت بوده و رویکرد صنایع مادر نسبت به صنایع تکمیلی را قوت بخشیده است. تشکلهای و انجمن‌های مختلف صنایع تکمیلی در سال‌های اخیر با رهبریت اتاق بازرگانی نشست‌های کارشناسی مختلفی برای بررسی چالش‌های این صنایع برگزار کردند و پیشنهاداتی در قالب توصیه برای بهبود صنایع پایین دست مطرح شده است. طرح تخفیف در خوراک پتروشیمی یکی از این موارد بود که درباره آن بحث‌های زیادی در جلسات مطرح شد اما این طرح به خاطر تحمیل تحریم‌های پرفشار علیه ایران، بحران‌های ارزی و شرایط فعلی کشور بعد از مطالعات تطبیقی و چکش‌کاری‌های فراوان، به تصویب نرسید. امروز اما معاونت صنایع وزارت صنعت، معدن و تجارت به این نتیجه رسیده است که باید نگاه جدیدی به صنایع پایین دست داشته باشد و این نگاه جدید به کمک تشکلهای آمده است. با این رویکرد تشکلهای می‌توانند با مجهز شدن به اطلاعات روز، نقش‌آفرینی قابل توجهی در پیشبرد مسائل صنایع پایین دست داشته باشند. تشکلهای این صنایع باید صنایع مادر را متقاعد کنند که رفتار مشتری‌مدارانه‌تری با صنایع پایین دست داشته باشند. البته این مسیر پر پیچ و خم و پرهزینه است و ما کار سختی پیش رو داریم. برای عبور از این مسیر ابتدا باید تضاد منافع بین صنایع را شناسایی کرده و مدیریت کنیم. صنایع تکمیلی غیرهمگن برای حرکت در مسیر شناسایی تضاد منافع، نشست‌هایی را در قالب اتاق فکر برگزار می‌کنند. با این اقدامات، معاونت طرح و برنامه وزارت صمت برای اولین بار بحث جلوگیری از صادرات و خام‌فروشی را مطرح کرد. البته وزارت صمت در پیگیری مسائل پتروشیمی تحت فشار است چرا که بسیاری از ارکان دولت، سهامدار پتروشیمی هستند.

ما در انجمن پلیمر به همراه سایر صنایع بر روی مسئله تضاد منافع کار می‌کنیم، با بورس کالا جلسات مختلفی داشته‌ایم و به نتیجه تلاش‌های خود خوش بین هستیم. صنعت پلیمر هم مانند سایر صنایع دیگر مشکلات متعددی دارد اما خوشبختانه با اقدامات یکپارچه و کارشناسی شده تا حدودی موفق عمل کرده است. در حالی که امروز صنعت فولاد بازار پرتلاطمی دارد، ما توانستیم با ممارست برواقعی و شفاف کردن تقاضاها، نتیجه بهتری بگیریم. **نتیجه عملکرد صنعت پلیمر در کشور به حدی قابل قبول بوده است که معاون دادستان در نامه‌ای به صنایع فولاد عنوان کرده بود که این صنعت می‌تواند برای کنترل بازار از روش پتروشیمی استفاده کند.** این امر نشان می‌دهد که صنعت ما علیرغم تمام مشکلات، موفق عمل کرده است. گذر صنایع پایین دستی از چالش‌ها با گلیایه کردن و پرزنگ ساختن کمبودها ممکن نیست، این صنایع باید با تمرکز بر ساماندهی امور، کار کارشناسی و برپایه اعداد و ارقام درست، پیگیر مشکلات خود باشند، تنها در این صورت است که اعتماد دولت را جلب کرده و در سپهر جدید اقتصادی کشور نقش‌آفرین خواهند بود. ■

تخصیصات



علی تبیان | دبیر کمیته های تخصصی سندیکای صنعت برق ایران

خلق الساعات

در طول یکی دو ماه گذشته بسیاری از شرکت های تولیدی صنعت برق شاهد تغییرات چشمگیر و بعضاً متناقض در رویکرد دولت برای اولویت بندی واردات کالا و تخصیص ارز بوده اند. این تغییرات موجب عدم امکان تامین به موقع تجهیزات خط تولید و پروژه های صنعت برق و در نتیجه ایجاد زیان های جبران ناپذیر برای بسیاری از شرکت های خصوصی و در نهایت معطل ماندن پروژه های ملی این صنعت شده است.

واقعیت این است که به دلیل سیاست های صرفه جویانه دولت در خروج ارز از کشور، تغییرات عمده ای در اولویت بندی کالا و تجهیزات صنعت برق جهت تخصیص ارز، ایجاد شده و همین مساله سازندگان تجهیزات صنعت برق را با چالش های جدیدی مواجه کرده است. به عنوان مثال برخی از تجهیزات که در اولویت ۲۱ و ۲۲ قرار داشتند، به تازگی به اولویت های پایین تر تغییر یافته اند.

به علاوه تصمیم بانک مرکزی در عدم تخصیص ارز نیمایی به اولویت های ۲۳ تا ۲۶ موجب به هم ریختگی در روال تامین تجهیزات شده است. از این رو شرکت های خصوصی تمامی راه های ممکن برای واردات تجهیزات مورد نیاز را آزمودند، اما به نظرمی رسد کلاف واردات مواد اولیه و تجهیزات صنعت برق هر روز پیچیده تر از قبل می شود.

شاید بهتر باشد قبل از موشکافی مشکلات اخیر، مروری بر مهم ترین فرآیندهای لازم برای شرکت های خصوصی جهت واردات تجهیزات و مواد اولیه به کشور داشته باشیم. هر شرکت پس از ثبت سفارش در سامانه جامع تجارت بایستی برای برخی از گروه های کالایی مجوزهای فنی را از وزارت صمت و نیز مجوز تخصیص ارز را از سازمان های صنعت، معدن و تجارت در استان ها کسب کند. همچنین به درخواست وزارت صمت و سازمان های مذکور اصالت قرارداد و اثبات عدم تولید ساخت داخل با ارائه مدارک مثبت محرز خواهد شد. پس از اخذ مجوزها و ثبت موفق سفارش برای هر پرونده، متناسب با گروه کالایی اعلام شده توسط بانک مرکزی، تأیید تامین ارز از طریق بانک عامل درخواست می شود. کالای موضوع قرارداد پس از تأیید تخصیص ارز، انجام حواله ارز و تامین کالا به گمرکات کشور وارد شده و با اخذ کد رهگیری مجوز ترخیص از گمرکات می یابد. پس از اعلام تخصیص ارز دولتی تنها برای گروه های کالایی مواد غذایی و دارویی، تامین ارز بسیاری از گروه های کالایی صنعت برق از منشا ارز نیما و توسط صرافی بانک ها قابل تامین بود. ماجرای مشکلات اخیر شرکت های خصوصی از جایی آغاز شد که بسیاری از شرکت های خصوصی اعم از سازندگان تجهیزات و پیمانکاران، پس از انتظار چند ماهه برای تخصیص ارز، با تغییر رویکرد بانک مرکزی مبنی بر عدم تایید پرونده های ثبت سفارش منشا ارز نیما روبرو شده و مجبور به ویرایش پرونده های ثبت سفارش خود به منشأ ارز اشخاص (کوتاژ صادراتی و ارز متقاضی) شده اند. از اسفند ماه سال ۹۸ تا اواخر بهار سال ۹۹ به هیچ یک از درخواست های تخصیص ارز نیما برای برخی از گروه های کالایی صنعت برق پاسخ داده نشد و پس از چهار ماه تاخیر رد مجوز تخصیص از بانک مرکزی اعلام شده است.

این اقدام موجب شد شرکت های واردکننده ای که درخواست تأمین ارز از محل کوتاژ صادراتی غیرداشتند، به دلیل عدم شفافیت قیمت و فشار تقاضا، با افزایش قیمت مواجه شوند. به طوری که گاهی با اقداماتی نظیر اخذ کارمزد از جانب صادرکنندگان و احتساب ارز به نرخ آزاد برای وارد کنندگان مواجه شدند. به همین دلیل بانک مرکزی در تصمیم جدید خود امکان واردات کالا از طریق واردات در مقابل صادرات (استفاده از کوتاژهای صادراتی دیگران) را ممنوع اعلام کرد. هرچند این تصمیم مانعی مؤثر برای جلوگیری از افزایش قیمت ارز از سوی صادرکنندگان بوده، اما تغییرات مداوم و ناگهانی در دستورالعمل های وارداتی، بلا تکلیف مانندن پرونده سفارش تجهیزاتی را به دنبال داشت که پیش از صدور این دستورالعمل ها، روال مربوط به واردات را طی کرده و در برخی موارد حتی کالاها به گمرک نیز وارد شده بود.

از سوی دیگر همانطور که اشاره شد برای برخی از گروه های کالایی اخذ مجوزهای فنی و مجوز تخصیص ارز از سازمان صنعت، معدن و تجارت استان ها باعث تاخیر چندین هفته ای در زمانبندی روال فرآیند تأمین کالا می شود. در صورت نیاز به برخی ویرایش های فنی یا بازرگانی که به طور معمول در جریان سفارش کالا رخ می دهد، شرکت های خصوص بایستی مجدداً همین زمان طولانی اخذ مجوزها را طی کنند و همین مساله و این امر به زمان مورد نیاز برای تکمیل پروژه های صنعت برق اضافه می کند.

تطویل فرآیند اثبات اصالت قرارداد و اثبات عدم تولید ساخت داخل در سازمان های صمت از دیگر چالش های همیشگی اعضا در ماه های اخیر بوده است. به طوریکه حتی برای تجهیزاتی که عدم ساخت آن محرز بوده و بارها از طرف نهادهای ذی صلاح نظیر تشکل های تخصصی بخش خصوصی عدم ساخت داخل آن اعلام شده نیز این تاخیرات طولانی مدت وجود دارد.

این شرایط علاوه بر ایجاد اختلال در فرایند تولید شرکت های سازنده، بسیاری از قراردادهای منعقد شده با کارفرمایان دولتی را برای محاسبات تعدیل و جبران افزایش شدید نرخ ارز در هاله ای از ابهام فرو برده است. البته در این بین ممکن است برخی از شرکت ها تأمین تجهیزات مربوط به برخی از پروژه ها را به دلیل ضرورت و نیاز فوری کارفرمایان از محل اعتبار شرکتشان انجام دهند و یا علیرغم عدم همکاری بانک مرکزی، بخشی از تجهیزات را با همکاری بانک های عامل و تعهد شرکت، از گمرک ترخیص و به کارفرمایان تحویل داده باشند. حتی در این صورت هم هزینه ای که از محل تصمیمات خلق الساعه نهادهای مربوطه به شرکت های سازنده و تولیدکننده وارد می شود، غیرقابل جبران و زیان بار است. همچنین بسیاری از واردکنندگان که با تأمین مالی ارزی توانسته بودند کالای موضوع قرارداد خود را تأمین و به گمرکات کشور وارد کنند، به موجب تاخیرات و تغییرات روال بانک مرکزی در تأیید تخصیص ارز موفق به حواله ارز و اخذ کد رهگیری جهت ترخیص نشده اند که این خود با گذشت زمان ایجاد مشکلاتی در متروکه اعلام شدن کالا کرده است.

نکته حائز اهمیت دیگری که باید به صورت جدی مورد توجه قرار گیرد این

است که اغلب قوانین و مقررات مرتبط با ارز و اولویت بندی کالا که توسط دولت و بانک مرکزی ابلاغ شده، عطف به ماسبق محسوب می شود. این امر سفارشات ثبت شده توسط واحدهای تولیدی به منظور واردات مواد اولیه را صرف نظر از تشریفات طی شده قبلی، تحت تأثیر تغییرات جدید قرار می دهد. به بیان بهتر اگر شرکتی در گذشته مواد اولیه مورد نیاز خود را مطابق با مقررات جاری و با استفاده از کوتاژهای صادراتی دیگران ثبت و به کشور وارد کرده باشد، با ابلاغیه های اخیر بانک مرکزی مبنی بر ممنوعیت استفاده از کوتاژ صادراتی غیر، در ترخیص کالا از گمرک با مشکل مواجه خواهد شد.

به هر حال تغییرات پیش بینی نشده در شرایط تأمین و حواله ارز از طرف بانک مرکزی باعث شده حجم عمده ای از تجهیزات و مواد اولیه خریداری شده توسط بنگاه های تولیدی صنعت برق در مبدا و بخشی نیز در گمرک های کشور بلا تکلیف باقی مانده و برای آن بخش از تجهیزات که تحویل شده، به دلیل نبود مستندات لازم نمی توان صورت وضعیت های تعدیل را ارسال کرد. این موارد باعث درگیر شدن نقدینگی ریالی به مدت طولانی، افزایش بدهی ارزی به شرکت های خارجی طرف قرارداد، طولانی شدن زمان قرارداد با کارفرمایان و در مجموع، ضرر و زیان مضاعف به پیمانکاران و تأمین کنندگان کالا شده است. متأسفانه در حال حاضر بانک های عامل و گمرکات کشور نیز از همکاری در تأیید کد رهگیری و ترخیص بخشی از کالای دپو شده در گمرک با ارائه تعهد به گمرک منع شده اند.

هزینه این تاخیرها نه تنها به شرکت های سازنده تجهیزات و پیمانکاران، بلکه به کل صنعت برق تحمیل شده و باعث توقف در اجرای پروژه های زیرساختی می شود و در نهایت می تواند چالش های پرشماری برای شبکه برق کشور ایجاد کند. نکته اینجاست که در صورتی که قوانین جدید همچنان عطف به ماسبق شده و چرخه تغییر مقررات تداوم یابد، به طور قطع رسوب کالا و مواد اولیه صنایع در گمرکات تشدید شده و ضمن افزایش هزینه های انبارداری و گمرکی، نتیجه ای جز تشدید ضرر و زیان پیمانکاران و تأمین کنندگان کالا را در پی نخواهد داشت. این در حالی است که بخش قابل توجهی از مشکلاتی که شرح آن رفت قابل حل خواهد بود اگر سفارشات که پیش از این مطابق با مقررات وقت وارد کشور شده، طبق همان قوانین قبلی مشمول تخصیص ارز شده و تشریفات گمرکی را طی کند.

فراموش نکنیم که این مشکلات در شرایطی که کمبود شدید نقدینگی، رکود، تحریم و شیوع بیماری کرونا به شدت شرکت های فعال صنعت برق را تحت تأثیر قرار داده و متضرر کرده است، به ایجاد یک زیان انباشته غیرقابل جبران برای آن ها منجر شده و عملاً ظرفیت و پتانسیل تولید تجهیزات و خدمات فنی و مهندسی که حاصل تلاش چهاردهه ای متخصصان این صنعت را دچار مخاطرات جدی می کند؛ لذا به نظر می رسد چاره اندیشی برای این موضوع نه تنها یکی از مهمترین الزامات تحقق شعار سال و جهش تولید است، بلکه اقدامی حیاتی در راستای حفظ پایداری شبکه های برق و زیرساخت های این صنعت و همچنین جلوگیری از بروز خاموشی های گسترده است. ■

در اقتصاد پرچالش امروز کشور، بدون تردید بخش خصوصی بیش از سایر حوزه‌ها متحمل زیان‌های غیرقابل جبران است. انبوه قراردادهای متوقف، افزایش بی‌رویه قیمت مواد اولیه و جهش ناگهانی قیمت ارز همگی عواملی هستند که به التهابات اقتصاد کشور دامن زده و شرایط را بیش از پیش دشوار کرده‌اند. امروزی‌کی از مهمترین و اصلی‌ترین چالش‌های سازندگان صنعت برق تامین مواد اولیه و تنظیم بازار از طریق عرضه منطقی تولیدات صنایع بالادستی برای پیشبرد منافع اقتصادی کشور در سایه فعالیت صنایع ساخت محور با عمق ساخت بالاتر است. مهندس آریا صادق نیت حقیقی، مدیرعامل شرکت قم آلیاژ و عضو هیات رییس کمیته توسعه صادرات سندیکای صنعت برق ایران عدم توفیق دولت در مدیریت عرضه مواد اولیه و نحوه توزیع ارز در صنایع مختلف را از جمله مهمترین چالش‌های شرکت‌های سازنده تجهیزات صنعت برق برمی‌شمرد و نتیجه ادامه این روند را رکودی مخرب‌تر از گذشته می‌داند. آنچه می‌خوانید، حاصل گفتگوی ما با مهندس آریا صادق نیت حقیقی است:

ترازوی ناتراز صنایع بالادستی و ساخت محور



آریا صادق نیت حقیقی | عضو هیات رییس کمیته توسعه صادرات سندیکای صنعت برق ایران

در اوایل خرداد سال جاری با افزایش نرخ جهانی کامودیتی‌ها و جهش قیمت دلار در کشور تامین مواد اولیه برای تولید کنندگان تبدیل به یک چالش بزرگ شد. البته این چالش ریشه‌های عمیقی در اقتصاد ایران دارد. پیش از آن هم با اعمال فاز جدید تحریم‌ها و عدم دسترسی دولت به درآمدهای ارزی ناشی از فروش نفت، عدم تخصیص ارز به تولیدکنندگان به عنوان یک چالش جدی مطرح شده بود.

از آن پس دولت تولیدکنندگان را ملزم به تامین مواد اولیه خود از محل ارز حاصل از صادرات محصولاتشان کرد. در این شرایط با توجه به اینکه هشتاد درصد مواد اولیه به ناگزیر از مسیر منابع ارزی صادراتی تامین می‌شود، بازار دچار کمبود عرضه شده، چرا که که تولیدکنندگان مواد اولیه مجبور به خام فروشی و صادرات مواد مورد نیاز صنایع پایین دستی به منظور تامین ارز مورد نیاز خود شده‌اند.

از دیدگاه شما مهمترین چالش‌های سازندگان تجهیزات صنعت برق در حوزه تامین مواد اولیه چیست؟

با وجود این مسائل که به نظر می‌رسد ریشه در سیاست‌های کلان اقتصادی کشور دارند، چه راهکارهایی برای بهبود این شرایط می‌توان ارائه داد؟

مساله بعدی، وقفه در عرضه بورس کالا است. این موضوع دغدغه کمبود مواد اولیه را در تولیدکنندگان افزایش داد و فشار زیادی در تقاضا به وجود آورد. اختلاف قیمت عرضه در بورس کالا بر مبنای ارز نیمایی با مواد اولیه تامین شده با نرخ آزاد ارز، تقریباً ۱۸ درصد است و این موضوع باعث ظهور قیمت‌های غیر واقعی و حباب قیمتی در بازار شده و پای دلالتان و سفته‌بازان را به این بازار باز کرده است. در این شرایط و به دلیل سیاست دولت برای تامین مواد اولیه از محل ارز وارداتی، صنایع بالادستی از عرضه مواد اولیه امتناع کرده و ترجیح دادند برای تامین ارز مورد نیاز، صادراتشان را افزایش دهند. به این ترتیب مواد اولیه‌ای که باید به مصرف صنایع داخلی می‌رسید، صادر شد و بر همین اساس عرضه این کالاها در بازار داخلی برای چند هفته‌ای متوقف شد. این مساله، انباشت تقاضا و تشدید رقابت‌های مخرب برای عرضه اندک صورت گرفته را به دنبال داشت. این نوع از رقابت برای به دست آوردن مواد اولیه اندک عرضه شده و خروج قیمت‌ها از عرف معمول هم باعث ابطال معامله‌ها شد.

اولین و مهمترین راهکار، کنترل عرضه است. چرا که همانطور که پیشتر هم اشاره شد مهمترین دلیل ایجاد چالش‌های کنونی کمبود عرضه بوده است. استمرار عرضه هفتگی و منظم در بورس کالا می‌تواند نقطه مقابل این موضوع بوده و زمینه را برای برون رفت از شرایط ملتهب کنونی فراهم کند. در گام بعد باید حداقل عرضه به شکلی منطقی تعیین و کنترل شود. یعنی عرضه‌کنندگان مواد اولیه به جای عرضه قطره چکانی عرضه مکفی را در دستور خود قرار دهند. میزان این عرضه باید جوابگوی تقاضا بوده و از ایجاد رقابت‌های مخرب و نامعقول جلوگیری کند.

یکی دیگر از اقدامات کلیدی برای مدیریت بازار مواد اولیه، کنترل تقاضا است. البته پیش از این سایت بهین یاب به منظور شناسایی و راستی آزمایی مصرف‌کنندگان طراحی شده تا دست دلالتان و سفته‌بازان از این بازار کوتاه شود؛ بنابراین اگر این مکانیزم به درستی عمل کند تا امکان دسترسی مستقیم مصرف‌کنندگان اصلی را به بازار فراهم کرده و دست دلالتان را از این بازار کوتاه کند، میزان منطقی عرضه‌ای که به راحتی در اختیار تولیدکنندگان و مصرف کنندگان واقعی قرار گیرد، برای تامین بازار کافی است.

در نهایت اولویت دادن به تامین نیاز صنایع تکمیلی جهت حفظ و گسترش تولید، ایجاد اشتغال و حفظ زنجیره ارزش افزوده الزامی است. به علاوه کمک به صادرات محصولات نهایی با ارزش افزوده بالاتر از این جهت که منجر به ارزآوری بیشتر برای کشور می‌شود هم امری حیاتی برای احیای ساختارهای اقتصادی کشور محسوب می‌شود. به همین دلیل باید سیاست‌های اقتصادی به نحوی بازتنظیم شود که صنایع بالادستی به جای صدور مواد خام با ارزش افزوده پایین به سمت تامین مواد اولیه صنایع پایین دستی و تولید کالاهایی با عمق ساخت و ارزش افزوده بالاتر سوق داده شوند.

چرا که در نهایت اشتغالزایی و تامین منافع ملی با صادرات کالایی با ارزش افزوده بالاتر صورت می‌گیرد. اگر که به جای خام فروشی صادرات محصولات نهایی را در دستور کار قرار دهیم، معضلات ناشی از صادرات گسترده مواد خام برطرف شده و چالش تهیه مواد اولیه را نیز پشت سر خواهیم گذاشت.

به نظر می‌رسد صنعتگران در حوزه دستورالعمل‌ها و تصمیمات خلق الساعه دولت هم گرفتاری‌های متعددی دارند.

بله؛ کاملاً درست است. یکی از مسائلی که در طول سال‌های اخیر بیشترین آسیب را به صنعتگران وارد کرده و متأسفانه عوارض و پیامدهای آن هنوز به درستی بررسی و ارزیابی نشده‌اند، تعدد بخشنامه‌ها، قوانین و تصمیمات بدون پشتوانه دولت در خصوص صنایع است. در حقیقت دولت و در راس آن وزارت صمت در قالب این تصمیمات خلق الساعه، امورات صنایع کشور را با سعی و خطا پیش می‌برند.

تعدد بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌هایی که حاصل تصمیمات خلق الساعه برای حل یک مشکل خاص، بدون در نظر گرفتن تأثیرات جانبی آن‌ها هستند، به یک مساله عدیده برای صنعتگران تبدیل شده است. به همین دلیل است که هردستورالعملی در نهایت به یک مشکل بزرگتر با پیامدهای منفی بیشتری تبدیل می‌شود و دولت را ناگزیر می‌کند که برای مواجهه با پیامدهای آن دوباره بخشنامه یا دستورالعمل جدیدی تدوین کند و این دور باطل در طول چند ماه اخیر همواره ادامه داشته است؛ لذا پیش از اتخاذ هر تصمیم باید عوارض و پیامدهای آن به درستی شناسایی و ارزیابی شده و براساس آن بهترین تصمیم با کمترین هزینه برای کشور اتخاذ شود.

متأسفانه با اینکه در قوانین رفع موانع تولید و بهبود فضای کسب و کار این مساله پیش بینی شده که وضع هر قانونی از سوی نهادهای سیاستگذار اعم از دولت یا مجلس مستلزم مشورت با تشکل‌های تخصصی و حصول اطمینان از میزان اثربخشی آن بر فضای کسب و کار است. ولی وقتی این کار به درستی انجام نمی‌شود به طور قطع به نتایج خوبی هم دست پیدا نمی‌کنیم. در مورد مواد اولیه هم دقیقاً ما با چنین مشکلی مواجه شدیم چرا که دولت به ناگاه ارز صنایع بالادستی که به تامین مواد اولیه آن‌ها تخصیص داده می‌شد را قطع کرد. این اقدام درست مثل این است که آب یک مزرعه بزرگ از منبع اصلی بسته شود، به این ترتیب کم‌آبی به تدریج به همه جای آن رخنه کرده و مزرعه را می‌خشکاند.

وقتی ارز صنایع بالادستی قطع شد، عرضه مواد اولیه به هم ریخت و این آشفتگی به همه سطوح صنایع پایین دستی رسوخ کرد و گسترش یافت. اما اگر این تصمیم با مشورت فعالان صنعتی در همه سطوح بالادستی و ساخت محور و نیز با در نظر گرفتن همه پیامدهایش اتخاذ می‌شد، بدون شک کنترل بازار تا این حد از دست دولت خارج نمی‌شد. شاید بهتر بود به جای ترغیب و الزام صنایع بالادستی تولیدکننده مواد خام به صادرات، آن‌ها را ملزم به تامین مواد اولیه صنایع ساخت محور می‌کردیم و صادرات محصولاتی با ارزش افزوده بالاتر را توسعه می‌دادیم و از این طریق ارز مورد نیاز صنایع را تامین می‌کردیم.

نکته بسیار مهم‌تر این است که **متأسفانه ما ناگزیریم مواد خام را با نرخ‌ی پایین‌تر از LME بفروشیم؛ بنابراین صادرات مواد خام نه تنها به زیان صنایع پایین دستی است بلکه صنایع مادر را نیز گرفتار ضررهای انباشته می‌کند.** این در حالی است که اگر این مواد اولیه در اختیار صنایع صادرات محور قرار گیرد، علاوه بر اینکه آن‌ها قدرت رقابت بیشتری در بازارهای بین‌المللی خواهند داشت، می‌توانند ارز حاصل از صادرات را نیز با یک ساختار مشخص و قانونمند در اختیار صنایع بالادستی قرار دهند.

بله؛ ما قوانین کارآمدی نظیر قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر هم داریم که اجرای آن‌ها می‌توانست مشکلات بسیاری را حل کند، اما متأسفانه ما در زمینه اجرای این دست از قوانین هم ناموفق بوده ایم. مساله اینجاست که وضع قوانین متناقض و متعدد عملاً امکان برنامه‌ریزی‌های میان مدت یا بلندمدت را در بنگاه‌های اقتصادی و حتی خود دولت از بین برده است. ما برای رسیدن به یک استراتژی توسعه‌ای موثر نیاز به برنامه‌ریزی‌هایی داریم که پیاده‌سازی آن‌ها در بلندمدت

قوانین مناسبی هم برای بهبود فضای کسب و کار و حمایت از تولید داخلی تدوین شده، آیا این دست از قوانین در تغییر این شرایط موثر نبوده‌اند؟

با وجود این نوسانات و تغییرات مداوم سرنوشت قراردادهای فعالان صنعت برق چه خواهد شد؟

امکان پذیر است، اما متأسفانه افق دید ما در شرایط حاضر بسیار نزدیک و برنامه هایمان مقطعی و کاملاً کوتاه مدت است. با وجود این شرایط صنایع در فضایی تاریک قدم برمی‌دارند و تصویری از مسیر و یا مقصد خود ندارند.

کاهش شدید نقدینگی به دلیل افزایش قیمت مواد اولیه هم به این مشکلات دامن زده و عملاً صنایع را ناگزیر به اخذ تسهیلات گران قیمت از بانک‌ها کرده و در نهایت حاصل همه این چالش‌ها در کنار یکدیگر افزایش قیمت محصولات ایرانی و از بین رفتن قدرت رقابت آن‌ها در بازارهای بین‌المللی و از دست رفتن بازارهای صادراتی است.

واقعیت این است که اجرای قراردادها با توجه به رشد قابل توجه قیمت مواد اولیه و همچنین شرایط یک طرفه و تحمیلی در قراردادهای شرکت‌های دولتی، تقریباً غیرممکن است. مساله این است که در صورت عدم توانایی سازنده یا پیمانکار برای ادامه پروژه، قرارداد فسخ شده و شرکت باید ضرر و زیان ناشی از آن را بپذیرد. اگر به اجرای قرارداد هم تن دهد هزینه قابل توجه ناشی از افزایش قیمت‌ها به او تحمیل خواهد شد؛ بنابراین این شرکت‌ها در یک معامله دوسر باخت گرفتار شده‌اند و هر تصمیمی در نهایت به زیان آن‌ها تمام خواهد شد. این در حالی است که امسال براساس شعار جهش تولید، سیاست‌های اقتصادی کشور باید به سمت حمایت از تولید هدایت می‌شد، اما آنچه که امروز می‌بینیم این است که دائماً زیان‌ها و هزینه‌ها به سمت ما سرازیر می‌شود؛ که در هر حال منجر به ضرر و زیان شرکت‌های تولید کننده می‌شود که در واقع قرار مملکت نبوده و شعار سال ما نبوده جهت‌گیری کلی مملکت ایجاد ضرر و زیان برای شرکت‌های تولید کننده نبود. قرار ما رشد تولید حمایت از تولید و جهش تولید بوده است.

به همین دلیل هیچ کدام از شرکت‌ها قادر به پیش‌بینی دقیق قیمت‌ها برای عقد قراردادهای جدید نیستند. چرا که عدم اطمینان از قیمت‌ها و ثبات قیمت ارز و مواد اولیه در کنار قراردادهای یکسویه‌ای که در نهایت همه ریسک‌ها را متوجه سازنده و پیمانکار می‌کند، به التهابات اقتصادی موجود دامن زده و برنامه‌ریزی برای شرکت را ناممکن می‌کند.

صادرکنندگان هم بخش بزرگی از همین فعالان اقتصادی هستند که در داخل کشور متضرر شده‌اند. در عرصه صادرات هم نابسامانی در تصمیمات و عدم شفافیت در نحوه انجام تعهدات ارزی کارا برای شرکت‌های صادرکننده، هم دشوار کرده است. ضمن اینکه مشکلاتی که به آن اشاره شد همگی توان رقابت ما را با رقبای خارجی به شدت کاهش داده و اجازه نمی‌دهد که ما توان و پتانسیل واقعی خود را در بازارهای جهانی نشان دهیم.

ادامه روند کنونی بدون تردید نتیجه‌ای جز تورم و ادامه این رکود در پی نخواهد داشت. اگر همچنان قیمت مواد اولیه افزایش و میزان عرضه کاهش پیدا کرده و پروژه‌ها در این شرایط بی‌ثبات اقتصادی متوقف شوند، باید در انتظار فروپاشی شرکت‌های سازنده و پیمانکار باشیم. فراموش نکنیم که اگر پروژه‌های صنعت برق به دلیل مشکلات موجود در تامین اعتبار متوقف شوند، پیامدهای آن گسترده بوده و می‌تواند به کاهش سطح پایداری شبکه، افزایش تلفات و حتی بروز خاموشی‌ها منجر شود. نکته اینجاست که نه تنها بخش خصوصی بلکه دولت هم از ادامه این روند متضرر خواهد شد، چرا که قیمت تمام شده پروژه‌های ملی، کالاها، خدمات و محصولات افزایش یافته و دولت ناگزیر است برای تامین رفاه، امنیت و کنترل بازار هزینه‌های بیشتری متحمل شود. ■

حیات پنگاه‌های اقتصادی به تولید وابسته است، تولیدی که تامین مواد اولیه آن با بحران‌های ارزی و کرونایی این روزها با چالش‌های زیادی مواجه شده است. در این شرایط عرصه بر بخش خصوصی که موتور محرکه اقتصاد و توسعه کشور است، تنگ‌تر شده و تحمل زیان‌های غیرقابل جبران از توان آن خارج است، و اما این درد در صنایع پایین دستی مثل صنعت برق که زیرساختی‌ترین صنعت کشور است، دو چندان بوده و روز به روز بر شدت آن افزوده می‌شود چرا که تدابیر درست و کارشناسی شده برای رفع مشکلات این صنعت اتخاذ نشده است. در گفتگو با مهندس «جمشید بردبار»، مدیرعامل شرکت الکترونیک افزارآرما و رئیس کمیته سازندگان سندیکای صنعت برق ایران، به بررسی چالش‌های تامین مواد اولیه در صنعت برق پرداخته ایم. مشروح گفتگوارا در ادامه می‌خوانید:

...

جای خالی احساس مسئولیت نهادهای دولتی



جمشید بردبار | عضو هیات مدیره و رئیس کمیته سازندگان سندیکای صنعت برق ایران

از دیدگاه شما مهمترین چالش‌های سازندگان تجهیزات صنعت برق در حوزه تامین مواد اولیه چیست؟

مطالبات انباشت شده، تحریم‌ها، عدم تخصیص ارز، تسهیلات بانکی و پروسه‌های قانونی ثبت سفارش وزارت صمت و تغییر مکرر و متناقض مقررات و بخشنامه‌ها از مهمترین چالش‌هایی است که امروز صنعت برق با آنها دست به گریبان است. روش‌های ناپایدار و متناقض بانک مرکزی و پروسه طولانی و پیچیده تخصیص ارز و ثبت آماری، پروسه‌های پیچیده و زمانبر گمرک، فساد و تبعیض در همه بخش‌ها، مشکلات حمل مواد، سوء استفاده واحدهای بزرگ تولیدی و اولویت دادن به صادرات به جای تامین مواد اولیه واحدهای داخلی و فروش این مواد به قیمت بالا از دیگر مواردی هستند که تولیدکنندگان در تامین مواد اولیه با آنها مواجه شده‌اند. شاید بسیاری از این موارد را بتوان با نظرسنجی و مشورت با بخش خصوصی رفع کرد اما متأسفانه در تهیه قوانین، آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها نظرات بخش خصوصی استعلام نمی‌شود.

معطل ماندن خط تولید و تعطیلی طولانی مدت، عدم توان برنامه‌ریزی تولید، افزایش چند برابری هزینه بدلیل کار با ۱۰ الی ۲۰ درصد ظرفیت تولید، عدم توان تولید بدلیل کسری یک قطعه و یا یک بخش تولید، عدم توان اجرای قراردادها و تعهدات از اصلی‌ترین نتایجی است که از نبود تامین مواد اولیه به بار آمده است. افزایش مداوم نرخ ارز و مواد اولیه نیز پروسه تولید و تحویل را طولانی‌تر کرده است. افزایش میزان سرمایه در گردش و نقدینگی لازم و افزایش هزینه پول و پرداخت بهره بانکی بسیار بیشتر، ضبط ضمانتنامه، تعطیلی و ورشکستگی، بیکار شدن و اخراج پرسنل کارآمد و متخصص و عدم توان جایگزینی پس از گذشت مرحله بحران، افزایش بهای تمام شده در اثرتورم و افزایش قیمت‌ها، پرداخت مالیات ارزش افزوده و دریافت پول در سال بعد از دیگر مشکلاتی است که می‌توان به آنها اشاره کرد.

چالش‌های احصا شده در تامین مواد اولیه چه تاثیری بر روند فعالیت و تولید پنگاه‌های اقتصادی داشته است؟

به نظر شما با وضعیت موجود و با توجه به معضلاتی که صنعت با آنها درگیر است، برای عبور از این چالش‌ها چه باید کرد؟

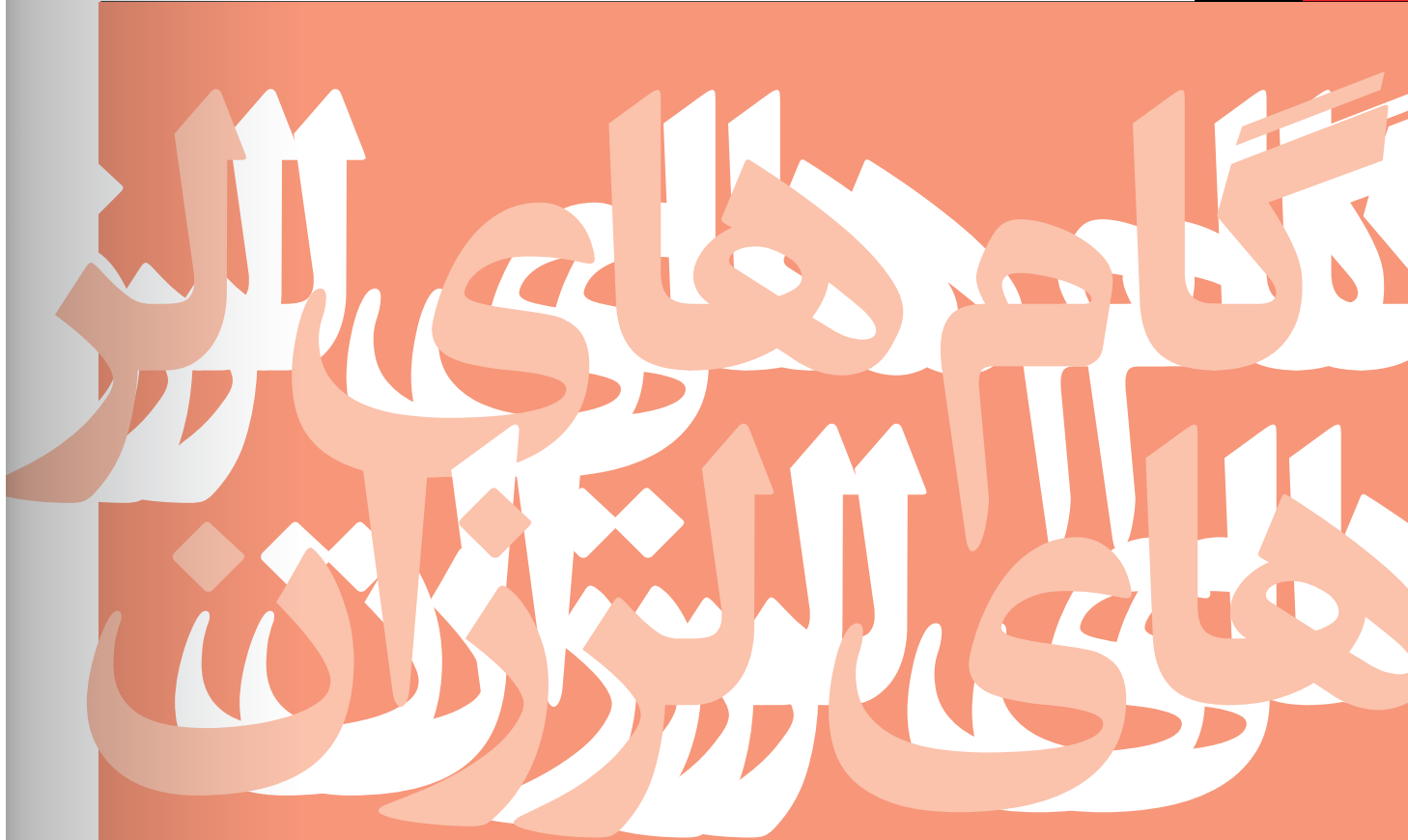
وضع ممنوعیت‌های تجاری از قبیل بخشنامه‌ها و قوانین وضع شده توسط دولت، چه تاثیری بر تامین مواد اولیه گذاشته است؟

با توجه به شرایط موجود آینده شرکت‌های سازنده و افق پیش روی آنها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ در شش ماهه دوم سال جاری چه روزهایی در انتظار این شرکت‌ها خواهد بود؟

در اولین قدم قوانین، بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها باید با مشورت و نظر مستقیم تولیدکنندگان و تشکل‌های تخصصی بخش خصوصی بازنگری و اصلاح شود و این قوانین حداقل برای دو سال پایداری و ثبات داشته باشد. پرداخت طلب شرکت‌های بخش خصوصی با هزینه دیرکرد و پرداخت تعدیل و تفاوت نرخ ارز و فلز در اولویت بعدی قرار دارد. افزایش پیش پرداخت قراردادها و استفاده از قرارداد خرید و پیمانکاری و مشاوره تیپ جدید، تغییر نگرش و دیدگاه مدیران و مسئولین دولتی در همه سطوح و پایین آمدن از برج عاج و تغییر نگاه از بالا به پیمانکاران و سازندگان نیز باید مورد توجه باشد. اصلاح سیاست خارجی در جهت رفع تحریم‌های ظالمانه، امکان تخصیص بموقع و کافی ارز، ایجاد تسهیلات بانکی کافی و توسعه صادرات نیز محورهایی است که برای رهایی از چالش‌های ذکر شده باید در دستور کار قرار بگیرد.

با ممنوعیت‌های تجاری موجود، طراحی مدارهای الکترونیک، نرم‌افزار و ماشین‌آلات خط تولید هزینه بیشتری ایجاد می‌کند، البته این در صورتی است که واحد تولیدی بخش تحقیقات داشته باشد و بتواند تغییرات لازم و قطعات جایگزین را استفاده کند، در غیر این صورت خط تولید به کلی تعطیل می‌شود. از طرف دیگر وقفه ناگهانی در تهیه مواد اولیه تحریم شده، سبب توقف تولید و عدم توان اجرای قراردادها در دست شده و ضرر و زیان زیادی به تولیدکننده وارد می‌کند. بعضی از مواد اولیه تحریم شده دیگر قابل استفاده نیستند لذا تهیه قطعات با کیفیت مناسب و انجام تست‌های لازم به سرمایه‌گذاری جدید نیاز دارد و زمانبر است. ماطی چند سال در شرکت الکترونیک افزارآرما با این مسئله مواجه شده‌ایم اما خوشبختانه بخش تحقیقات شرکت با صرف چند ماه زمان، مشکلات را حل کرده است ولی هربار دچار خسارت زیادی شده‌ایم. متأسفانه سازمان‌های دولتی مانند توانیر، شرکت‌های برق منطقه‌ای و توزیع هیچ توجهی به این مشکلات نکرده و هیچ‌گونه همراهی در جهت زمان بیشتر و جبران خسارت‌ها نمی‌کنند. این نهادها در برخورد با این مسائل خیلی خشک و یکطرفه برخورد کرده و در مقابل مشکلات عدم پرداخت، تاخیر در پرداخت، افزایش نرخ ارز و عدم تعدیل هیچ مسئولیتی برای خود قائل نیستند. علاوه بر اینها، برای هر محصولی که براساس قطعات جدید طراحی می‌شود باید مجددا تاییدیه کیفیت شورای ارزیابی اخذ شود که این کار نیز حدود شش ماه زمان می‌خواهد. در واقع ممنوعیت‌های مکرر باعث اختلال در توان برنامه‌ریزی تولید و تحویل، تحمیل هزینه‌های غیرقابل پیش‌بینی، مشکلات پرداختی به فروشندگان خارجی و مشکل در حمل و ترخیص شده است.

متأسفانه دیگر افق دیدی وجود ندارد چرا که با تشدید تحریم‌ها، عدم پرداخت یکساله مطالبات از سوی وزارت نیرو، عدم تخصیص ارز بانک مرکزی، عدم همکاری کارفرمایان و بانک‌ها در تامین سرمایه در گردش و مشکلات ناشی از شیوع ویروس کرونا، ورود مواد اولیه با مشکلات جدی روبرو شده است و نمی‌توان برای آن برنامه‌ریزی حتی چند ماهه کرد. سیاست‌های تامین مواد اولیه و ارز هفتگی شده و هر روز هم دشوارتر می‌شود. بخشی از مواد اولیه‌ای هم که در گمرک است، علاوه بر عدم وجود نقدینگی جهت پرداخت پول کالا به فروشنده خارجی و پرداخت عوارض گمرکی، به دلیل دستورالعمل‌های موجود مثل کد ثبت آماری توسط بانک مرکزی، قابل ترخیص نیست. تا اصلاحات لازم که پیشتر به آنها اشاره شد، انجام نشود افق دید روشنی وجود نخواهد داشت. اخیراً هم که اپیدمی کووید ۱۹ در جریان رویدادها بسیار تاثیرگذار و تعیین‌کننده بوده و هزینه‌ای بیش از ۳۰ درصد به سازندگان تحمیل کرده است. با توجه به تغییراتی که در اقتصاد ایران و جهان در حال رخ دادن است و عدم اطلاع از سیاست‌های اقتصادی و سیاسی پیش رو، هیچ رویدادی قابل پیش‌بینی نیست و در این زمینه نمی‌توان اظهار نظر خاصی داشت. ■



سازندگان بر زمین لغزنده سیاست‌گذاری‌ها

از آغاز سال «جهش تولید» یکی از دغدغه‌های فعالان بخش خصوصی در صنعت برق، تغییرات ناگهانی و متناوب در سیاست‌های تجاری و ارزی دولت و بانک مرکزی ج.ا.ا بوده که دسترسی به موقع به مواد اولیه و تجهیزات موردنیاز آنها را با چالش مواجه ساخته است. شرکت‌های فعال در صنعت برق جهت واردات مواد اولیه و قطعات و ماشین‌آلات خط تولید، با توجه به اولویت‌های وارداتی و گروه‌های کالایی در سامانه ثبت سفارش وزارت صنعت معدن تجارت درخواست مجوز واردات خود را ثبت کرده، سپس به استناد آن، از طریق بانک عامل درخواست تخصیص ارز را برای بانک مرکزی ارسال می‌کنند. انتظار می‌رود کارشناسان مربوطه در اسرع وقت پاسخ مشخص مثبت یا منفی به درخواست مذکور بدهند تا واردکننده بتواند در صورت عدم موافقت با تخصیص ارز، برای حل مشکل خود چاره‌اندیشی کند. اما آنچه در عمل طی ماه‌های اخیر رخ داده است، تأخیرهای طولانی در

پاسخ‌گویی توسط بانک مرکزی است. برخی از درخواست‌ها بیش از دو ماه است که در انتظار پاسخ هستند. حتی برخی از شرکت‌های صادرکننده نیز در واردات مواد اولیه از محل ارز صادراتی خود با مشکل مواجه شده‌اند.

علاوه بر بانک مرکزی که طی این دوره با تغییر سیاست‌گذاری‌های خود و تخصیص ارز اشخاص (کوتاژ صادراتی و ارز متقاضی) به جای ارز نیمایی، فرایند تأمین مواد اولیه موردنیاز تولید را دستخوش تغییرات ناگهانی کرده است، وزارت صنعت، معدن و تجارت نیز با تغییرات متناوب و ناگهانی در اولویت‌بندی کالاهای شرایط نامطمئنی را برای واردات مواد اولیه شرکت‌ها ایجاد کرده است که گاهی واردکننده را ناچار به اصلاح و تغییر در ثبت سفارش خود می‌کند. در چنین شرایطی، اثر از دست دادن چابکی لازم و عدم توفیق در تأمین به موقع کالاهای و تجهیزات موردنیاز در جریان تولید و کاهش حاشیه سود



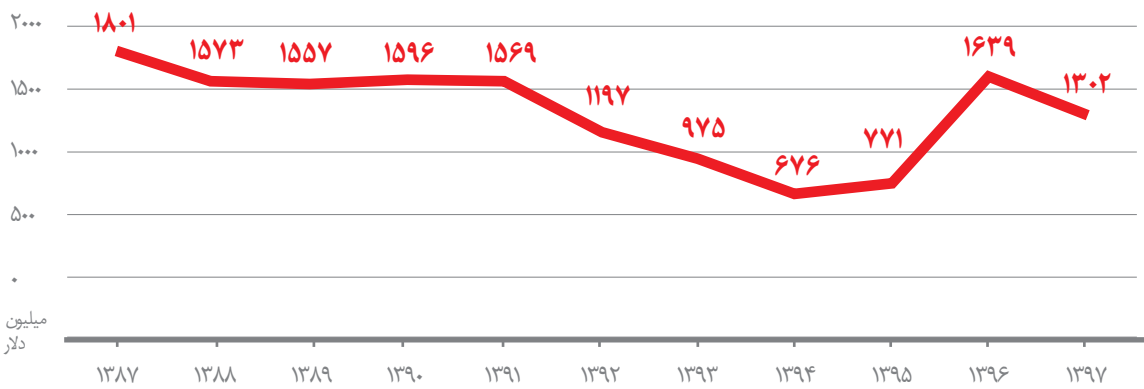
مهناز علی‌آبادی

دبیر کمیته مالی-بانکی سندیکای صنعت برق ایران

نرخ آن‌ها متأثر از بورس‌های خارجی و نرخ ارز است که قیمت تمام‌شده کالاهای این صنعت را به‌طور مضاعف، متأثر از نوسانات بازار ارز می‌کند. این نوسانات در نرخ ارز، تصمیم‌گیری مالی بنگاه را از طریق ایجاد عدم اطمینان از میزان دریافتی‌ها و پرداختی‌های آینده بنگاه تحت تأثیر قرار می‌دهد. درواقع نوسانات نرخ ارز به‌عنوان یکی از عوامل مهم تعیین‌کننده هزینه نهاده‌های واحدهای صنعتی، بر روی میزان عرضه کل بنگاه‌ها و ادامه حیات آن‌ها اثرگذار بوده و به دلیل پیش‌بینی‌ناپذیری قیمت این نهاده‌ها، عملاً برنامه‌ریزی بر اساس مدل‌های تنزیل جریان نقدی را با خطای بالایی روبه‌رو می‌کند لذا منجر به توجیه‌ناپذیری پروژه‌ها از نظر اقتصادی شده و تداوم فعالیت کسب‌وکارها را پر مخاطره می‌کند.

شایان ذکر است، ساختار نهادی صنعت برق به شکلی است که عرضه انرژی برق کاملاً در کنترل شرکت‌های دولتی است، در نتیجه مدل کسب‌وکار زنجیره تأمین صنعت برق B ۲G بوده و بازار آن به‌صورت انحصاری در کنترل شرکت‌های دولتی تابعه وزارت نیرو است. از آنجاکه مقررات‌گذاری این بازارها نیز کاملاً در کنترل دولت (سازمان برنامه‌وبودجه و وزارت نیرو) است، در نتیجه این فضای انحصاری در خرید محصولات بنگاه‌ها، منجر به تسهیم نابرابر ریسک‌ها و مخاطرات ناشی از تغییر قیمت مواد اولیه و تجهیزات شده و تماماً به‌طور یک‌جانبه به پیمانکاران و تولیدکنندگان تحمیل می‌شود.

با توجه به دو مخاطره اصلی عنوان‌شده در جریان تولید (تغییرات ناگهانی و متناوب در سیاست‌گذاری‌های تجاری و ارزی و ریسک ناشی از نوسانات نرخ ارز) تداوم کسب‌وکارهای صنعت برق و به‌ویژه حمایت از تولیدکنندگان صنعت برق و انرژی مستلزم آن است که فرایند تخصیص ارز جهت واردات کالا و تجهیزات موردنیاز تولید، تسهیل و تسریع شده و موضوع با اولویت بالایی مطرح و برای حل مشکلات عنوان‌شده چاره‌جویی شود. همچنین لازم است راهکارهایی برای مدیریت ریسک‌های ناشی از نوسانات نرخ ارز متناسب با شرایط صنعت و ضوابط حاکم بر بازار این مواد شناسایی و ارائه شود. چراکه اختلال در تأمین و تولید کالا و تجهیزات صنعت برق علاوه بر اینکه ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های ساخت داخل این صنعت را به‌عنوان یکی از صنایع زیرساختی اصلی توسعه، با چالش‌های جدی مواجه می‌کند، بلکه سرعت توسعه زیربنای رفاهی، امنیتی و صنعتی کشور را نیز کاهش می‌دهد. ■



نمودار ۱. روند واردات کالا و تجهیزات صنعت برق در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۷

کلاف درهم تنیده اقتصاد را گره‌گشایی نیست

پیش‌بینی ناپذیری اقتصاد ایران، به یک گره‌کور برای فعالان اقتصادی تبدیل شده است. در شرایط کنونی که بازار ملتهب و پرنوسان اقتصاد کشور عملاً مجالی برای برنامه‌ریزی، حتی کوتاه مدت به صنعتگران نمی‌دهد، فعالیت آن‌ها عملاً شبیه به قدم گذاشتن در فضایی تاریک و ناشناخته است. به هر حال و علیرغم همه این مشکلات همچنان شرکت‌ها برای بقا تلاش می‌کنند و در مواجهه نابرابری این چالش‌های متعدد، هزینه‌ها و زیان‌ها را می‌پذیرند. مهندس محمد فارسی، رئیس هیات مدیره شرکت یاسان و عضو کمیته دکل سازان سندیکای صنعت برق ایران، تحریم‌ها را ریشه بسیاری از مشکلات شرکت‌ها می‌داند و معتقد است توسعه صنعت و اقتصاد در سایه تبادلات اقتصادی و مالی با دنیا به دست خواهد آمد. مشروح این گفت‌ووا ذیل‌امی خوانید:



محمد فارسی | رئیس هیات مدیره شرکت سازه‌های فلزی یاسان

اقتصاد کشور آفندر دچار بحران است که هزاران فعالیت اقتصادی در حوزه‌های صنعتی، تحقیقی، بهداشتی و ماشین‌آلات گرفتار مشکلاتی پرتعداد و عدیده شده‌اند. همه این حوزه‌ها وابستگی غیرقابل انکاری به مواد اولیه دارند و ناگزیرند بخشی از نیازهای تولید خود را از خارج وارد کنند. این میزان وابستگی اگرچه شدت و ضعف دارد، اما واقعیت این است که در شرایط تحریم و بحران‌های ارزی کنونی، هریک از این بخش‌ها به نحوی گرفتار تامین مواد اولیه شده‌اند؛ بنابراین همه تولیدکنندگان در هر صنف و صنعتی به دلیل گستردگی سطح تحریم‌ها و افزایش بی‌سابقه نرخ برابری ارز برای تامین مواد اولیه مورد نیاز خود یک چالش مشترک دارند. از دیدگاه من همه مشکلات این حوزه ناشی از تحریم‌های گسترده است و صنایع بیشترین آسیب را از محل عدم امکان مبادلات تجاری و مالی متحمل می‌شوند.

سازندگان صنعت برق برای تامین مواد اولیه مورد نیاز خود یا کاملاً وابسته به لوازم یدکی و تجهیزات وارداتی هستند و یا مواد اولیه را وارد کرده و کلیه مراحل تولید محصول نهایی را در شرکت‌های خود انجام می‌دهند. گروه اول که واردکننده تجهیزات واسطه‌ای هستند عمدتاً در کارخانجاتشان کالا را اسمبل و مونتاژ و محصول نهایی را عرضه می‌کنند و لذا با افزایش قیمت ارز و تحریم‌های موجود تقریباً در آستانه فروپاشی هستند. دومین گروه تجهیزات صنعت برق، محصولات هستند که وابستگی ارزی کمتری دارند و عمده مواد اولیه مورد نیازشان را از داخل کشور تهیه می‌کنند. در صنعتی مانند دکل‌سازی که فولاد خاصی اصلی‌ترین مواد اولیه آن محسوب می‌شود، مساله اصلی این است که علیرغم وجود پتانسیل ساخت داخل تولید دهها سازه مختلف نبشی، توجیه اقتصادی ندارد مخصوصاً که در این شرایط اقتصادی و کاهش ظرفیت تولید شرکت‌ها، سفارش این میزان هم کاهش یافته است. به همین دلیل ما ناگزیریم برای تامین مواد اولیه به واردات متوسل شویم، اما به دلیل نوسانات ارزی شدید و عدم تخصیص به موقع ارز با مشکلات جدیدتر و گسترده‌تری مواجه شدیم.

چه شد که صنایع تا این حد گرفتار مساله تامین ارز شدند؟

این مشکلات چه پیامدهایی برای شرکت‌های شما داشته است؟

راهکار از دیدگاه شما چیست؟

بدون تردید اولین عامل ایجاد این چالش جدی، کاهش ارزش ریال به دلیل سیاست‌های نادرستی پولی و مالی دولت است. نکته دیگر اینکه دولت تا پیش از تحریم‌ها، دسترسی گسترده‌ای به ارز حاصل از فروش نفت و گاز، داشت. اما در شرایط حاضر با توجه به کاهش شدید درآمدهای نفتی، کنترل شدید برارز حاصل از صادرات غیرنفتی در دستور کار دولت قرار گرفته و صادرکنندگان ناگزیرند ۷۰ درصد ارز صادراتی خود را با قیمت پایین‌تری در اختیار بانک مرکزی قرار دهند. مشکل این است که در این روند نه چندان منسجم، همین شرکت‌های صادرکننده برای تامین ارز مورد نیاز جهت خرید مواد اولیه مورد نیازشان دچار مشکل و گاهاً زمان طولانی منتظر تخصیص ارز هستند.

وقتی ما نتوانیم به موقع و به قدر کافی مواد اولیه مورد نیاز کارخانه را تهیه کنیم، قطعاً زمان تولید افزایش می‌یابد. به این ترتیب میزان محصولی که قبلاً در طول یک ماه تولید می‌شد حالا در یک دوره شش ماهه یا یک ساله تولید می‌شود. این افزایش زمان تولید ناشی از مشکلات موجود برای تامین ارز و یا بخشنامه‌های جدید دستگاه‌های دولتی است که بدون انجام بررسی‌های لازم اتخاذ می‌شود.

نکته بسیار مهم دیگری که نباید نادیده انگاشته شود این است که به دلیل مشکلات اقتصادی کنونی، تامین نقدینگی برای شرکت‌ها به یک چالش اساسی تبدیل شده و همین مساله علاوه بر کند کردن روند تولید، حفظ نیروهای فنی و متخصص را هم برای شرکت‌ها سخت کرده است. درست مثل این است که فردی دوبرابر زمانی را که صرف بافت یک لباس می‌کند، به باز کردن کلاف‌های پیچیده شده نخ اختصاص دهد، ما درست در چنین مهلکه‌ای گرفتاریم و بیشتر از آنکه به افزایش کمیت و کیفیت تولید اتمان وقت و هزینه اختصاص دهیم، ناچاریم زمان و پولمان را برای حل گره‌های کور اقتصادی کشور صرف کنیم.

اصلی‌ترین و مهمترین راهکار ممکن تعامل با دنیا و رفع تحریم‌هاست. ما برای افزایش شاخص تولید چاره‌ای جز انجام تبادلات تجاری و مالی با سایر کشورهای دنیا نداریم و برای دستیابی به این مهم باید از سد تحریم‌ها بگذریم. همه صنایع در تمام دنیا حتی در توسعه یافته‌ترین کشورها هم ناگزیرند بخشی از مواد اولیه مورد نیازشان را از طریق واردات تامین کنند و این مساله اصلاً مختص شرکت‌های ایرانی نیست؛ بنابراین مساله عدم تامین ارز و عدم امکان واردات، یک مساله صنفی محسوب نمی‌شود و ابعاد وسیعی در حد کل صنایع کشور دارد. در این میان بخشنامه‌های متعدد صادر شده از سوی بانک مرکزی و گمرک‌ها هم به این مشکلات دامن زده است.

تا پیش از این ما می‌توانستیم از طریق ارز صادراتی محصولاتمان، نسبت به تامین مواد اولیه مورد نیاز اقدام کنیم، اما متأسفانه براساس بخشنامه‌های جدید در حال حاضر امکان این کار وجود ندارد و مجوز بانک مرکزی نیاز است، ضمن اینکه ثبت سفارش هم سخت و گاه‌ها غیرممکن است.

اخذ مجوز واردات مواد اولیه از وزارت صمت در شرایط کنونی به یک چالش برای سازندگان تبدیل شده است. چرا که هر تولیدکننده‌ای ناگزیر است طی مراحل مختلف میزان نیاز به این مواد اولیه، عدم ساخت داخل و نحوه تامین ارز آن را به این وزارتخانه ثابت کند تا بتواند مجوز لازم را دریافت کند. پس از اخذ این مجوز، انتقال ارز به کشور ثالث به دلیل تحریم‌ها خود یک مساله بزرگ محسوب می‌شود که عمدتاً هزینه سربار قابل توجهی را به شرکت‌های سازنده تحمیل می‌کند.

مجموع زمان و هزینه‌ای که در این پروسه بوروکراتیک و طولانی به ما تحمیل می‌شود، قیمت تمام شده محصولاتمان را افزایش داده و قدرت رقابت ما در بازارهای صادراتی و حتی بازارهای داخلی را کاهش می‌دهد. ما در این روند توانایی خود برای مواجهه با رقبای خارجی را از دست داده‌ایم و به تدریج ارزآوری صناعی نظیر دکل‌سازی کاهش می‌یابد.

واقعیت این است که در شرایط کنونی وقتی دلار در یک دوره کوتاه زمانی ناگهان چندین برابر افزایش می‌یابد به این معناست که به هیچ عنوان نمی‌توانیم چشم‌انداز روشنی از آینده داشته باشیم. به همین دلیل فعالان اقتصادی حتی قادر نیستند برای فردا یک پیش‌بینی شفاف داشته باشند.

امروز که ما در یک فضای بدون چشم انداز فعالیت می‌کنیم، تصور من این است که تولیدکنندگان با مشقت و چالش‌های گسترده تلاش می‌کنند چرخ کارخانجات خود را بچرخانند تا شاید از تعطیلی کارخانه جلوگیری کنند. در مقابل این تلاش بی‌وقفه، وظیفه دولت این است که حتی الامکان از تصمیم‌گیری‌های عجولانه خودداری کرده و تا جایی که ممکن است فضا را برای فعالیت صنایع فراهم کند. امسال سال جهش تولید است نباید اجازه دهیم در این سال بنگاه‌های اقتصادی و صنعتی نابود شده و از بین بروند.■

تحریم‌های فزاینده اعمال شده از سوی ایالات متحده بر ایران و همچنین تورم لحام گسیخته و فروافتادن شتابان نرخ ریال در برابر دلار و دیگر ارزهای معتبر دشواری‌های فراوانی را پیش روی اقتصاد کشور ایجاد کرده که یکی از مهم‌ترین آن‌ها چالش تامین تجهیزات، ماشین‌آلات و مواد اولیه از بیرون مرزهاست. در نشست کمیسیون صنعت و معدن اتاق تهران در خردادماه سال جاری نیز از همین چالش به عنوان مهم‌ترین مشکل صاحبان کسب‌وکار، به ویژه صنایع کوچک و متوسط یاد شده است.

روشن است که منابع ارزی ایران به شدت محدود شده و ذخایر ارزی بانک مرکزی نیز در پایین‌ترین سطح خود در سال‌های اخیر قرار دارد. همچنین شرایط ناامن اقتصادی برای سرمایه‌گذاران و مشکلات انتقال ارز و حواله‌های ارزی سبب شده است که بخش بزرگی از ارز به دست آمده از صادرات به کشور بازنگردد یا امکان بازگشت نداشته باشد. در این شرایط تامین ارز برای خرید از خارج و واردات کالا بسیار دشوار و همراه با پرداخت هزینه‌های فراوان است. تدبیر دولت و بانک مرکزی در ایجاد سامانه نیما برای مدیریت صادرات و واردات بخش خصوصی و تامین ارز مورد نیاز اقتصاد کشور نیز به هیچ روی کارساز نبوده و تا هنگامی که تفاوت نرخ ارز میان این سامانه بازار آزاد وجود دارد اثربخش نخواهد بود، زیرا این اختلاف نرخ ارز سبب شده است که عرضه و تقاضا در این سامانه از تعادل خارج شود و فعالان اقتصادی برای ارز مورد نیاز واردات خود در «نیما» که نرخ پایین‌تری دارد تقاضای فزاینده ایجاد کنند و در برابر این وضعیت تلاش کنند که ارز حاصل از صادرات خود را به قیمت اصلی در بازار آزاد بفروشند. البته این جوهر تجارت و فعالیت اقتصادی است، زیرا هیچ کس بدون انگیزه دست یازیدن به منافع مالی پای به عرصه اقتصاد نخواهد گذاشت. در این صورت نیما چیزی جز یک صف خرید بی خاصیت که تنها ظاهر و پوسته بازار است، نخواهد بود و در واقع بازار ارز در جایی بیرون از حوزه اراده دولتی اداره می‌شود و که چندان شفاف نیست. از سوی دیگر راهکار تهاوت و مبادله با ارزهای دیگر که مشمول تحریم‌ها نیستند، نیز مشکلات خود را دارد، چراکه نخست گزینه‌های تجاری کشور را به شدت محدود و اقتصاد ملی را بیش از اندازه به کشورهای خاصی وابسته می‌کند که آسیب‌های مخصوص خود را در پی دارد. نکته دیگر اینکه چون کشورهایی که امکان تهاوت کالا با آنها وجود دارد بیشتر از کشورهای بیرون از جرگه جهان غرب هستند، با وجود حجم قابل توجه اقتصاد غرب و سهم بزرگی که در تولید جهانی دارند، باز هم امکان تامین کامل نیازهای اقتصادی کشور وجود نخواهد داشت و در اینجا نیز همان مساله مبادلات کشورهای جهان سوم مطرح است، زیرا محصولات صادراتی و نیازهای وارداتی این کشورها اغلب نه مکمل یکدیگر، بلکه با یکدیگر همسان هستند. به این ترتیب امکان اینکه کشوری از این گروه بتواند کالاهای تولیدی خود را در این مجموعه به فروش رسانده و در برابر، نیاز وارداتی خود را تامین کند، به شدت محدود خواهد شد. به بیان ساده‌تر همه این کشورها اغلب اقلام مشابهی برای فروش دارند و در سوی دیگر با نیازهای یکسانی نیز روبرو هستند که خود به خود مبادله را بی معنا خواهد کرد. این مشکل به ویژه در صناعی که مواد اولیه و تجهیزات مورد نیاز آنها نیازمند فن‌آوری‌های پیشرفته است، خود را به خوبی نشان می‌دهد که صنعت برق و صنایع و خدمات وابسته به آن نیز از همین دست هستند.

در واقع شاید مبادلات تجاری ایران با کشورهای غربی در شرایط کنونی و در مقایسه با چین، هند و روسیه از حجم قابل توجهی برخوردار نباشد، اما کیفیت این مبادلات و صورت کالاهای موجود در آن به ویژه در صنعت برق به گونه‌ای است که اهمیتی بسیار راهبردی داشته و با وارد کردن این ضریب در معادلات روشن خواهد شد که همین میزان کم از مبادلات ارزشی کم‌تراز مبادلات ایران با چین و روسیه ندارد و بدیهی است که این بخش از تجارت کشور همچنان به دلار وابسته و در نتیجه مشکل‌آفرین خواهد بود.

باید توجه داشت که واقع‌بینی نسبت به مشکلات بسیار حیاتی بوده و کوچک شمردن چالش‌ها و بزرگنمایی بیش از حد کارایی راه حل‌های موجود، سبب فروافتادن به بیراهه و افزایش شتاب سقوط اقتصاد و تولید خواهد شد. باید پذیرفت بخش بزرگ‌تر و بسیار مهم‌تر نیاز تجهیزات و مواد اولیه صنایع استراتژیک و راهبردی مانند صنعت برق از نظر کیفی هنوز از کشورهای غربی مانند آلمان و ایتالیا و انگلیس و با کشورهایی نظیر امارت که محصولات همین کشورها را به صورت واسطه‌ای به فروش می‌رساند، تامین می‌شود. در نتیجه عدم ثبات نرخ ارزهایی چون دلار و یورو و مشکل در تامین آنها همچنان بزرگ‌ترین مشکل صنایع کشور است و اقامه دلایلی چون مبادله و کشورهای بیرون از حوزه دلار و یورو و حمایت از صنایع داخلی و تامین همه این نیازها چیزی بیش از شعار یا پاک کردن صورت مساله نخواهد بود. در یک نگاه واقع‌بینانه باید پذیرفت که مشکل نوسان نرخ و کمبود ارز و راه حل آن چیزی فراتر از تحلیل‌های موجود کنونی در رسانه‌ها و نظرات برخی کارشناسان است و راهکارها و درخواست‌هایی همچون حمایت بیشتر دولت از تولیدکنندگان یا تخصیص ارز ارزان و تضمینی برای واردات کالاهای مورد نیاز نیز توسط حاکمیت نیز نخ‌نما شده است. واقعیت این است که دولت و بانک مرکزی دیگر توان چنین کاری را نداشته و کفگیر ذخایر ارزی در حال نزدیک شدن به ته دیگ است. نه تنها این دولت، بلکه دولت آینده نیز در این زمینه امکان انجام کار مفیدی نخواهد داشت.

در پایان باید گفت برای حل یک مشکل نخست باید آن را به عنوان یک مساله پذیرفت، چیزی که به نظر می‌رسد در مورد ارز و مبادله با غرب هنوز تثبیت نشده و عزمی نیز برای این کار در کشور وجود ندارد. اما بیرون رفتن هرچه سریع‌تر دولت از عرصه اقتصاد کشور و واگذاری کامل اقتصاد به بخش خصوصی یکی از پیش‌نیازهای اساسی حل مشکلات کنونی است که توضیح ارتباط آن با نوسان نرخ و کمبود ارز گزارشی جداگانه نیاز دارد و دیگر اینکه نوسان و کمبود ارز و نیاز به مبادله و تجارت با دنیای غرب نیز باید به عنوان یک مشکل و یک واقعیت پذیرفته شده و در جهت هضم و مدیریت آنها تلاش شود. ■

تحلیلگران اقتصادی معتقدند اقتصاد ایران با کاهش شدید درآمدها مواجه شده و این در حالی است که هزینه‌ها نمی‌تواند متناسب با آن کاهش پیدا کند. افزایش لحظه‌ای قیمت مواد اولیه متاثر از تغییر قیمت ارز، عدم انجام تعهدات مالی کارفرمایان صنعت برق و کسری سرمایه در گردش مهم‌ترین معضلات شرکت‌های خصوصی طی سال‌های جاری بوده است.

مهندس امیر فرز بود، رئیس هیات مدیره شرکت فراگستر بیستون به عنوان یکی از شرکت‌های برتر صادرکننده خدمات فنی مهندسی کشور، از کمبود نقدینگی و نوسانات قیمت‌ها به عنوان اصلی‌ترین چالش‌های فعالان صنعت برق یاد می‌کند و دشواری‌های سازندگان در تامین مواد اولیه را عاملی می‌داند که به این مشکلات دامن می‌زند. حاصل این گفت‌و‌را ذیلا می‌خوانید:

.....

صنعت برق در محاصره تحریم‌هاست

امیر فرز بود | رئیس هیات مدیره شرکت فراگستر بیستون

افزایش بی‌رویه و لحاجم گسیخته نرخ مواد اولیه به صورت لحظه‌ای موجب شده تا تامین مواد اولیه حتی به صورت کوتاه مدت هم برای شرکت‌ها میسر نباشد. در نتیجه شرکت‌ها باید به صورت روزانه به فکر تامین مواد اولیه خود باشند. افزایش نرخ ارزی یکی از عوامل اصلی افزایش قیمت مواد اولیه و کاهش موجودی آن است که باید برای آن تمهید جدی اندیشیده شود. کاهش مداوم موجودی مواد اولیه و افزایش مستمر قیمت آنها باعث شده بخش تولید در مسیری قرار گیرد که به‌زودی اغلب صنایع با بحران تامین مواد اولیه مواجه شوند.

انحصار در نهاده‌های تولید صنعتی قطعا یکی از معضلاتی ما در تامین مواد اولیه است. به عنوان مثال مواد اولیه مورد نیاز شرکت‌های دکل ساز، اسلب است. شرکت‌های تولیدکننده اسلب، شرکت‌های داخلی مانند فولاد مبارکه و فولاد خوزستان هستند و عملا مواد اولیه مورد نیاز واحدهای تولیدی دکل در انحصار این شرکت‌های فولادی است. این شرکت‌ها از سوی دولت حمایت‌های خوبی را دریافت می‌کنند. آنها بخش اعظم تولیدات خود را صادر می‌کنند و ارز مورد نیاز خود را از این طریق تامین می‌کنند و گاهی حتی مشاهده می‌شود که قیمت تمام شده محصولات صادر شده کمتر از قیمت ارائه شده در بازار داخلی است. با این وجود در این موضوع یعنی قیمت‌گذاری منطق و نظارتی وجود ندارد. صادرات مواد اولیه مورد نیاز تولیدکنندگان داخلی موجب بی‌ثباتی قیمت نهاده‌های تولید و بروز مشکل شده است. در حوزه صادرات خدمات فنی و مهندسی این مهم باعث افزایش هزینه‌های پروژه و در نهایت عدم توانایی رقابت شرکت‌های خصوصی با سایر کشور‌های مدعی این حوزه از جمله ترکیه که دارای حمایت‌های بسیار خوب دولتی است، می‌شود.

از دیدگاه شما مهمترین چالش‌های تولیدکنندگان صنعت برق در حوزه تامین مواد اولیه چیست؟

انحصار در تولید مواد اولیه، چه تاثیری بر بازار تامین آن دارد؟

چه مساله‌ای در عرضه مواد اولیه باعث حضور دلالتان در بازار شده است؟

در کنار مشکلات ذکر شده مشکل کمبود مواد اولیه هم بر بازار حاکم است. چه موضوعی باعث این کمبود در بازار تولید شده است؟

وضع ممنوعیت‌های تجاری مکرر چه تاثیری بر روی تامین مواد اولیه گذاشته است؟

پیش‌بینی شما در مورد ادامه روند حاکم بر بازار صنعت برق چیست؟

شرکت‌های تامین‌کننده مواد اولیه عمدتاً دولتی بوده و تغییرات ناگهانی شرایط فروش از حالت اعتباری به نقدی موجب شده تا سیاست اصلی یعنی فروش مواد اولیه مورد نیاز صنعت صرفاً به تولیدکننده، اجرا نشده و زمینه ورود دلالتان به بازار که فعالیت آنها غیرمرتبط با صنعت است، فراهم شود.

این امر موجب می‌شود شرکت‌های تولیدی، مواد اولیه را به جای تولیدکننده داخل از دلالتان با بهای گزاف‌تر تامین کنند. همه این عوامل در نهایت افزایش بهای تمام شده محصول تولیدی را به دنبال داشته و تاثیر مستقیمی بر اجرای پروژه‌های صنعت برق دارد و باعث به تعویق افتادن آنها می‌شود.

امروز واحدهای تولیدی به شدت با کمبود مواد اولیه مواجه‌اند و یکی از دلایل این موضوع عدم تخصیص ارز از طریق بانک مرکزی است. شرکت‌های تولیدکننده مواد اولیه به جای عرضه این مواد در بازار داخلی اقدام به صادرات آن می‌کنند و به نوعی این روش را برای تامین ارز مورد نیاز خود انتخاب کرده‌اند و صادرات را برای تامین نقدینگی و ارزش افزوده‌ای که دارد، در اولویت‌هایشان قرار داده‌اند.

این درحالی است که شرکت‌های صنعتی فعال در حوزه صادرات خدمات فنی و مهندسی بخش خصوصی، عمدتاً مجموعه‌هایی هستند که برخلاف صنایع بالادستی انرژی بر، سهم بسیار اندکی از یارانه‌های انرژی در تولیدات خود دارند. به علاوه آنها هم مانند همه بخش‌ها ناگزیرند علیرغم تحریم‌های موجود و هزینه‌های ایجاد شده برای انتقال پول به داخل کشور، ارز حاصل از صادرات را وارد کشور کرده و تعهدات خود را نسبت به بانک مرکزی انجام دهند.

یکی از مشکلات تجارت خارجی در کشور این تصور است که هیچ چیز را نباید وارد کرد، که عملاً چنین چیزی غیرممکن است. زیرا درصد قابل توجهی از کالاهای تولید داخل به واردات تجهیزات یا مواد اولیه وابسته هستند و یا حتی بسیاری از تولیدات داخل کیفیت لازم را برای کسب رضایت مشتری خارجی به عنوان مواد اولیه کالاهای ساخت داخل، ندارند. اقتصاد جهان به واردات وابسته است و این موضوع غیرقابل چشم‌پوشی است.

به عنوان مثال «سامانه بهین یاب» وزارت صمت مرجعی برای اختصاص سهمیه مواد اولیه تولیدکنندگان معرفی شد اما رفته رفته با به روز نشدن اطلاعات این سامانه مشکلات برای خرید مواد اولیه آغاز شد. هدف از راه‌اندازی سامانه بهین یاب اساساً تخصیص سهمیه مواد اولیه به تولیدکنندگان بر مبنای ظرفیت تولید آنها و به منظور تسهیل شرایط برای واحدهای تولیدی بوده است. اما عملکرد نامطلوب این سامانه موجب شده تولیدکننده واقعی برای جلوگیری از تعطیلی خطوط تولید ناچار به تامین مواد اولیه خود با قیمت‌های گزاف از واسطه‌ها شوند ادامه این دور باطل در نهایت منجر به تولید کالای نهایی با قیمت بالاتری می‌شود که مصرف‌کننده نهایی باید بهای آن را بپردازد.

متأسفانه تحریم‌های داخلی ناشی از اعمال سیاست‌های غیرکارشناسی، بخشنامه‌های صادره از سوی وزارت صمت و زیاده‌خواهی شرکت‌های تامین‌کننده مواد اولیه پایین‌دستی و میل اساسی بر احاطه بازار به مراتب مخرب و محدودکننده تراز تحریم‌های بین‌المللی است.

در این روند احتمال می‌دهیم شرکت‌های تولیدی کوچک که زیر صد نفر نیروی انسانی دارند، به هیچ وجه امکان ادامه فعالیت را نخواهند داشت و اما شرکت‌های بزرگی که بالای ۵۰۰ نفر نیروی انسانی دارند لازم است که هزینه‌های جاری را کاهش دهند، کاهش هزینه جاری یعنی تعدیل نیروی انسانی و این اصل به‌طور مسلم با شعار سال و تسهیل فضای کسب و کار مغایرت زیادی دارد. امروزه شرکت‌ها به‌منظور برون‌رفت از این بحران‌ها توان برنامه‌ریزی بلندمدت را نداشته و باید به صورت ساعتی و یا حتی لحظه‌به‌لحظه بتوانند تصمیمات درستی را اتخاذ کنند. ■

م
م
م

بجبران

قرارداد

قراردادهای صنعت برق در محاصره چالش‌های پرتعداد و عمدتاً عمیق و زیان‌باری هستند که هنوز هم به درستی برای عبور از آنها چاره‌اندیشی نشده است. کرونا، تورم، رکود، افزایش قیمت نهاده‌های تولید به ویژه ارز و تحریم‌ها تأثیراتی غیرقابل‌انکار بر هزینه‌های پروژه‌های زیرساختی صنعت برق داشته است. اما مشکل اینجاست که ساز و کار قراردادهای این صنعت به هیچ‌عنوان قابلیت و پتانسیل پوشش این سطح از تغییرات و هزینه‌های سرِبار را ندارد. البته این مساله در سال‌های گذشته هم وجود داشته اما به‌طور قطع در هیچ دوره‌ای اقتصاد ایران تا این حد دچار رکود مستمر نبوده، تورمش به بالای ۴۰ درصد نرسیده، نرخ ارز از مرز ۳۰ هزار تومان نگذشته و از همه مهم‌تر ایران تا این حد در فروش نفت و کسب درآمدهای ارزی گرفتاری نداشته است. حال به مجموع این مشکلات باید اپیدمی کووید ۱۹ را نیز افزود. قراردادهای صنعت برق امروز بیش از هر زمان دیگری در آستانه توقف و فسخ قرار دارند و این مساله مقدمه‌ای هولناک برای سقوط شرکت‌های فعال صنعت برق است. نگاه ویژه این شماره ستبران مروری برای چالش‌های صنعت برق و تأثیر آنها بر قراردادهای جاری این صنعت است:

صنعت برق کشور این روزها با چالش‌های عدیده‌ای مواجه است که از چرخه معیوب اقتصاد برق و نظام حقوقی و قراردادی یکجانبه نشأت می‌گیرند. در کنار این مسائل ساختاری، نوسانات نرخ ارز و شیوع ویروس کرونا نیز مشکلات زیرساختی‌ترین صنعت کشور را تشدید کرده است به‌طوری که بسیاری از قراردادهای بلندمدت و آینده‌اجرائی آنها روشن نیست. بدهی‌های میلیاردی شرکت‌های تابعه وزارت نیرو به بخش خصوصی نیز توان مالی این بخش را تضعیف کرده و آنها را به آستانه ورشکستگی کشانده است. گذر از این بحران‌ها بیش از تجویز تسکن‌های موقت، نیازمند بازنگری در قوانین و وضع قوانین جدید در صورت لزوم است. در گفتگو با «مصطفی رجبی‌مشهدی»، سخنگوی صنعت برق و معاون برنامه‌ریزی و امور اقتصادی شرکت توانیر، درباره سهم‌خواهی صنعت برق از مجلس یازدهم به گفتگو نشسته‌ایم تا ببینیم حل کدام یک از مسائل صنعت برق قابل پیگیری از مجلس شورای اسلامی است. مشروح گفتگورا در ادامه می‌خوانید:

- ۱. چرا صنعت برق کشور با چالش‌های عدیده‌ای مواجه است؟
- ۲. نوسانات نرخ ارز و شیوع ویروس کرونا چه تأثیری بر صنعت برق دارد؟
- ۳. بدهی‌های میلیاردی شرکت‌های تابعه وزارت نیرو به بخش خصوصی، تأثیرات منفی دارد؟
- ۴. آیا صنعت برق می‌تواند به کارفرمایان، آیا صنعت برق می‌تواند به این شرایط پاسخ دهد؟
- ۵. نقش سندیکای صنعت برق به عنوان نماینده فعالان صنعت برق کشور را در پیگیری موضوعات مربوط به صنعت برق چگونه ارزیابی می‌کنید؟
- ۶. چرا صنعت برق کشور با چالش‌های عدیده‌ای مواجه است؟
- ۷. نوسانات نرخ ارز و شیوع ویروس کرونا چه تأثیری بر صنعت برق دارد؟
- ۸. بدهی‌های میلیاردی شرکت‌های تابعه وزارت نیرو به بخش خصوصی، تأثیرات منفی دارد؟
- ۹. آیا صنعت برق می‌تواند به کارفرمایان، آیا صنعت برق می‌تواند به این شرایط پاسخ دهد؟
- ۱۰. نقش سندیکای صنعت برق به عنوان نماینده فعالان صنعت برق کشور را در پیگیری موضوعات مربوط به صنعت برق چگونه ارزیابی می‌کنید؟

نگران آینده قراردادهای صنعت برق

مصطفی‌رجبی‌مشهدی | معاون برنامه‌ریزی و امور اقتصادی شرکت توانیر



توقف قراردادهای و مطالبات میلیاردی از مهمترین مشکلات فعالان صنعت برق هستند. تاکنون چه اقداماتی در این خصوص انجام شده و با روی کار آمدن مجلس یازدهم چه برنامه‌ای برای پیگیری مشکلات این صنعت از طریق مجلس وجود دارد؟

اقتصاد صنعت برق و مطالبات از محورهای استراتژیک و اساسی صنعت برق هستند. تمام تلاش ما بر پرداخت مطالبات تولیدکنندگان برق و پیمانکاران است، اما متأسفانه شکاف بین قیمت تمام شده و قیمت تکلیفی هرساله منجر به کسری بودجه صنعت برق می‌شود. ما در حال حاضر بیش از ۳ هزار میلیارد تومان از سازمان هدفمندی طلب داریم، در هیچ دوره‌ای میزان مطالبات صنعت برق از سازمان به این میزان نبوده است. علیرغم اینکه در قانون تصریح شده که منابع حاصل از هدفمندی باید بلافاصله بعد از واریز خزانه، ۱۰۰ درصد در اختیار صنعت برق قرار بگیرد، اما متأسفانه این قانون اجرایی نمی‌شود. با این شرایط نه تنها پرداخت حقوق کارکنان وزارت نیرو و شرکت‌های تابعه با مشکل مواجه شده، بلکه پیشرفت پروژه‌هایی هم که برای عبور از پیک سال آینده اهمیت دارند، متوقف

از دیدگاه شما اصلی‌ترین راهکارهای صنعت برق برای عبور از این شرایط بحرانی چیست؟

در شرایط حاضر و با توجه به نوسان شدید نرخ ارز، تعدیل در قراردادهای برپایه قرارداد تیپ چقدر موثر است و با توجه به ابلاغ این قراردادها در گذشته و عدم تمکین از سوی کارفرمایان، آیا صنعت برق می‌تواند به این قراردادها امیدوار باشد؟

نقش سندیکای صنعت برق به عنوان نماینده فعالان صنعت برق کشور را در پیگیری موضوعات مربوط به صنعت برق چگونه ارزیابی می‌کنید؟

مانده است که این مساله بسیار نگران‌کننده است و هرچه زودتر باید برای آن چاره‌ای اندیشید. یکی از راهکارهای میان مدتی که با پیشنهاد وزارت نیرو در دستور کار هیات دولت نیز قرار گرفته، تعیین قیمت برق در بورس است. با این روش، سازوکار عرضه و تقاضای برق و تعادل بین این دواز طریق بورس برق انجام می‌شود. در طرح وزارت نیرو پیشنهاد شده که مشترکانی که متقاضی برق بیشتر از ۵ مگاوات هستند، برق مورد نیاز خود را از طریق بورس تهیه کنند. در این روش چون پرداخت به صورت نقدی انجام می‌شود، درآمد حاصل از مبادلات مالی به رونق فعالیت تولیدکنندگان و پیمانکاران کمک بزرگی خواهد کرد.

افزایش هزینه‌های سرمایه‌گذاری ناشی از افزایش قیمت ارز و فلزات در صنعت برق کشور یکی دیگر از معضلات این صنعت است. با نوسانات نرخ ارز و فلزات، پروژه‌های این صنعت به سختی پیش می‌روند چرا که سازوکارهای تعدیل در بسیاری از موارد پاسخگو نیست. در این خصوص ما در حال رایزنی با سازمان برنامه و بودجه هستیم تا بتوانیم چارچوب خوبی برای تعیین تکلیف قراردادهای موجود ایجاد کنیم.

بدون تردید تعیین تکلیف قراردادهای، چاره اندیشی برای قیمت گذاری منطقی برق و همچنین پرداخت مطالبات بخش خصوصی از محل اعتبارات دولت و وزارت نیرو مهمترین راهکارها محسوب می‌شوند. البته مدیریت مصرف هم یکی از حوزه‌هایی است که نباید از آن غافل شد و همانند گذشته باید به صورت جدی پیگیری شود. طرح‌های تشویقی صنعت کشاورزی و مشترکان خانگی از گذشته بوده و ادامه دارد. اما برای سال ۱۴۰۰ چند طرح جدید در دستور کار داریم تا در زمان پیک مصرف برق اجرایی شود. در یکی از این طرح‌ها مبنای افزایش تعرفه مصرف برق در ۵۰۰ ساعت اوج مصرف در سال است که در صورت اجرا شدن و مهار کردن مصرف در ساعات پیک، عبور از پیک به مشکل نخواهد خورد.

مورد دوم طرح برق امید است، در این طرح مشترکان خانگی اولویت دارند که با تقسیم‌بندی آنها به سه دسته کم مصرف، پرمصرف و خوش مصرف به دنبال صرفه جویی هستیم. اجرای این طرح کاهش مصرف در ساعات اوج مصرف را به دنبال داشته و منجر به کاهش مصرف انرژی و امکان عرضه برق از سمت غیرمولد به مولد خواهد شد. در کنار اینها مصوبه هیات تنظیم بازار برق ایران درباره افزایش ۳۵ درصدی قیمت خرید برق از نیروگاه‌هایی که بتوانند ۴ ماهه وارد مدار شوند و در روند گذر از پیک موثر باشند، نیز نقش خوبی در تامین برق روزهای اوج مصرف خواهد داشت.

طبق تبصره ۱۴ و به دلیل مضيقه مالی که امروز در اقتصاد کشور وجود دارد، ممکن است سازمان هدفمندی منابع صنعت برق را بلوکه کرده و آن را برای اولویت‌های دیگری هزینه کند لذا ما در تلاش هستیم صنعت برق را از این تبصره معاف کنیم چرا که در صورت اعمال این تبصره بر صنعت برق، پیمانکاران، تولیدکنندگان و کارکنان مادر فشار مضاعف قرار می‌گیرند. در این شرایط بهترین کمک مجلس شورای اسلامی به صنعت برق، معاف کردن صنعت برق از تبصره ۱۴ خواهد بود.

ما از هر قراردادی که منجر به پیشبرد بهتر پروژه‌ها و طرح‌های صنعت برق شود، استقبال می‌کنیم و اذعان داریم که تمکین به این نوع قراردادهای باید دوطرفه باشد، در واقع قرارداد مشترکی که هم پیمانکار و هم کارفرما در اجرای آن همکاری داشته باشند.

خوشبختانه سندیکا در پیگیری مسائل مربوط به صنعت برق بر موضوعات استراتژیک و اساسی متمرکز شده است. نقش این تشکل در پیگیری امور بسیار موثر بوده و خوشبختانه در این دو سه سال اخیر، رابطه تعاملی بسیار خوبی بین ما و سندیکا شکل گرفته است که جای دارد از تیم حرفه‌ای این تشکل تشکر و قدردانی کنم. ■

ایجاد همدلی و یکدستی در تصمیم‌گیری‌ها بین نهادهای و حوزه‌های مختلف یک کام حقیقی به سوی حل مساله است. اگر توانیر و شرکت‌های تابعه و زیرمجموعه وزارت نیرو، نهادهای نظارتی نظیر سازمان رازرسی و دیوان عدالت اداری را نسبت به عوارض و پیامدهای نوسانات شدید قیمت ارز و مواد اولیه برای قراردادهای صنعت برق آگاه کرده و خطرات ناشی از توقف این قراردادها برای کشور را به درستی روشن کنند، بی‌گمان می‌توان نسبت به ایجاد این همدلی امیدهای بیشتری داشت.

عبور از بحران کنونی اقتصادی کشور بدون همکاری و برخورد متناسب از سوی کارفرمایان و دستگاه‌های نظارتی ممکن نخواهد بود؛ لذا ضروری و حیاتی است که وزارت نیرو و شرکت توانیر در دوره کوتاه مدت تنفس قراردادهای تازه به سرانجام رسیدن مدیریت نرخ ارز از سوی بانک مرکزی، بازگشت آرامش نسبی به بازار، نسبت به تدوین مدلی مناسب برای اولویت‌بندی قراردادهای تصمیم‌گیری نهایی و قابل اجرا برای آن‌ها اقدام کرده و از هرگونه اقدام قراردادی توسط شرکت‌های تابعه و زیرمجموعه خود جلوگیری کنند.

صنایع زیرساختی در حوزه‌های انرژی و احداث تا پیش از این‌که کرونا همه معادلات را برهم ببرد، قیمت نفت سقوط کند و تجارت خارجی عملادر سایه تحریم‌ها به تعطیلی کشیده شود، نیز گرفتاری‌های بسیاری داشت که رکود و کمبود نقدینگی مهم‌ترین آن‌ها بود. البته در صنعت برق، معضلی حل نشده به نام قراردادهای بلاتکلیف از ادوار قبلی افزایش نرخ ارز باقی‌مانده که باید به این فهرست افزوده شود.

به هر حال در متن یک رکود تورمی با کارفرمایان بدهکار و فقدان نقدینگی که پروژه‌های زیرساختی مهم و گاه‌غیراولویت دار پرترددی دارند، کرونا به تمام مشکلات دامن زد. با شیوع ویروس کووید ۱۹ دولت بخش قابل توجهی از نقدینگی در اختیار خود را به بسته‌های حمایتی کرونایی تخصیص داد تا فعالان صنعتی امیدهای کم‌رنگ خود برای ایجاد گشایش‌های جدید در سال ۹۹ را به طور کامل از دست بدهند.

این در حالیست که در وضعیت فعلی کشور و محدودیت‌های داخلی و بین‌المللی که عملاً کشور را درگیر یک جنگ تمام عیار اقتصادی کرده است، ادامه پروژه‌های زیرساختی صنعت برق عملاً غیرممکن است. به همین دلیل بخش خصوصی برای اثبات شرایط بحرانی قراردادهای صنعت برق تلاش‌ها و پیگیری‌های گسترده‌ای داشت. در نهایت پس از پیگیری‌های بسیار بخش خصوصی، وزارت نیرو و شرکت توانیر برای کنترل موج پرشتاب بحران‌ها در صنعت برق و جلوگیری از گسترش ابعاد قراردادهای بلا تکلیف، از شهریورماه تنفسی سه ماهه برای آن‌ها اعلام کرده است.

واقعیت این است که با افزایش جهش وار و تلاطمات شدید نرخ ارز، فلزات و مواد اولیه در سال ۱۳۹۹ که افزایش بی سابقه ای داشته اند، قراردادهای صنعت برق با شرایطی کاملاً مشابه سال ۹۷ شده و تعادل اولیه خود را به

[illegible][illegible]

بار سنگین ریسک‌ها و هزینه‌های ناشی از التهابات فضای کسب و کار و نوسانات قیمت‌ها پر دوش آنها از دگرسو، ناتوان از ادامه قراردادهای در دست اجرا می‌باشند که محصول این امر چیزی نیست جز فسخ قراردادهای و ضبط ضمانت‌نامه‌های قراردادی توسط کارفرمایان.

عواقب این روند به ویژه در خصوص ضبط ضمانت‌نامه‌ها برای فعالان صنعت برق بسیار گسترده و فراگیر بوده و در سیستم بانکی مشکلات جدی اعتباری برای آنها ایجاد نموده ضمن اینکه آسیب‌های گاهاً جبران‌ناپذیر به جریان نقدینگی و سرمایه در گردش بنگاه‌های اقتصادی صنعت برق ناشی از برداشت رقم قابل توجهی از دارایی‌های آنها در قالب ضبط ضمانت‌نامه‌های بانکی وارد آورده است.

نکته حائز اهمیت که باید مد نظر قرار گیرد این است که ابلاغ بخشنامه‌های جبرانی نوسانات نرخ ارز به منظور پوشش هزینه‌های ناشی از افزایش قیمت‌ها به ویژه در قراردادهای فاقد تعدیل توسط سازمان برنامه و بودجه کشور هم به دلیل عدم پوشش کامل و فقدان منابع مالی کافی برای جبران خسارات وارده، عملاً از کارایی لازم برخوردار نبود و منجر به رفع معضل قراردادهای متوقف در صنعت برق نگردید.

البته به زعم فعالین بخش خصوصی برای این مشکل راهکارهای مشخصی وجود دارد که اثربخشی آنها به میزان اهتمام و جدیت وزارت نیرو بستگی دارد. مهمترین گام مستلزم دسته‌بندی قراردادهای بر اساس درجه اهمیت، تامین مالی و جبران خسارات قراردادهای دارای اولویت و در ادامه خاتمه قراردادهایی است که در اولویت پروژه‌های صنعت برق قرار ندارند و بالطبع خاتمه قراردادهای بالاتکلیفی که مدت‌هاست فاقد اولویت‌های اجرایی هستند عنصر کلیدی در اثربخشی این اقدام محسوب می‌شود و قدم مؤثر بعد، ابلاغ و نظارت بر حسن اجرای قرارداد تیپ مورد توافق همه ذینفعان به منظور سامان‌دهی ساختار حقوقی و قراردادی صنعت برق و ایجاد وحدت رویه به منظور پرهیز از اعمال سلاقی قراردادی در دستگاه‌های تابعه وزارت نیرو خواهد بود. تسریع در پرداخت مطالبات و جبران تاخیر تادیه قراردادی، در نظر گرفتن میان‌پرداخت جهت پشتیبانی از جریان نقدینگی پروژه، تمدید زمان قرارداد متناسب با منابع مالی قابل‌تامین، تبدیل روش پرداخت از اوراق به وجه نقد و یا جبران نرخ تنزیل اوراق در کنار موارد صدرالاشاره راهگشا خواهند بود مضافاً اینکه تعریف پروژه‌های جدید با پشتوانه مالی مشخص و تغییر برند تجهیزات خارجی غیرقابل‌تامین ناشی از تحریم به برندهای مشابه داخلی قطعاً در این مسیر کارساز هستند.

واقع امر این است که عبور از شرایط کنونی در گرو حرکت جمعی و عزم و همدلی تمام اعضا خانواده صنعت برق اعم از وزارت نیرو، دستگاه‌های تابعه و بخش خصوصی می‌باشد همانطور که محصول این وفای و انسجام در گذشته، دستاوردهای معتنا به و برجسته این صنعت پویا و پیشرو در اقتصاد کشور بوده است. ■

در طول قریب به یک دهه اخیر برخی از چالش‌ها در صنعت برق به شکلی مستمر تکرار شده‌اند که یکی از مهمترین آنها توقف و بالاتکلیفی پروژه‌های این صنعت به دلیل افزایش نرخ ارز و بالا رفتن قیمت مواد اولیه و سایر نهادهای تولید و در عین حال فقدان منابع مالی دولت و وزارت نیرو برای جبران خسارات وارده بوده است.

در حقیقت وقتی مطالبات بنگاه‌های اقتصادی صنعت برق از شرکت‌های تابعه وزارت نیرو معوق مانده و ارزش پول ملی در حال کاهش و تورم رو به افزایش است و در کنار آن عمده شرکت‌ها تحت تأثیر معضلات «رکود»، «تحریم» و «نوسانات نرخ ارز» دچار آسیب‌های جدی شده‌اند، ادامه پروژه‌ها بسیار دشوار و گاهاً حتی ناممکن است به ویژه آنکه دولت به دلیل کاهش درآمدهای پیش‌بینی شده در بودجه و کمبود نقدینگی، در تسویه بدهی‌های خود به بخش خصوصی هم توفیق چندانی نداشته و این امر تنها محدود به پرداخت‌های مقطعی بوده است.

واقع مطلب اینکه توقف قراردادهای ناشی از رشد فزاینده قیمت‌ها در هیاهوی التهابات غیرقابل‌پیش‌بینی بازار و قراردادهای یک سویه دستگاه‌های تابعه وزارت نیرو چندان دور از ذهن نیست. البته ذکر این نکته ضروری است که مشکلات موجود در نظام حقوقی و قراردادی صنعت برق قدمتی چندین ساله دارد لیکن کمبود جدی منابع مالی ناشی از اقتصاد ناتراز صنعت برق همراه با افزایش چشم‌گیر قیمت ارز، ابعاد گسترده‌ای از ساختار پرچالش حقوقی و قراردادی صنعت برق را به تصویر کشید.

تا پیش از اینکه اقتصاد ایران با کاهش درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت روبه‌رو شود، دولت از منابع مالی لازم برای جبران هزینه‌های سربار پروژه‌های زیرساختی صنعت برق برخوردار بود لیکن با افزایش عمق تحریم‌ها و مواجهه با کسری نقدینگی، عملاً ریسک‌های ناشی از آشفتگی فضای کسب و کار در ساختار ناکارآمد حقوقی و قراردادی صنعت برق لاجرم به شرکت‌های طرف قرارداد تحمیل شد و به این ترتیب این شرکت‌ها متحمل زیان‌های جبران‌ناپذیری از محل افزایش قیمت ارز، فلزات، نهادهای تولید و مواد اولیه شدند و عدم پیش‌بینی یک سیستم کارآمد برای جبران این هزینه‌های مازاد، بالاتکلیفی و توقف بسیاری از قراردادهای صنعت برق را به دنبال داشت.

شایان ذکر اینکه تا پیش از این شرایط، وزارت نیرو و شرکت‌های توانیر با تکیه بر منابع مالی و استفاده از اختیارات داخلی نسبت به تدوین دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌هایی برای جبران خسارات ناشی از نوسانات نرخ فلزات و ارز و ایضاً جبران تاخیر در تادیه مطالبات که گاهاً در محیط کسب و کار رخ می‌داد و عمدتاً خارج از عهده و کنترل بنگاه‌های اقتصادی بود، اقدام می‌نمودند که البته بسیار راهگشا بود لیکن به دلیل محدودیت‌هایی که پیش‌تر ذکر شد امروز شاهد چنین اقداماتی نیستیم که‌الینکه شرایط امروز صنعت برق نیز با گذشته قابل‌قیاس نیست به گونه‌ای که بسیاری از بنگاه‌های اقتصادی به دلیل افزایش قیمت‌ها از یک سو و بحاله

درتله راهکارهای قراردادی بی‌پولی



پیام‌بازی

نایب‌رئیس هیات‌مدیره سندیکای صنعت برق ایران

جبران ضرر بانرخ ۱۳۵۶

لزوم اصلاح تبصره ۸۰ قانون بودجه

مهدی مسائلی | عضو هیات مدیره سندیکای صنعت برق ایران

ضرر و زیان در شرکت‌ها براساس ادبیات مدیریت مالی نشان دهنده عملکرد آن شرکت بوده و فقدان سود یا همان ضرر براساس تحلیل صورت های مالی و یا قانون تجارت در نهایت می تواند موجبات توقف یک شرکت و انحلال آن را به دنبال داشته باشد. رفع چالش ضرر و زیان آنقدر مهم بوده و هست که برای جبران آن حتی در قوانین مجلس و دستورالعمل های سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور تمهیداتی خاص یا پیش بینی شده و یا لازم است پیش بینی شود. از جمله این آنها می توان به بخشنامه شماره ۱۳۰۰/۵۲/۵۱۸۸-۱ مورخ ۱۳۶۱/۴/۸ و بخشنامه شماره ۵۹۰/۵۴/۱۱۰۸۲-۱ مورخ ۱۳۶۰/۹/۲ و همچنین سری دستورالعمل های جبران آثار افزایش نرخ ارز که آخرین ویرایش آن در ۱۳۹۹/۶/۲۶ به شماره ۹۹/۳۳۰۲۲۰ توسط سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور ابلاغ شده است.

اما تنها ماده قانونی موجود برای جبران ضرر و زیان در قراردادهای دولتی، تبصره ۸۰ قانون بودجه سال ۱۳۵۶ است که در تاریخ دوازدهم اسفند ماه ۱۳۵۸ مورد اصلاحات شکلی قرار گرفته است. براساس این تبصره وظایف شورای عالی فنی مشخص و برای تجدید نظر در نرخ پیمان ها وفق بند «ج» وظایف شورای عالی فنی شرایط زیر تبیین شده است:

«**بند ج.** تجدید نظر در نرخ پیمان ها در صورت وجود توجیه کافی، مشروط بر آن که در قالب قرارداد و ضوابط مربوط پیش بینی لازم برای جزییات جبران هزینه و خسارات مورد بحث نشده باشد.

تبصره ۱. در مورد پیمان های مربوط به طرح های عمرانی منطقه ای و خاص ناحیه ای، در صورتی که بار مالی ناشی از تجدید نظر در قیمت ها از ۲۰ درصد مبلغ اولیه پیمان و حداکثر از مبلغ ده میلیون ریال تجاوز ننماید، اختیارات شورای عالی فنی با شورای فنی استان که اعضای آن بعداً اعلام می گردد.

تبصره ۲. در مورد پیمان های مربوط به طرح های عمرانی کشوری اختیارات فوق الذکر در صورتی که بار مالی ناشی از تجدید نظر در قیمت ها از ۱۵ درصد مبلغ اولیه پیمان و حداکثر از مبلغ پنجاه میلیون ریال تجاوز ننماید، با وزیر یا رییس دستگاه اجرایی و بیش از پنجاه میلیون ریال تا یکصد و پنجاه میلیون ریال مشروط بر آن که از ۱۰ درصد مبلغ اولیه پیمان تجاوز ننماید با وزیر یا رییس دستگاه اجرایی و تأیید وزیر مشاور و رییس سازمان برنامه و بودجه خواهد بود.»

همانطور که ملاحظه می شود در تبصره ۸۰ فعلی محدودیت مبالغ و درصد تجدید نظر با وضعیت روز اقتصاد ایران و در شرایطی قیمت ارز که طی دوران دولت های نهم و دهم سه برابر و در دوران دولت های یازدهم و تا امروز ده برابر شده است و هیچگونه ثباتی در اقتصاد در ابعاد داخلی و بین الملل، وجود ندارد؛ انطباق و همخوانی ندارد. لذا با توجه به بی ثباتی ها و بحران های موجود به نظرمی رسد الزامی است که این تبصره اصلاح و به روزرسانی شود.

اگر وظایف مدیریت شرکت های بخش خصوصی را برنامه ریزی، هماهنگ سازی و فرماندهی بدانیم، قطعاً در شرایط فعلی اقتصاد ایران در هیچ یک از حوزه های داخلی و خارجی، با وجود بی ثباتی های کنونی، کمبود شدید سرمایه در گردش و انباشت مطالباتی که زمان پرداختشان کاملاً نامعلوم است، عملاً انجام وظایف مدیریتی شرکت ها نه تنها دشوار بلکه ناممکن است.

۴.

با توجه به محدودیت های مالی دولت و به دنبال آن دستگاه های اجرایی و نظر به مکانیزم نقدی بازار (به دلیل عدم اعتماد به فردا ناشی از عدم ثبات اقتصادی) مقتضی است طرح هدفمندی نقدینگی در دولت تعریف و اجرایی شده و براین اساس نقدینگی به سمت قراردادهایی هدایت شود، که امکان اتمام آن در یکسال پیش رو از آغاز این طرح فراهم است و سایر قراردادهای (ترجیحاً با پیشرفت زیر ۵۰ درصد) به سمت خاتمه و تعیین تکلیف هدایت شوند (هیأت وزیران، سازمان مدیریت و برنامه ریزی)

۵.

لازم به یادآوری است که دستگاه های اجرایی بیشتر از بودجه قابل تحقق و بدون توجه به میزان بدهی خود اقدام به تعریف قرارداد و ایجاد پروژه می کنند و این رویکرد، عدم وصول مطالبات بخش خصوصی را به دنبال داشته است فلذا مقتضی است برای جلوگیری از ازدیاد بدهی ها، مدیریت قراردادهای جاری در دستور کار سه قوه قرار گیرد.

۶.

برای قراردادهایی که در بند ۴ (بند فوق) جای می گیرند، دستورالعمل های جبرانی تهیه و ابلاغ شود.
(سازمان مدیریت و برنامه ریزی)

۷.

برای جلوگیری از چنین مشکلاتی در آینده شرایط عمومی پیمان (نشریه های ۴۳۱۱ - ۵۴۹۰ مربوط به پیمانکاران و ۴۳۱۸ مربوط به مشاوران) متناسب با شرایط اصلاح و ابلاغ شود.
(سازمان مدیریت و برنامه ریزی)

۸.

تیپ سازی قراردادهای به ویژه در بخش خرید کالا وفق ماده ۲۳ قانون بهبود کسب و کار عملیاتی شود.
(سازمان مدیریت و برنامه ریزی و دستگاه های اجرایی و اتاق بازرگانی)

هدف اصلی بنگاه ها، حفظ و افزایش ثروت سهامداران است و ارزش آفرینی برای بنگاه ها تنها راه نیل به این هدف تلقی می شود. بنابراین، خلق سود و یا ارزش افزوده اقتصادی را که باعث افزایش ارزش سهام در بازار و بهبود ثروت سهامداران می شود، می توان عامل ارزش آفرینی بنگاهها تلقی کرد. تلاطمات اقتصادی کشور که مهمترین شاخصه آن سقوط ارزش پول ملی و از دست رفتن سرمایه اجتماعی و اعتماد در بازار است، موجبات مغفول ماندن هدف اصلی بنگاه های طرف قرارداد با دولت را فراهم آورده است به نحوی که جای سود را ضرر و جای ارزش آفرینی و کار آفرینی را تلاش، برای بقا و تبدیل مرگ به مردن گرفته است! امروزه مدیریت بنگاه های خصوصی طرف قرارداد با دولت تبدیل به مدیریت بحران شده، بحران هایی که در ایجاد آنها بخش خصوصی دخالتی نداشته، ولی آثار مخرب آنها دامن گیر بخش خصوصی شده است.

القصد امید است مجلس شورای اسلامی وقوه قضاییه که هر دو فعلاً تازه نفس هستند به کمک دولتی که ماه های پایانی تصدی خود را سپری می کند و ظاهراً هم به نفس نفس افتاده است، بشتابند و اجازه ندهند در بخش خصوصی روحیه کارآفرینی از بین برود و کار با دولت به جای دیروز به سوخت و سوز تبدیل شود. راهکارهایی با مسوولین مربوطه در این مجال پیشنهاد شدند و شاید یکی از گام های نخستین با اصلاح تبصره ۸۰ قانون بودجه بتواند کمکی در کنار تغییر رویکرد نهادهای نظارتی محسوب گردد.

به امید آن روز... ■

به علاوه وضعیت بی پولی شرکت های دولتی به عنوان کارفرمای عمده پروژه های صنعت برق، تلاطمات لجام گسیخته نرخ ارز که بر تمام ارکان زندگی مردم و فعالین اقتصادی طرف قرارداد با دولت که وفق ماده ۲ قانون حداکثر استفاده از توان داخلی، شرکت های ایرانی هستند، اثر گذاشته است؛ به گونه ای که امکان و ابتکار تصمیم گیری را از بخش خصوصی به ویژه گروهی که در قالب قراردادهای B۲G فعالیت می کنند، ربوده است. لذا حل این مساله توافق سران سه قوه را برای تعیین تکلیف قراردادهای با دستگاه های اجرایی کشور، سازمان ها و نهادهای عمومی و دولتی می طلبد.

اقتصاد ایران با همراهی کرونا و مباحث تحریم های داخلی و خارجی به مثابه کلاف سردرگمی شده است که نیازمند تدبیر حکومت و حاکمیت است.

ورود نهادهای نظارتی مانند سازمان بازرسی (به عنوان نماینده قوه قضاییه)، دیوان محاسبات (به عنوان نماینده مجلس شورای اسلامی) و وزارت نیرو برای حل این مساله می تواند کارساز واقع شود. همچنین با عنایت به عدم هماهنگی در داخل دستگاه های اجرایی که عمدتاً از عدم همسویی امور حراست، ذیحسابی، فنی و اجرایی شرکت های کارفرمایی دولتی و نیمه دولتی ناشی می شود، شاید بهتر باشد که در سلسله اقدامات جهادی متناسب با اقتصاد مقاومتی و در راستای کمک به جهش تولید کالا و خدمات داخلی اقدامات زیر به عنوان راهکار برون رفت از این شرایط در حوزه قراردادهای پیمانکاری (وفق ماده ۱ دستورالعمل ۹۹/۳۳۰۲۲۰ مورخ ۹۹/۶/۲۶) مورد توجه قرار گیرند:

۱.

تسریع در اصلاح قوانین مرتبط با حوزه قراردادهای و پیمان ها به ویژه اصلاح تبصره ۸۰ بودجه
(مجلس شورای اسلامی)

۲.

توافقنامه سران سه قوه به گونه ای که ورود نهادهای نظارتی (سازمان بازرسی و دیوان محاسبات) در قراردادهای جاری برای یک سال آینده محدود شود.
(سه قوه)

۳.

استفاده از ماده فورس ماژور (بدون آثار آن) در قراردادهای برای تمدید مجاز قراردادهای و یا خاتمه دادن به آنها
(سازمان مدیریت و برنامه ریزی و وزارتخانه ها و شرکت های مادر تخصصی)

اجماع بخش خصوصی، شاه‌کلید حل بحران قراردادهای

قراردادهای صنعت برق سال‌هاست با نوسانات و مشکلات عدیده بسیاری مواجهند، امروز اما شالوده مخربی از مطالبات معوق، کسری بودجه، رکود، نوسانات و التهابات بی‌سابقه قیمت ارز و مواد اولیه و همچنین اپیدمی کووید ۱۹، شرایط قراردادهای این صنعت را بغرنج‌تر از هر زمان دیگری کرده است. نبود یک ساختار حقوقی قوام یافته به منظور توزیع و پوشش ریسک‌ها، هزینه‌ها و زیان‌های افزوده ایجاد شده که در غالب موارد از کنترل و مدیریت شرکت‌های سازنده و پیمانکار خارج هستند، یکی از مهمترین چالش‌هایی است که به مشکلات یاد شده دامن می‌زند.

در حقیقت نبود چنین ساختاری، کلیه هزینه‌ها و زیان‌های انباشته ناشی از فضای نامساعد کسب و کار و اقتصاد کشور را به بخش خصوصی تحمیل می‌کند. در این میان مهندس متین جنتیان، مدیرعامل شرکت پیمابرق براین باور است که صنعت برق آنقدر به ظرفیت‌های قابل توجه داخلی‌اش متکی است که تنها در صورت پرداخت مطالبات چهار هزار میلیارد تومانی وزارت نیرو از سازمان هدفمندی و تامین نقدینگی مورد نیاز برای این صنعت، قادر است خود را از مهلکه بحران برهاند.

حاصل مصاحبه مکتوب ما را با مدیرعامل شرکت پیمابرق می‌خوانید:



متین جنتیان | مدیرعامل شرکت پیمابرق

در حال حاضر صنعت برق با چالش‌های متعددی در قراردادهای صنعت برق مواجه است، از دیدگاه شما مهمترین دلایل ایجاد این چالش‌ها چیست و بخش خصوصی برای مواجهه با این مسائل چه راهکارهایی پیش رو دارد؟

شرایط بی‌ثبات اقتصادی در کشور، بی‌ثباتی نرخ ارز و افزایش قیمت فلزات سال‌های متمادی است که اجرای قراردادهای صنعت برق را با چالش مواجه کرده و از انتهای سال گذشته شیوع کووید ۱۹ نیز عامل دیگری بود که به دغدغه‌ها دامن زده و شرایط جدیدی را ایجاد کرده است. این عوامل هزینه‌های زیادی را به پیمانکاران و تولیدکنندگان این صنعت تحمیل کرده است و بسیاری از قراردادها تعلیق یا متوقف شده‌اند، اما به عقیده من مهمترین چالش فعلی عدم پرداخت مطالبات چهار هزار میلیاردی صنعت برق از سوی سازمان هدفمندی یارانه‌ها است. همکاران محترم در صنعت برق در صورتی که بتوانند حداقل مدیریت جریان نقدینگی داشته باشند، قادر خواهند بود با استفاده از تدابیر مدیریتی و تجربی خود بخشی از ریسک‌های ناشی از این چالش را کاهش دهند.

با توجه به نیاز شبکه به افزایش ظرفیت و نگهداری تاسیسات موجود ادامه روند فعلی قطعاً روزهای سخت‌تری را برای صنعت برق رقم خواهد زد. به عقیده من پیگیری همه‌جانبه از سوی نهادهای صنفی و حاکمیتی جهت بازپرداخت مطالبات و کسب استقلال مالی مجدد شرکت‌های برق منطقه‌ای ابتدایی‌ترین گام در این خصوص است.

اصلی‌ترین اقداماتی که باید به منظور مدیریت اقتصادی و بازگانی قراردادهایی که به دلیل نوسانات نرخ ارز و فلزات دچار مشکل شده‌اند، در دستور کار توانیر و وزارت نیرو قرار گیرد چیست؟

به نظر شما تدوین و پیاده‌سازی قرارداد تیپ چطور از تکرار مشکلات قراردادهای صنعت برق جلوگیری خواهد کرد؟ در یک قرارداد تیپ مطلوب که منافع کارفرما و پیمانکار/سازنده را در خود جای داده باشد، باید چه مواردی پیش‌بینی شود؟

علاوه بر مشکلاتی که صنعت برق از گذشته با آنها دست به گریبان است، امروز شیوع ویروس کرونا بر این مشکلات شدت بخشیده و بخش خصوصی معتقد است که شرایط فورس ماژور بر قراردادهای حاکم شده است. چگونه می‌توان هزینه‌های ناشی از شیوع بیماری کرونا را در قراردادهای مدیریت کرد؟

نقش سندیکا در حل و فصل مساله قراردادهای را چطور ارزیابی می‌کنید؟

همواره سیاست‌گذاری و فراهم آوردن سیستم‌ها و روندهایی مدون که قابلیت به روز شدن با شرایط متغیر و غیرمنتظره را هم داشته باشند، از مهمترین عوامل پیش‌برد مطلوب امور در همه عرصه‌ها و زمینه بوده و صنعت برق نیز از این قاعده مستثنی نیست. طی ۱۰ سال اخیر به کرات شاهد اقدامات پیش‌بینی نشده از سوی نهادهای دولتی یا نوسانات نرخ ارز به دلیل تحریم‌های ظالمانه بوده‌ایم به طور مثال افزایش ناگهانی قیمت بنزین یا ممنوعیت واردات کالا و تجهیزات از سال ۱۳۹۷ و افزایش چندین باره نرخ ارز عملیات‌تحويل پروژه‌ها براساس مبانی اولیه پیمان را در هاله‌ای از ابهام قرار داده، دولت هم با کسب نظر فعالان بخش خصوصی سعی در جلوگیری از فسخ یا خاتمه قراردادهای با ابلاغ دستورالعمل‌هایی داشته است ولیکن به نظر من وقفه‌های ایجاد شده تا تعیین تکلیف موجب از هم گسیختگی شاکله پروژه‌ها و تحمیل هزینه‌های بالاسری مضاعف به شرکت‌ها می‌شود. توجه کنید که پروژه‌های پیچیده صنعت برق با توقف‌های مکرر قطعاً به صورت غیراقتصادی به سرانجام خواهد رسید.

قراردادهای تیپ در صورتی با بررسی شرایط طرفین تهیه شوند مشخصاً در بالابردن میزان امنیت خاطر طرفین قرارداد، در اجرای به موقع و با کیفیت مناسب پروژه‌ها اثر مثبت خواهد داشت. مسائلی که هنگام اجرای قراردادها به وجود می‌آید، مسائل پیمانکار تنها نیست و کارفرما نیز می‌بایست پس از انعقاد قرارداد در تمامی مراحل پروژه جهت رفع موانع با پیمانکار همراهی کند. در حال حاضر پس از عقد قرارداد کارفرما خود را در قبال مسائل ایجاد شده مسئول نمی‌بیند و لذا عمده زیان‌ها متوجه پیمانکاران است و این امر سبب ورشکستگی و تحلیل توان این شرکت‌ها می‌شود که اتفاقاً در حد خودکفایی ملی پروژه‌ها را به سرانجام می‌رسانند.

متأسفانه علیرغم پیگیرهای طولانی مدت به نتایج کسب شده قبلی اقدامی جهت ابلاغ این قراردادها از سوی وزارت نیرو صورت نپذیرفته و با هر نوسان اقتصادی و یا شرایط جنگ اقتصادی در حوزه بین‌المللی شاهد ائتلاف منابع و تحویل ضرر و از دست رفتن منافع بخش خصوصی هستیم. نکته اینجاست که به هر حال با توجه به شرایط ویژه و پیچیده جنگ اقتصادی می‌بایست با تدوین این نوع قراردادهای کاهش ریسک‌های طرفین به نتیجه برد-برد در قراردادها رسید.

این مورد باز به همان سیستم تدوین شده و منعطف بر می‌گردد که بتواند پاسخگوی مسایل غیرمترقبه نیز باشد، چنین سازوکاری در مواجهه با عواملی نظیر کرونا هوشمندتر عمل خواهد کرد. همانگونه که قبلاً نیز اشاره کردم شیوع بیماری‌های همه‌گیر مصداقی از شرایط ویژه و پیچیده فعلی است که می‌تواند پروژه‌ها را در برزخ بلاتکلیفی معلق نماید. به نظر من درس آموخته شرایط ناشی از ویروس کرونا باید توسط کارشناسان خبره مطالعه و به صورت اصولی جهت روزهای آینده تا زمان فروکش کردن آن و یا شیوع این نوع امراض در آینده چارچوب قراردادهای صنعت احداث گنجانده شود.

سندیکا با ایجاد اجماع و بهره‌بردن از توان جمعی شرکت‌ها می‌تواند تعامل مطلوبی با وزارت نیرو داشته باشد که تاکنون نیز با اعلام مسایل مبتلا به شرکت‌های پیمانکار سازنده و مشاور به وزارت نیرو، تلاش کرده تا نقش خود را ایفا کند، لکن برای فایق آمدن بر شرایط کنونی به عزم و حرکت همه ارکان صنعت برق نیاز است.

بخش خصوصی فعال در صنعت برق توانسته است در خط مقدم جنگ اقتصادی و تحریم‌های پی‌درپی به هر شکل ممکن از کیان و پایایی شبکه برق کشور حفاظت کند. به نظر من سندیکا می‌بایست با ایجاد اجماع بین اعضا در صدد ترسیم کلیه وجوه چالش‌های پیش روی شرکت‌های عضو برای مدیران و قانون‌گذاران صنعت برق باشد. ■

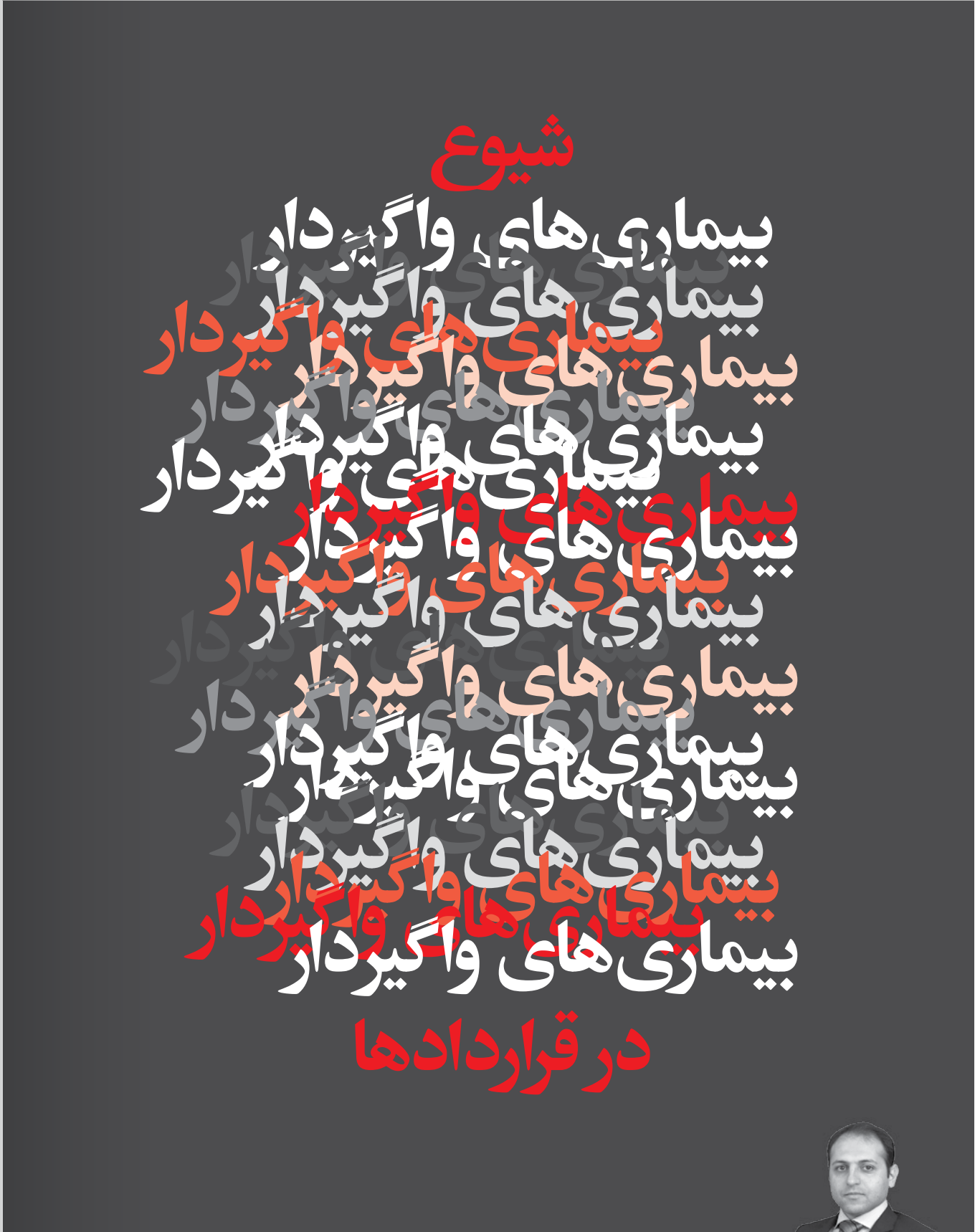
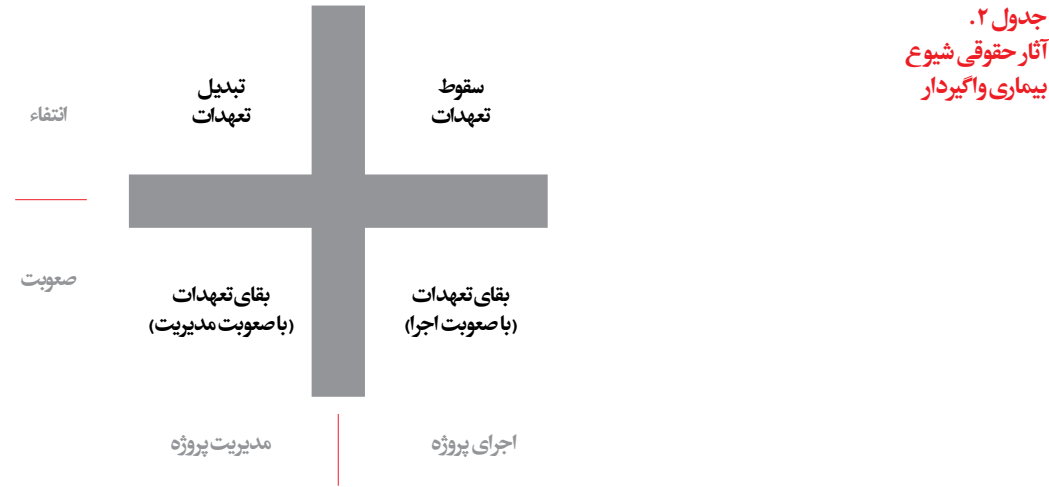
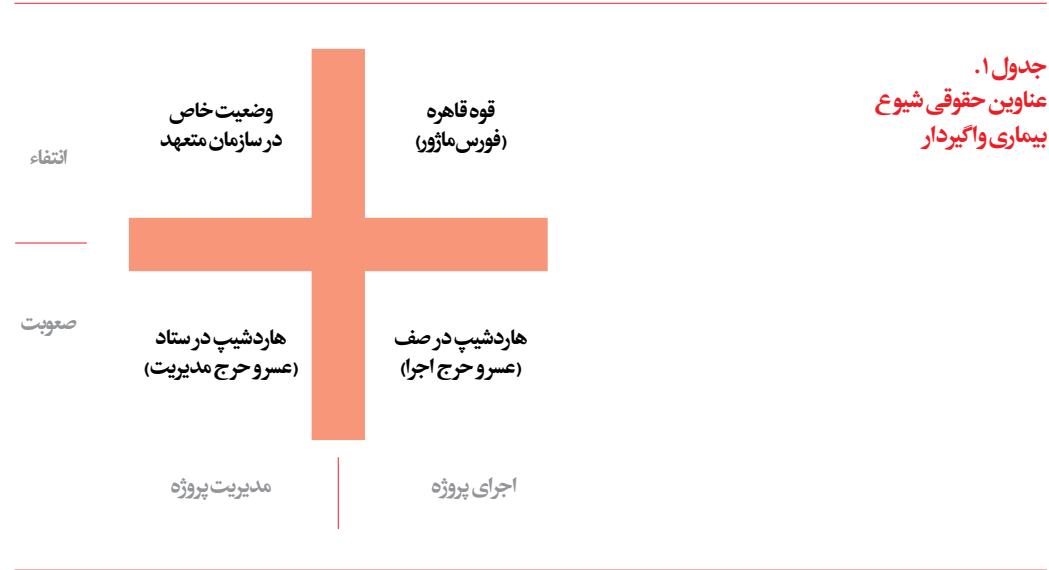
مقدمه

بررسی ابعاد مختلف قابلیت اثرگذاری شیوع بیماری کرونا، متوقف برشناسایی صحیح و دقیق، ماهیت و اثرفورس ماژور، عسرو خرج و یا وضعیت خاص در تشکیلات متعهد است. در واقع به صرف شیوع بیماری، نمی‌توان یک حکم کلی برای همهٔ پروژه‌ها صادر کرد. بلکه بایستی وضعیت هر پروژه، به عنوان رویدادی جداگانه مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت حکم مقتضی صادر شود. به همین منظور نگارنده، وجوه اشتراک، افتراق و محل اثرفورس ماژور، عسرو خرج قراردادی و وضعیت خاص در تشکیلات متعهد را، به تفکیک تبیین و بررسی کرده است.

تبیین مساله

آثار شیوع بیماری واگیردار به شرح ذیل قابلیت دسته‌بندی دارد. بدواً از حیث محل اثرشیوع، با دو دستهٔ محل اجرای پروژه (صف) و محل مدیریت پروژه (ستاد)، روبه‌رو هستیم. چرا که هر پروژه‌ای، علی‌الاصول دارای دو محل مدیریت و اجرا است و شیوع بیماری، یا محل مدیریت یا محل اجرا و یا هر دو را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در گام بعدی، باید ببینیم اثر رویداد شیوع بیماری واگیردار، انتفاء عملکرد مدیریتی و یا اجرایی پروژه (اعم از دائم و موقت) را در پی دارد؟ و یا عملکرد مدیریتی و یا اجرایی پروژه، با صعوبت همراه شده است؟ پاسخ پرسش‌های پیش‌گفته، چهار عنوان حقوقی به شرح جدول شمارهٔ یک را، رقم خواهد زد.

اثر حقوقی عناوین اربعه، بر مبنای قواعد عمومی قراردادهای نیز مطابق جدول شماره دو خواهد بود.





سندیکای صنعت برق ایران
Iran Electrical Industry Syndicate

خیر مقدم به اعضای جدید

به گزارش کمیته عضویت سندیکای صنعت
برق ایران در نیمه نخست سال جاری،

۴۲

شرکت جدید به اعضای سندیکا پیوسته اند:

- اتحاد صنعت مدبران
- اترک انرژی گستر ارس
- احداث و راه اندازی تاسیسات انرژی آتیه سناپاد (آرتا)
- آروین صنعت بسپار
- آسان برق شبستر
- اطلس سازه همگام
- الکتروسیم هدایت
- پرتو چخماق طوس
- پویا باد نیرو
- تامین افق اشتاد نیرو
- تجهیز بتن مهدی
- تجهیز برق پدیده شرق
- تعاونی الکترو برق مجمر
- توسعه آروین الکترونیک پارس (سیمند کابل)
- توسعه صنایع انرژی فلات پارس
- تیرسازان سدید
- حکمت توان زاینده رود
- دانش انرژی تدبیر
- راش صنعت خاورمیانه
- سامان اندیشان اکسین
- سامان نیرو سپاهان
- شارین پارس ایرانیان
- شایان برق هرمز
- صدر نیروی پارس خاوران
- صنایع پیشرفته هوا خورشید
- صنعت رایان پارس
- فرا انرژی سبز آذرخش
- فن آوین کالا
- فنی مهندسی ارتباطات الماس نیرو
- فنی و مهندسی بهین توسعه برق ماندگار
- فنی و مهندسی قلعه ساز ریشهر
- مدیران نیروی پرشیا
- مشاور گام نیروی اطلس
- مشهذ ثبات
- مهندسی ایستاپتروگاس
- مهندسی توسعه پتروفرآیند کرخه
- مهندسی نگار انرژی صبا
- موج نیرو
- مولد الکترونیک دنا
- نیروی برق مهدیار نقش جهان
- هامون نایزه
- ویستاتجهیزکیش بنیان